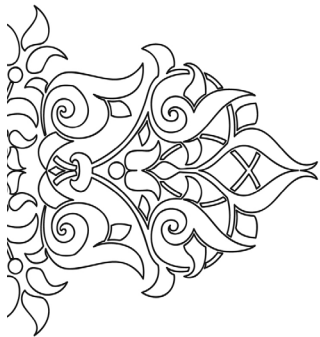
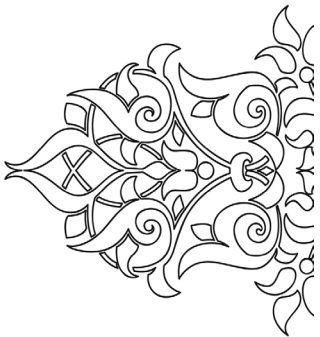




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ
لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ



(نهج البلاغه (للصالح) / ص: ٤٣)

اثره عقول در سرچشمه حیات

تنبّهات روایی منطبق بر اهداف تربیتی

بر پایه تربیت عقلانی-اخلاقی

فهرست اهداف

۱	شکرگزاری (ضد کفران).....
۱۳	تواضع (ضد تکبر).....
۳۰	حق‌پذیری (ضد ظلم).....
۴۶	اقرار به شایستگی اهل آن (ضد حسد).....
۵۲	جود و سخاوت (ضد بخل).....
۶۹	عفو و گذشت (ضد کینه و انتقام).....
۷۶	صداقت (ضد دروغ‌گویی).....
۹۰	وفای به عهد (ضد خلف وعده).....
۹۷	امنت‌داری (ضد خیانت).....
۱۰۷	احسان به غیر (ضد پرتوقعی).....
۱۱۶	پرهیز از قول به غیر علم.....
۱۲۰	پرهیز از عیب‌جویی دیگران (ضد غیبت، تهمت و بهتان).....
۱۲۸	حیا (ضد وقاحت).....
۱۴۵	یاری امام عصر علیه السلام

هدف: شکرگزاری (ضد کفران)

عنوان	روایات
(۱) تَبَهْ بِهِ وَجُوبُ شُكْرِ مَنِعٍ أَصْلَى (خدا)	(فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ) نحل / ۱۱۴ پس، از روزی پاک و حلالی که خدا به شما عطا کرده بخورید. و شکر نعمت خدا را به جای آورید، اگر فقط او را بندگی می‌کنید.
عنوان	روایات
(۲) انواع شکرگزاری (شکر قبی)	امام صادق علیه السلام: مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَ عَلِمَ أَنَّ الْمُنْعِمَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَقَدْ أَدَّى شُكْرَهَا اصول کافی / کتاب الایمان والکفر / باب الشکر / ح ۱ کسی که خداوند به او نعمتی داده، و او آن نعمت را به قلبش بشناسد، و بداند که منعم او خداوند است، همانا شکرش را به جای آورده است.

عنوان	روایات
۳ انواع شکرگزاری (شکریاتی)	وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ نعمت‌های پروردگارت را بازگو. ضحیٰ/ ۱۱
	مَنْ أُتِيَ إِلَيْهِ مَعْرُوفٌ فَلْيُكَافِئْ. فَإِنْ عَجَزَ فَلْيَتَيْنِ بِهِ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَقَدْ كَفَرَ النِّعْمَةَ. بحارالانوار/ ج ۷۱/ ص ۴۷ هرکس خیری [به وسیله دیگری] به او برسد، پس باید آن را تلافی کند. اگر توان تلافی نداشت، با زبان به تعریف و تمجید از آن (خیر) پردازد، و در صورتی که چنین نکند، کفران نعمت کرده است.
	امام صادق علیه السلام: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بِنِعْمَةٍ صَغُرَتْ أَوْ كَبُرَتْ فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ إِلَّا أَدَّى شُكْرَهَا. هر نعمت کوچک و یا بزرگی که خدا به بنده عطا فرماید، اگر آن بنده بگوید الحمد لله ، شکرش را ادا کرده است. اصول کافی/ کتاب الایمان و الکفر/ باب الشکر/ ح ۲

عنوان	روایات
(۳) انواع شکرگزاری (شکر زبانی)	عَنْ هِشَامِ بْنِ أَحْمَرَ، قَالَ: كُنْتُ أَسِيرُ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ أَطْرَافِ الْمَدِينَةِ، إِذْ تَوَلَّى رَجُلُهُ عَنْ دَابَّتِهِ، فَخَرَّ سَاجِدًا فَأَطَالَ وَ أَطَالَ، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ رَكِبَ دَابَّتَهُ، فَقُلْتُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ قَدْ أَطَلْتَ السُّجُودَ؟ فَقَالَ: إِنِّي ذَكَرْتُ نِعْمَةَ اللَّهِ بِهَا عَلَيَّ فَاحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ رَبِّي اصول کافی / کتاب الایمان والکفر / باب الشکر / ح ۲۶ هشام بن احمر گوید: همراه امام هفتم علیه السلام به یکی از اطراف مدینه می‌رفتم. ناگاه حضرت، پای خود را از روی چارپای (مرکب) خود خم کرده، به سجده افتادند، و مدتی آن را طول دادند. سپس سرشان را بلند کردند و سوار مرکب خود شدند. گفتم: فدایتان شوم، سجده را طولانی کردید. فرمودند: به یاد نعمتی افتادم که خدا به من عطا فرموده، پس مایل شدم که خدایم را شکرگزارم.
عنوان	روایات
(۴) انواع شکرگزاری (شکر عملی)	امیرالمؤمنین علیه السلام: أَقَلُّ مَا يَجِبُ لِلْمُنْعَمِ أَنْ لَا يُعْصِيَ بِنِعْمَتِهِ. کمترین چیزی که برای مُنعم واجب می‌باشد (باید در حق مُنعم انجام شود) این است که با نعمت او معصیت نشود. غرر و درر / فصل ۸ / ح ۲۴۲

عنوان	روایات
(۴) انواع شکرگزاری (شکر عملی)	امام صادق علیه السلام: كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ السِّنَتِكُمْ. بحار الانوار/ ج ۷۰ / ص ۳۰۹ / ح ۳۸ مردم را بدون (استفاده از) زبان های تان دعوت (به دین خدا) کنید.
	امام رضا علیه السلام: وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَا تَشْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِشَيْءٍ - بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَبَعْدَ الْإِعْتِرَافِ بِحُقُوقِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَسُولِ اللَّهِ - أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنْ مُعَاوَنَتِكُمْ، لِإِخْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى دُنْيَاهُمْ الَّتِي هِيَ مَعْبَرَتُهُمْ إِلَى جَنَّاتِ رَبِّهِمْ، فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مِنْ خَاصَّةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بحار الانوار/ ج ۴۹ / ص ۱۸ بدانید که در مقام شکرگزاری از خدای عزوجل - پس از ایمان به خدا و پس از اعتراف به حقوق اولیاء خدا از اهل بیت پیامبر علیهم السلام - هیچ چیز برای شما، از کمک رساندن به برادران ایمانی خود در انجام امور دنیوی آن ها - که گذرگاه ایشان به سوی بهشت پروردگارشان است - دوست داشتنی تر نیست. پس هر کس به این کمک رسانی موفق گردد (از لحاظ درجه و ثواب) امتیاز ویژه ای نزد خدا دارد.
	امام صادق علیه السلام: شُكْرُ النَّعْمَةِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ. وَ تَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الرَّجُلِ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». اصول کافی/ کتاب الایمان و الکفر/ باب الشکر/ ح ۱۰ شکر نعمت، پرهیز از محرمات است. و شکر وقتی کامل می شود که شخص بگوید «الحمد لله رب العالمین»

عنوان	روایات
(۵) بالاترین درجه شکر	فَكَيْفَ لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ؟! وَ شُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرٍ، فَكُلَّمَا قُلْتُ لَكَ الْحَمْدُ، وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ. بحار الانوار/ ج ۹۴ / ص ۱۴۶ : مناجات الشَّاكِرِينَ، از دَعَاهاى خمس عشره. خدايا! چگونه مى توانم حقّ شکر (تو) را ادا کنم، در حالى که هرگونه شکرگزاری من از تو، احتیاج به شکر دیگری دارد!!؟ پس هرگاه تو را حمد گویم، بر من لازم مى شود که به خاطر آن حمد تو را باز گویم.
	ابراهيم ۳۴: إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا اگر نعمت های خدا را بشمارید، نمى توانید بر تعداد آن ها احاطه پیدا کنید.
	امام سجّاد ؑ: سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ الْإِعْتِرَافَ بِالنِّعْمَةِ لَهُ حَمْدًا. سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ الْإِعْتِرَافَ بِالْعِزِّ عَنِ الشُّكْرِ شُكْرًا. بحار الانوار/ ج ۷۸ / ص ۱۴۲ / ح ۳۷ منزه است آن (خدایی) که اعتراف به نعمت خود را حمد قرار داده است. منزه است آن (خدایی) که اعتراف به عجز از شکر را شکر قرار داده است.

عنوان	روایات
ابراهیم/۷: لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید اگر (نعمت‌های مرا) شکر کنید، برای شما (آنها را) می‌افزایم. و اگر (آنها را) کفران نمایید، همانا عذاب من شدید است	
پیامده شکر و کفران نعمت ۹ امام صادق علیه السلام: مکتوبٌ فی التّوراة: أُشکر مَنْ أَنْعَمَ عَلَیْکَ، وَ أَنْعِمَ عَلَی مَنْ شُکِرَکَ، فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنَّعْمَاءِ إِذَا شُکِرَتْ وَ لَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا کُفِّرَتْ، الشُّکْرُ زِیَادَةٌ فِی النِّعَمِ وَ أَمَانٌ مِنَ الْغَیْرِ در تورات نوشته شده است: شکر کسی را که به تو نعمتی عطا کرده است، بگزار. و اگر کسی تو را شکر کرد، به او نعمت بده. اگر شکر نعمت‌ها گزارده شود، زوال نمی‌یابد. و اگر کفران شوند، باقی نمی‌مانند. شکر، سبب زیاد شدن نعمت‌ها می‌شود و آنها را از تغییر یافتن، مصون و محفوظ می‌دارد. اصول کافی/ کتاب الایمان و الکفر/ باب الشکر/ ح ۳	

عنوان	روایات
نتیجه شکر و کفران نعمت (۹)	حضرت جواد علیه السلام: نِعْمَةٌ لَا تُشْكُرُ كَسَيِّئَةٌ لَا تُغْفَرُ. بحار الانوار / ج ۷۱ / ص ۵۳ / ح ۸۴ نعمتی که شکرش به جا آورده نشود، مانند گناهی است که آمرزیده نشود.
	امام صادق علیه السلام: إِذَا اسْتَبْطَأْتَ الرِّزْقَ فَأَكْثِرْ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ: اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَ يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ (یعنی فی الدنیا) وَ یَجْعَلَ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ یَجْعَلَ لَكُمْ أَنْهَاراً (یعنی فی الْآخِرَةِ). ۱۱، آیه: نوح/۱۰-۱۱، بحار الانوار / ج ۷۸ / ص ۲۲۶ / ح ۹۶ اگر دیدی که روزی کُند شده است، زیاد طلب مغفرت کن، چرا که خدای متعال فرموده است از خدایتان طلب مغفرت کنید، زیرا که او بسیار بخشاینده است تا از آسمان، به صورت سیل آسا بر شما ببارد، و شما را به وسیله اموال و پسران کمک کند (امام صادق علیه السلام فرمود: منظور در دنیا است) «و برای شما باغها و رودهایی قرار دهد» (امام علیه السلام فرمود: منظور در آخرت است).

عنوان	روایات
۷) شناخت واسطه‌های نعمت و شکر آن‌ها	امام رضا علیه السلام: مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ. کسی که رساننده نعمت از مخلوقات را شکر نگذارد، خدای عزوجل را شکر نکرده است. عیون اخبار الرضا علیه السلام/ ج ۲ / ص ۲
	امام سجاد علیه السلام: وَ أَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنْ تَشْكُرُهُ، وَ تَذْكُرُ مَعْرُوفَهُ، وَ تَكْسِبُهُ الْمَقَالَةَ الْحَسَنَةَ، وَ تُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ شَكَرْتَهُ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً، ثُمَّ إِنْ قَدَرْتَ عَلَى مُكَافَأَتِهِ يَوْمًا كَافَأَتْهُ. حَقِّ کسی که کارهای خوبی در حق تو انجام داده، این است که از او شکرگزاری کنی، و کار خویش را ذکر کنی، و سخنان نیکو درباره او به کار ببری، و در ارتباطی که با خدا داری، او را خالصانه دعا کنی، اگر چنین کنی، از او به صورت پنهان و آشکار سپاسگزار کرده ای، و اگر روزی توانایی بر تلافی (کار خوب) او پیدا کردی، آن را تلافی کنی. بحار الانوار/ ج ۷۱ / ص ۷

عنوان	روایات
(۸) شکر نعمت امام زمان علیه السلام	خداوند متعال، ایشان را «ولّی نعمت» مخلوقات قرار داده است و همه نیازهای دنیوی و اخروی مخلوقات به وسیله ایشان برطرف می‌گردد.
عنوان	روایات
(۹) معیار قرار دادن خود جهت درک حسن شکرگزاری	امیرالمؤمنین علیه السلام: اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ. نهج البلاغه / نامه ۳۱ خود را در آنچه میان تو و دیگران است، ترازویی پندار

عنوان	روایات
(۱۰) توقع تشکر نداشتن از دیگران	امیرالمؤمنین علیه السلام: إِنَّ مَكْرُمَةً صَنَعْتَهَا إِلَى أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِنَّمَا أَكْرَمْتَ بِهَا نَفْسَكَ وَزَيَّنْتَ بِهَا عِرْضَكَ فَلَا تَطْلُبْ مِنْ غَيْرِكَ شُكْرَ مَا صَنَعْتَ إِلَى نَفْسِكَ اگر یک بزرگواری در حق دیگری کردی خودت را اکرام کردی عیون الحکم و المواعظ (للیثی) ؛ ص ۱۵۴

عنوان	روایات
(۱۱) عملکرد شاکر در مواجهه با اهل معصیت	امیرالمؤمنین علیه السلام: إِنَّمَا يَنْبَغِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَالْمَصْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ أَنْ يَرْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَالْمَعْصِيَةِ وَيَكُونَ الشُّكْرُ هُوَ الْغَالِبَ عَلَيْهِمْ وَالْحَاجِزُ لَهُمْ عَنْهُمْ فَكَيْفَ بِالْعَائِبِ الَّذِي عَابَ أَخَاهُ نهج البلاغه/ص ۱۹۷ شایسته است برای اهل عصمت کسانی را که از معاصی دوری گزیده‌اند و خداوند نعمت پرهیز از گناهان را به آن‌ها بخشیده، به گناهکاران و کسانی که زیر بار فرمان خدا و رسول نمی‌روند، مهربانی کنند و سزاوار است که شکر و سپاسگزاری بر آنها مسلط باشد و مانع گردد از اینکه از گناهکاران غیبت کنند.

عنوان	روایات
۱۲) ارتباط شکر و صبر	الْإِيمَانُ نِصْفَانِ: نِصْفٌ فِي الصَّبْرِ وَ نِصْفٌ فِي الشُّكْرِ بحار الانوار/ ج ۷۷ / ص ۱۵۱ / ح ۹۹ پیامبر ﷺ: ایمان به دو نیمه تقسیم می‌شود: نیمی از آن در صبر و نیم دیگر در شکر است
عنوان	روایات
۱۳) کمالات اخلاقی برخاسته از شکرگزاری	حقیقت شکر را فقط کسی می‌تواند ادا کند که سه خصلت تواضع، اقرار به فضل دیگری و قناعت را داشته باشد. حقیقت مشترک میان این سه خصلت آن است که انسان به آنچه عطاایش فرموده راضی و خشنود باشد.
عنوان	روایات
۱۴) ریشه‌های کفر و فاسیاسی	قال ابو عبد الله عليه السلام: اصول الكفر ثلاثه الحرص و الاستكبار و الحسد ریشه‌های کفر سه چیز است: حرص، استکبار، حسد

هدف: تواضع (ضدّ تكبر)

عنوان	روایات
(۱) تَبَهُّ بِهِ فِقْرَ دَاتِي	انسان از خود هیچ ندارد و هر نعمتی دارد از جانب خداست. بر خدا هم واجب نیست که این نعمت‌ها را به او بدهد و هر لحظه ممکن است خدا نعمتی را به او عطا نکند. لذا همه دارایی‌ها و موفقیت‌های انسان لطفی از جانب خداست پس دلیلی برای خودبزرگ‌بینی وجود ندارد.

عنوان	روایات
(۲) رَابِعُهُ شُكْرُ نِعْمَةٍ وَ تَوَاضُعٍ	ابی‌عبدالله علیه السلام : فَقَالَ إِنَّا نَجِدُ فِي الْإِنْجِيلِ أَنَّ مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَلْيَشْكُرْ اللَّهَ وَ نَجِدُ فِي الْإِنْجِيلِ أَنَّ لَيْسَ مِنَ الشُّكْرِ لِلَّهِ شَيْءٌ يَعْدِلُهُ مِثْلُ التَّوَاضُعِ فرمود: مَا دَرِ انْجِيلِ يَأْفَتِيْمُ كِه هِر كِه رَا خِدا نِعْمَتِي دَادَ بَايْدِ او رَا شُكْرَ كَنْد، وَ بَازِ دَرِ انْجِيلِ اسْتِ كِه شُكْرِي بَرَايِ خِدا بَرَابِرِ تَوَاضُعِ نَيْسْت. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۰۱

عنوان	روایات
۳) تواضع در برابر خدای متعال	پیامبر ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: الْكِبْرِيَاءُ رِدَائِي. خدا فرمود کبر و بزرگی سزاوار من است. إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی) / ج ۱ / ص ۱۸۹
	امام باقر علیهِ السَّلام: الْكِبْرُ رِدَاءُ اللَّهِ، وَ الْمُتَكَبِّرُ يُنَازِعُ اللَّهَ رِدَاءَهُ بزرگی لباسی است که در خور خداوند است و متکبر با خداوند به نزاع برخاسته است. الکافی / ج ۲ / ۳۰۹
	عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ لِقَمَانٍ لِابْنِهِ: يَا بُنَيَّ تَوَاضَعْ لِلْحَقِّ تَكُنْ أَعْقَلَ النَّاسِ بزرگی لباسی است که در خور خداوند است و متکبر با خداوند به نزاع برخاسته است. الکافی، ج ۱، ص ۱۶

عنوان	روایات
۴) تواضع در برابر پیامبر ﷺ و اهل بیت اطهار	هر نعمتی به انسان می‌رسد به واسطه‌ی پیامبر ﷺ و اهل بیت اطهار است؛ پس باید در برابر آن‌ها مطیع و شاکر باشد.

عنوان	روایات
۵) تواضع در برابر واسطه‌های نعمت	انسان علاوه بر خدا و پیامبر ﷺ باید در برابر دیگر واسطه‌های نعمت (والدین، معلم و...) هم، متواضع باشد. این روحیه فروتنی در برابر بندگان، لطف خدا و نشانه‌ای از تواضع در برابر خداست.

عنوان	روایات
۶) رابطه تواضع و اخلاق	فروتنی و تواضع امری واجب و سرمنشأ اخلاق و مصداق اتمّ خوش اخلاقی است.

عنوان	روایات
۷) تواضع یک عمل قلبی و جوارحی	تواضع و فروتنی یک عمل برخاسته از قلب و یک باور قلبی است و این اعتقاد قلبی باید خود را، در رفتار هم نشان دهد. رفتار متواضعانه، بیش از هرچیزی، به دیگران درس تواضع می دهد و در روحیه خود انسان نیز اثر می گذارد. البته انسان باید مراقب باشد که تواضعش به ریا آمیخته نشود.

عنوان	روایات
(۸) معیار قرار دادن خود در رفتار با دیگران	امیرالمؤمنین (علیه السلام): فَأَحَبُّ لِعَبْدِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَأَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا. نهج البلاغه (للصبحي صالح) / ۳۹۷ / ۳۱ آنچه را که برای خودت دوست نداری، برای دیگری هم دوست نداشته باش. آنچه را که برای خودت مکروه است، برای دیگر هم مکروه بدان.
	سَأَلْتُ الرَّضَا (علیه السلام) ... قُلْتُ فَمَا حَدُّ التَّوَاضُّعِ قَالَ: أَنْ تُعْطِيَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ مَا تُحِبُّ أَنْ يُعْطُوكَ مِثْلَهُ الْإِمَالِي (للصدوق)، ص ۲۴۰ از امام رضا (علیه السلام) سوال کردم: عرض کردم اندازه تواضع چیست؟ گفت اینست که به مردم بدهی آنچه را دوست داری به تو بدهند.
	امام رضا (علیه السلام): التَّوَاضُّعُ أَنْ تُعْطِيَ النَّاسَ مَا تُحِبُّ أَنْ تُعْطَاهُ الْكَافِي، ج ۲، صفحه ۱۲۴ تواضع اینست که بمردم بدهی آنچه را می خواهی به تو دهند.

عنوان	روایات
(۴) برخی مصادر قاضی	و سُئِلَ ۞ عَنْ التَّوَاضُّعِ فَقَالَ هُوَ أَنْ تَرْضَى مِنَ الْمَجْلِسِ بِدُونِ شَرَفِكَ وَأَنْ تُسَلِّمَ عَلَى مَنْ لَقِيتَ وَأَنْ تَتْرَكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كُنْتَ مُحِقًّا. بحار الانوار/ج ۷۵/ص ۲۴۴ و راجع به تواضع از امام صادق ۞ پرسیدند فرمود: به این است که شخص راضی باشد به نشستن در مجلس در محلی که پست تر از شخصیت اوست و اینکه سلام کنی به هر کس که می‌رسی و بحث و جدل را رها کنی گرچه حق با تو باشد.
	البادئُ بالسلام بَرِيءٌ مِنَ الْكِبَرِ. نهج الفصاحة / ص ۳۷۵ آغازگر سلام از تکبر به دور است.
	امیرالمؤمنین ۞: رَأْسُهُ الْعِلْمُ التَّوَاضُّعُ. بحار/ج ۷۵/ص ۶ رأس علم، تواضع است.
	امیرالمؤمنین ۞: وَ بِرَأْيِهِ مُكْتَفِيًّا فَمَا يَزَالُ مِنَ الْعُلَمَاءِ مُبَاعِدًا ... وَ عَنْ طَلَبِ الْعِلْمِ مُسْتَكْبِرًا بحار الانوار/ج ۷۴/ص ۲۰۳ و به بینش خود اکتفا کند او همیشه از دانایان دور است و در آموختن دانش تکبر ورزد.

عنوان	روایات
(۱۰) نداشتن حسادت نسبت به شخص متواضع	امام عسکری علیه السلام: التَّوَّاضُّعُ نِعْمَةٌ لَا يُحَسَدُ عَلَيْهَا تحف العقول/النص/۴۸۹ تواضع نعمتی است که کسی بر آن حسد نبرد.

عنوان	روایات
(۱۱) تواضع در برابر مال و موقعیت	ابی عبدالله علیه السلام: «وَمَنْ أَتَى ذَا مَيْسَرَةٍ فَتَخَشَّعَ لَهُ طَلَبَ مَا فِي يَدَيْهِ ذَهَبَ ثُلُثَا دِينِهِ» بحارالانوار، ج ۷۰، صفحه ۸۹ هر کس برای مال دنیا نزد توانگری خضوع کند دو سوم دینش را از دست می دهد.

عنوان	روایات
(۱۲) توجه به نقاط قوت در بین تواضع	ابی عبدالله علیه السلام : ... لَا يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ عَلَى التَّقْوَى «بحار الانوار، ج ۷۲، صفحه ۱۱۹» انسان متواضع دوست ندارد که تعریف کنند چه آدم متقی است .

عنوان	روایات
(۱۳) پست‌تر دیدن خود از دیگران	ابی عبدالله علیه السلام: مَنْ ذَهَبَ يَرَى أَنَّ لَهُ عَلَى الْآخِرِ فَضْلًا فَهُوَ مِنَ الْمُسْتَكْبِرِينَ. کافی / ج ۸ / ص ۱۲۸ کسی که در خود نسبت به دیگری برتری ببیند، از مستکبران (خود بزرگ نمایان) است. إِنَّمَا النَّاسُ رَجُلَانِ فِرَجْلٌ هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ وَآتَقَى وَآخَرُهُ شَرٌّ مِنْهُ وَأَدْنَى فَإِذَا رَأَى مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ وَآتَقَى تَوَاضَعَ لَهُ لِيَلْحَقَ بِهِ وَإِذَا لَقِيَ الَّذِي هُوَ شَرٌّ مِنْهُ وَأَدْنَى قَالَ عَسَى خَيْرٌ هَذَا بَاطِنٌ وَشَرُّهُ ظَاهِرٌ وَعَسَى أَنْ يُخْتَمَ لَهُ بِخَيْرٍ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ عَلَا مَجْدُهُ وَسَادَ أَهْلُ زَمَانِهِ. الخصال / ج ۲ / ص ۴۳۳ مردم دو قسمند: قسمی واقعا از او بهتر و پرهیزگارتر هستند، قسم دیگر از او بدتر و پست‌تر می‌باشند، چون به قسمی برخورد که از او بهتر و پارساتر هستند در مقابل آنها تواضع و فروتنی کند تا خود را به آنها برساند و هر گاه با کسی مواجه شد که از او بدتر و پست‌تر است به خود بگوید: شاید خوبی او پنهان و بدیش ظاهر باشد و شاید عاقبتش به خیر انجامد، چون چنین کند بزرگ شده و آقا و سرور اهل زمانش گردد.

عنوان	روایات
(۱۴) عَزَّتْ، ثَمَرُهُ تَوَاضِعٌ	ابی عبدالله علیه السلام : مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ. کافی / ج ۲ / ص ۱۲۲ هر که برای خدا تواضع کند خدایش بالا برد.
	ابی عبدالله علیه السلام : اَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَرْفَعْ الْمُتَوَاضِعِينَ بِقَدَرِ تَوَاضُعِهِمْ وَلَكِنْ رَفَعَهُمْ بِقَدَرِ عَظَمَتِهِ وَ مَجْدِهِ. بحار / ج ۱ / ص ۱۵۵ و بدان که خداوند فروتنان را به اندازه فروتنی خودشان بالا نبرد بلکه به اندازه بزرگی و شکوه خویش بالا برد.

عنوان	روایات
(۱۵) تمایل انسان به تکبر	انسان طبعاً تمایل دارد خودش را بزرگتر از بقیه جلوه دهد. اما باید با تمرین تواضع تلاش کند برخلاف میل نفسانی خود، با تکبر مقابله کند.

عنوان	روایات
پیغمبر (ص)	امام صادق علیه السلام: آفَةُ الدِّينِ الْحَسَدُ وَالْعُجْبُ وَالْفَخْرُ . کافی/ ج ۲/ ص ۳۰۷ افت دین حسد و خودبینی و بالیدن است.
	قَالَ مُوسَى فَأَخْبِرْنِي بِالذَّنْبِ الَّذِي إِذَا أَذْنَبَهُ ابْنُ آدَمَ اسْتَحْوَذَتْ عَلَيْهِ قَالَ إِذَا أَعْجَبَتْهُ نَفْسُهُ وَاسْتَكْبَرَتْ عَمَلُهُ وَ صَغُرَ فِي عَيْنَيْهِ ذَنْبُهُ . کافی/ ج ۲/ ص ۳۱۴ موسی علیه السلام گفت: بمن خبر ده از گناهی که چون آدمیزاد مرتکب شود بر او مسلط شوی؟ شیطان گفت: هنگامی که او را از خود خوش آید و عملش را زیاد شمارد و گناهش در نظرش کوچک شود.
	سَأَلْتُهُ عَنِ الْعُجْبِ الَّذِي يُفْسِدُ الْعَمَلَ فَقَالَ الْعُجْبُ دَرَجَاتٌ مِنْهَا أَنْ يُزَيِّنَ لِلْعَبْدِ سُوءَ عَمَلِهِ فَيَرَاهُ حَسَنًا فَيُعْجِبُهُ وَ يَحْسَبُ أَنَّهُ يُحْسِنُ صُنْعًا وَ مِنْهَا أَنْ يُؤْمِنَ الْعَبْدُ بِرَبِّهِ فَيَمَنَّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِيهِ الْمَنُّ . کافی/ ج ۲/ ص ۳۱۳ از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام راجع به خودبینی و تکبر که کردار را تباه می سازد پرسیدم، فرمود: خودپسندی مراتبی دارد و یکی از آنها این است که رفتار بد و نادرست خودپسند در نظرش خوب و پسندیده و زیبا جلوه می کند، و او را چنان خوش می آید که گمان می کند کار شایسته ای انجام می دهد، و مورد دیگر اینکه؛ بنده به پروردگارش ایمان آورد و بر خدای عزّ و جلّ منتّ گذارد، در صورتی که خدا را بر او منتّ است.

عنوان	روایات
(۱۶) مجتبی زین العابدین	امام صادق علیه السلام: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ مُحْتَسِبًا لَا أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً مُحِصَّتْ عَنْهُ ذُنُوبُهُ كَمَا يُمَحِّصُ التَّوْبُ بِالْمَاءِ فَلَا يَبْقَى عَلَيْهِ دَنْسٌ وَ يُكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حِجَّةٌ وَ كُلِّ مَا رَفَعَ قَدَمًا عُمْرَةً. کامل الزیارات/النص/ص ۱۴۴
	امام صادق علیه السلام: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ مُحْتَسِبًا لَا أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً مُحِصَّتْ عَنْهُ ذُنُوبُهُ كَمَا يُمَحِّصُ التَّوْبُ بِالْمَاءِ فَلَا يَبْقَى عَلَيْهِ دَنْسٌ وَ يُكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حِجَّةٌ وَ كُلِّ مَا رَفَعَ قَدَمًا عُمْرَةً. کامل الزیارات/النص/ص ۱۴۴ کسی که به امید ثواب و اجر به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برود نه از روی تکبر و نخوت و نه ریا و سمعه گناهانش پاک شده همان طور که جامه با آب پاک و طاهر می گردد، بنا بر این هیچ آلودگی و لغزش بر او باقی نمی ماند و بهر قدمی که برداشته ثواب یک حج به او داده و هر گاه گام و قدمش را از روی زمین بلند می کند ثواب یک عمره دارد.
	أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: مَنْ دَخَلَهُ الْعُجْبُ هَلَكَ. کافی/ج ۲/ ۳۱۳ هر کس که خودستائی در او راه یافت هلاک گردید.
	امام حسن مجتبی علیه السلام: الْكَرَمُ فَالْتَبَرُّعُ بِالْمَعْرُوفِ وَ الْإِعْطَاءُ قَبْلَ السُّؤَالِ. الخرائج و الجرائح / ج ۱/ ص ۲۳۸ کرم کار نیک انجام دادن، و بخشش قبل از سؤال است.

عنوان	روایات
(۱۸) تَعَبُّرُ	امام سجاد علیه السلام: فَأَوَّلُ مَا عُصِيَ اللَّهُ بِهِ الْكِبَرُ وَ هِيَ مَعْصِيَةُ إِبْلِيسَ أَبِي وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ بقره/۳۴. کافی/ ج ۲/ ص ۱۳۰ نخستین نافرمانی که خدا را نمودند تکبر بود و آن نافرمانی شیطان بود، زمانی که سر پیچی و گردنفرازی کرد و از کافران گشت.
	امام صادق علیه السلام: مَا مِنْ أَحَدٍ يَتَّبِعُهُ إِلَّا مِنْ ذَلَّةٍ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ. کافی/ ج ۲/ ص ۳۱۲ هر مردی که تکبر کند و یا اظهار قدرت نماید به خاطر ذلتی است که در خودش می یابد.
	مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لَذَلَّةٌ وَ جَدَهَا فِي نَفْسِهِ. کافی/ ج ۲/ ص ۳۱۲ مردی تکبر و گردنکشی نکند، مگر بجهت ذلتی که در خود می بیند.
	امام صادق علیه السلام: أَعْظَمُ الْكِبَرِ أَنْ تَسْفَهَ الْحَقَّ وَ تَغْمِصَ النَّاسَ. کافی/ ج ۲/ ص ۳۱۱ بزرگترین درجه کبر این است که حق را سبک شماری و مردم را خوار پنداری.

عنوان	روایات
تَجَبَّرَ عَلَيْهِمُ الْغُلَامُ فَتَرَى فِي هَذَا شَيْئًا مِنَ التَّجَبُّرِ (۱۸) بَیِّنَاتٍ صَادِقَاتٍ	قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنِّي أَكُلُ الطَّعَامَ الطَّيِّبَ وَ أَشْمُ الرِّيحَ الطَّيِّبَةَ وَ أَرْكَبُ الدَّابَّةَ الْفَارِهَةَ وَ يَتَّبِعُنِي الْغُلَامُ فَتَرَى فِي هَذَا شَيْئًا مِنَ التَّجَبُّرِ فَلَا أَفْعَلُهُ فَأُطْرَقَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع ثُمَّ قَالَ إِنَّمَا الْجَبَّارُ الْمَلْعُونُ مِنْ غَمَصِ النَّاسِ وَ جَهْلِ الْحَقِّ قَالَ عُمَرُ فَقُلْتُ أَمَّا الْحَقُّ فَلَا أَجْهَلُهُ وَ الْعَمَصُ لَا أَدْرِي مَا هُوَ قَالَ مَنْ حَقَّرَ النَّاسَ وَ تَجَبَّرَ عَلَيْهِمْ فَذَلِكَ الْجَبَّارُ. کافی/ ج ۲/ ص ۳۱۱ به ابو عبد الله صادق عليه السلام گفتم: من غذای خوب می خورم، عطر خوش استعمال می کنم، اسب قیمتی سوار می شوم و نوکری در التزام رکاب دارم. آیا در این مرام و شیوهام جبروت و کبریا وجود دارد؟ اگر چنین است که آن را ترک کنم. ابو عبد الله صادق عليه السلام لحظه ای نظر مبارک را بر زمین دوخت و سپس گفت: آن کسی ملعون و سرکش است که مردم را در زیر قدم له کند و حق ناشناس باشد. من گفتم: حق ناشناس که نبوده و نیستم، اما معنی له کردن را نفهمیدم. ابو عبد الله گفت: یعنی مردم را تحقیر کند و به آنان جبروت بفروشد و گردن فرازی کند. یک چنین آدمی جبار است.

عنوان	روایات
(۱۹) عَصِيْبِيَّةٌ، مَصْدَاقُ تَكْبَرٍ	قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم : مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حَبَّةٌ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ عَصِيْبِيَّةٍ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَغْرَابِ الْجَاهِلِيَّةِ كَافِي/ ۳۰۸/۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم : هر که در دلش باندازه دانه خردلی عصبیت باشد خدا او را روز قیامت با اعراب جاهلیت مبعوث کند.

عنوان	روایات
۲۰. عقوبت کبر	امیرالمؤمنین (علیه السلام): شَرُّ آفَاتِ الْعَقْلِ الْكِبَرُ. غررالحکم/ص ۴۱۲ بدترین آفت های عقل تکبر است.
	امام باقر (علیه السلام): لَمَّا دَخَلَ قَلْبٌ أَحَدِ شَيْءٍ مِنَ الْكِبَرِ إِلَّا نَقَصَ مِنْ عَقْلِهِ مِثْلَ مَا دَخَلَهُ مِنْ ذَلِكَ قَلَّ ذَلِكَ أَوْ كَثُرَ. كشف الغممة فی معرفة الأئمة/ ج ۲/ ص ۱۳۲ در قلب هر کس مقداری کبر داخل شود بهمان نسبت از عقلش کاسته می شود چه زیاد باشد یا کم.
	امام صادق (علیه السلام): أصول الكفر ثلاثة: الحرص و الإستكبار و الحسد. الكافي/ ج ۲/ ص ۲۸۹ اصول کفر سه است حرص، تکبر، و حسد.
	امام صادق (علیه السلام): لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ. کافی/ ج ۲/ ص ۳۱۰ هر که به وزن ذره ای کبر در دلش باشد، بهشت نمی رود.
	امام صادق (علیه السلام): أبعد الناس من الله المتكبرون. کافی/ ج ۳/ ص ۳۱۹ دورترین مردم از خداوند اشخاص متکبر و خودخواه می باشد.

عنوان	روایات
۲۰) اوقاب تکبر	امام صادق علیه السلام: إِنَّ الْمُتَكَبِّرِينَ يُجْعَلُونَ فِي صُورَةِ الذَّرِّ يَتَوَطَّأُ بِهِمُ النَّاسُ حَتَّى يَفْرُغَ اللَّهُ مِنَ الْحِسَابِ. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال / صفحه ۲۲۲ [روز قیامت] متکبران به صورت مورچه در می آیند و مردم آنها را پایمال می کنند تا خداوند از حساب فارغ شود.
	امام صادق علیه السلام: إِنَّ فِي جَهَنَّمَ لَوَادِيًا لِلْمُتَكَبِّرِينَ يُقَالُ لَهُ سَقَرُ شَكَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ شِدَّةَ حَرِّهِ وَ سَأَلَهُ أَنْ يَأْذَنَ لَهُ أَنْ يَتَنَفَّسَ فَنَفَسَ فَأُحْرِقَ جَهَنَّمَ. کافی / ج ۲ / ص ۳۱۰ در جهنم دره ای است بنام دوزخ برای متکبرین که از شدت حرارت خود به خدای عز و جل شکایت کرد و درخواست کرد به او اجازه دهد نفس کشد، پس چون نفس کشید جهنم شعله ور شد.

عنوان	روایات
(۲۱) مقابله با کتبر و علاج آن	فَجَعَلَ اللَّهُ ... الصَّلَاةَ تَنْزِيهَا لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ الْإِحْتِجَاجَ عَلَى أَهْلِ اللَّجَاجِ (للطبرسی) / ج ۱ / ص ۹۹ حضرت فاطمه علیها السلام در خطبه فدکیه فرمودند: خداوند قرار داد نماز را برای پاک‌شدنتان از کبر.

عنوان	روایات
(۲۲) ثمره معنوی و اخروی تواضع	قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله : إِنَّ أَحَبَّكُمْ إِلَيَّ وَأَقْرَبُكُمْ مِنِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَجْلِسًا أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَأَشَدُّكُمْ تَوَاضُعًا. وسائل الشیعه / ج ۱۵ / ص ۳۷۸ محبوب‌ترین شما نزد من، و نزدیک‌ترین شما به نشیمنگاه من در روز قیامت، خوش‌خلق‌ترین شما و متواضع‌ترین شما است.
	امام حسن عسکری علیه السلام : أَعْرِفُ النَّاسَ بِحُقُوقِ إِخْوَانِهِ وَأَشَدُّهُمْ قَضَاءً لَهَا أَعْظَمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا وَمَنْ تَوَاضَعَ فِي الدُّنْيَا لِإِخْوَانِهِ فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّادِقِينَ وَمِنْ شِيعَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ حَقًّا. التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام / ص ۳۲۵ هر کس به حقوق برادرانش شناساتر باشد و بیشتر آنها را رعایت کند مقامش نزد خدا بالاتر است، و هر که در دنیا برای برادرانش فروتن باشد نزد خدا از صدیقانست، و براستی از شیعه علی بن ابی طالب علیه السلام است.

هدف: حق پذیری (ضدّ ظلم)

عنوان	روایات
(۱) عقل میار تشخیص حق و باطل	پیامبر اکرم ﷺ: «الْعَقْلُ نُورٌ فِي الْقَلْبِ يُفَرِّقُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ» ارشادالقلوب / ج ۱/ ص ۱۹۸ رسول خدا ص فرمود: عقل نور است در دل که بواسطه آن فرق بین حق و باطل گذاشته می شود.
	امیرالمؤمنین (علیه السلام): «إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعَ الْفِتَنِ مِنْ أَهْوَاءِ تُتَّبَعُ وَأَحْكَامُ تُبْتَدَعُ... أَلَا إِنَّ الْحَقَّ لَوْ خَلَصَ لَمْ يَكُنْ اخْتِلَافٌ وَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ لَمْ يَخَفْ عَلَى ذِي حِجْبٍ لَكِنَّهُ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِغْتٍ وَمِنْ هَذَا ضِغْتٍ مَعًا فَهَذَا لِكَيْ يَسْتَوِيَ الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ» کلینی / ج ۸/ ص ۵۸ جز این نیست که آغاز و وقوع فتنه ها از هواهایی نفسانی است که مورد پیروی قرار می گیرد و از احکامی که بدعت گذاشته می شود ... آگاه باشید! همانا اگر «حق»، خالص می بود، اختلافی پدید نمی آمد. و اگر باطل، خالص می بود، بر هیچ عاقلی مخفی نمی ماند. ولی مشتی از «حق» و تکه ای از باطل گرفته می شود و به هم آمیخته می گردد و بدین شکل، هر دو پوشیده می مانند. در آن حال است که شیطان بر اولیای خود تسلط می یابد.
	سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) عَنِ الْمُسْتَضَعْفِ فَقَالَ: «هُوَ الَّذِي لَا يَهْتَدِي حِيلَةً إِلَى الْكُفْرِ فَيَكْفُرَ وَلَا يَهْتَدِي سَبِيلًا إِلَى الْإِيمَانِ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُؤْمِنَ وَلَا يَسْتَطِيعَ أَنْ يَكْفُرَ فَهُمْ الصَّبِيَّانُ وَمَنْ كَانَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ عَلَى مِثْلِ عُقُولِ الصَّبِيَّانِ مَرْفُوعٍ عَنْهُمْ الْقَلَمُ». کافی / ج ۲/ ص ۴۰۴ از امام باقر (علیه السلام) درباره «مستضعف» سؤال شد. فرمودند: مستضعف کسی است که راهی به سوی کفر ندارد تا کافر شود و راهی به سوی ایمان ندارد، نه می تواند ایمان بیاورد و نه می تواند کافر شود. پس این ها (مستضعفان) کودکان هستند و مردان و زنانی که در عقل هم چون کودکانند. از این ها تکلیف برداشته شده است.

آیه	روایات
(۱) عقل معیار تشخیص حق و باطل	امیرالمؤمنین علیه السلام: «الْعَقْلُ رَسُولُ الْحَقِّ». غررالحکم/ص ۲۷ عقل رسول «حق» است.
	وَ قَالَ لَهُ ابْنُ السَّكِّيتِ مَا الْحُجَّةُ عَلَى الْخَلْقِ الْيَوْمَ فَقَالَ ع الْعَقْلُ يَعْرِفُ بِهِ الصَّادِقَ عَلَى اللَّهِ فَيُصَدِّقُهُ وَ الْكَاذِبَ عَلَى اللَّهِ فَيُكَذِّبُهُ. الکافی/ج ۱/ص ۲۵ شخصی به نام «ابن سکیت» از امام هادی علیه السلام می پرسد: امروز حجت [خدا] بر مردم چیست؟ ایشان فرمودند: عقل است که به آن، راستگوی برخدا شناخته می شود پس [عاقل] او را تصدیق می کند و دروغ گوی برخدا شناخته می شود پس [عاقل] تکذیبش می کند.
	پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «الْعَقْلُ نُورٌ فِي الْقَلْبِ يُفَرِّقُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ» ارشادالقلوب/ج ۱/ص ۱۹۸ عقل، نوری است در قلب که به واسطه‌ی آن میان حق و باطل جدایی انداخته می شود.

عنوان	روایات
پیامبر اکرم ﷺ: «رَحِمَ اللَّهُ عَلِيًّا اللَّهُمَّ أَدْرِ الْحَقَّ مَعَهُ حَيْثُ دَارَ.» شواهد التنزیل/ ج ۱/ ص ۲۴۶ خدا علی را رحمت کند. خدایا «حق» را هر کجا که او می‌گردد، همراهش بگردان. «فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا سَخَطْتُمُوهُ» «حق» در زیارت آل یس چنین می‌خوانیم: آن چیزی است که مورد خشنودی شما بوده و باطل آن است که شما از آن ناخشنود باشید.	
امام باقر علیهِ السَّلَام: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ نَصَبَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامَ عِلْمًا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ، فَمَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا، وَ مَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا، وَ مَنْ جَهِلَهُ كَانَ ضَالًّا، وَ مَنْ نَصَبَ مَعَهُ شَيْئًا كَانَ مُشْرِكًا، وَ مَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَ مَنْ جَاءَ بَعْدَاوَتِهِ دَخَلَ النَّارَ.» کافی/ ج ۲/ ص ۳۸۸ خدای عزوجل علی علیه‌السلام را پرچم و نشانه‌ی میان خود و آفریدگانش قرار داده است. به طوری که هر کس معرفت او را داشته باشد مؤمن، و هر کس او را انکار نماید، کافر است. و هر کس نسبت به او نادان باشد گمراه، و هر کس برای دیگری در کنار او مقامی قائل شود، مشرک است. و هر کس ولایت او را بیاورد وارد بهشت، و هر کس دشمن او باشد، وارد جهنم می‌گردد.	
رسول الله ﷺ: «الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَ عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ.» الخصال/ ج ۲/ ص ۵۵۹ «حق» با علی است. و علی با «حق» همراه است. این دو از هم جدا نمی‌شوند تا آن که در (کنار) حوض کوثر بر من وارد شوند.	

عنوان	روایات
تشخیص عقلی حق و باطل، با کمک حجت ظاهری (۲)	در زیارت جامعه‌ی کبیره خطاب به ایشان عرضه می‌دارد: «الْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِيكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ.» من لایحضره الفقیه/ج ۲/ص ۶۱۲ «حق» با شما و در شما و از شما و به سوی شماست. و شما اهل «حق» و سرچشمه‌ی آن هستید.
	امام صادق علیه السلام: «إِنَّ الْعَاقِلَ لَدَلَالَةٌ عَقْلُهُ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ قَوَامَهُ وَ زِينَتَهُ وَ هِدَايَتَهُ عِلْمٌ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّهُ هُوَ رَبُّهُ وَ عِلْمٌ أَنَّ لَخَالِقَهُ مَحَبَّةً وَ أَنَّ لَهُ كِرَاهِيَةً وَ أَنَّ لَهُ طَاعَةً وَ أَنَّ لَهُ مَعْصِيَةً فَلَمْ يَجِدْ عَقْلُهُ يَدُلُّهُ عَلَى ذَلِكَ وَ عِلْمٌ أَنَّهُ لَا يُوَصَّلُ إِلَيْهِ إِلَّا بِالْعِلْمِ وَ طَلِبِهِ وَ أَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِعَقْلِهِ إِلَّا لَمْ يُصِبْ ذَلِكَ بِعِلْمِهِ فَوَجَبَ عَلَى الْعَاقِلِ طَلِبُ الْعِلْمِ وَ الْأَدَبِ الَّذِي لَا قَوَامَ لَهُ إِلَّا بِهِ.» کافی/ج ۱/ص ۲۹. عَاقِل به دلالت عقل خویش - که خداوند، آن را استواری و زینت و هدایت او قرار داده است- دانست که الله «حق» است. و خداوندگارش است. و دانست که خالقش برخی موارد را خوش و پاره‌ای را ناخوش می‌دارد و برای او طاعت و معصیتی است. آن گاه عقل خود را راهنما به سوی آن (محبت و کراهیت و طاعت و معصیت) نیافت و دانست که بدان نمی‌توان دست یافت مگر به وسیله‌ی علم و طلب آن. و (دانست که) اگر با علمش به این امور نرسد (علم به این‌ها نیابد)، از عقلش سودی نمی‌برد. پس بر عاقل واجب است که طلب علم کند و نیز به دنبال کسب ادبی باشد که جز به آن استوار نمی‌گردد..

عنوان	روایات
۳) قول حاکمیت حق	امیرالمؤمنین (علیه السلام): «إِنَّ الْإِسْلَامَ هُوَ التَّسْلِيمُ». کافی / ج ۲ / ص ۴۵ به راستی اسلام همان تسلیم است..
	امام حسین (علیه السلام): «لَا يَكْمُلُ الْعَقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ». بحار / ج ۷۵ / ص ۱۲۷ عقل، جز با پیروی از «حق» کامل نمی گردد.
	امیرالمؤمنین (علیه السلام): «مَنْ كَانَ فِعْلُهُ لِقَوْلِهِ مُوَافِقًا فَأُثِّبَ لَهُ الشَّهَادَةُ بِالتَّجَاهِ وَمَنْ لَمْ يَكُنْ فِعْلُهُ لِقَوْلِهِ مُوَافِقًا فَإِنَّمَا ذَلِكَ مُسْتَوْدَعٌ». کافی / ج ۲ / ص ۴۲۰ هر کس عملش مطابق با گفتار یا اعتقادش باشد، گواهی بر اهل نجات بودنش داده می شود. و هر کس عملش با گفتار یا اعتقادش مطابق نیست، ایمانش عاریه می باشد.
	امام باقر (علیه السلام): «كُلُّ شَيْءٍ يَجْرُهُ الْإِقْرَارُ وَالتَّسْلِيمُ فَهُوَ الْإِيمَانُ وَكُلُّ شَيْءٍ يَجْرُهُ الْإِنْكَارُ وَ الْجُحُودُ فَهُوَ الْكُفْرُ». کافی / ج ۲ / ص ۳۸۷ هر چه انگیزه‌ی انجامش اقرار و تسلیم باشد، ایمان است و هر چیزی که نتیجه انکار و جحود باشد، کفر است.

امام صادق (ع) در نامه‌ای به جماعت شیعیان می‌فرماید:

«أَنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بَعْدَ خَيْرٍ شَرَّحَ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَإِذَا أَعْطَاهُ ذَلِكَ أَنْطَقَ لِسَانَهُ بِالْحَقِّ وَعَقَدَ قَلْبُهُ عَلَيْهِ فَعَمِلَ بِهِ فَإِذَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ تَمَّ لَهُ إِسْلَامُهُ وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ إِنْ مَاتَ عَلَى ذَلِكَ الْحَالِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ حَقًّا وَإِذَا لَمْ يُرِدِ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ وَكُلَّهُ إِلَى نَفْسِهِ وَكَانَ صَدْرُهُ ضَيِّقًا حَرَجًا فَإِنْ جَرَى عَلَى لِسَانِهِ حَقٌّ لَمْ يُعَقِّدْ قَلْبُهُ عَلَيْهِ وَإِذَا لَمْ يُعَقِّدْ قَلْبُهُ عَلَيْهِ لَمْ يُعْطِهِ اللَّهُ الْعَمَلَ بِهِ فَإِذَا اجْتَمَعَ ذَلِكَ عَلَيْهِ حَتَّى يَمُوتَ وَهُوَ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْمُنَافِقِينَ وَصَارَ مَا جَرَى عَلَى لِسَانِهِ مِنَ الْحَقِّ الَّذِي لَمْ يُعْطِهِ اللَّهُ أَنْ يُعَقِّدْ قَلْبُهُ عَلَيْهِ وَلَمْ يُعْطِهِ الْعَمَلَ بِهِ حُجَّةً عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَسَلُوهُ أَنْ يَشْرَحَ صُدُورَكُمْ لِلْإِسْلَامِ وَأَنْ يَجْعَلَ أَلْسِنَتَكُمْ تَنْطِقُ بِالْحَقِّ حَتَّى يَتَوَفَّيْكُمْ وَأَنْتُمْ عَلَى ذَلِكَ وَأَنْ يَجْعَلَ مُنْقَلَبَكُمْ مُنْقَلَبَ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.» کافی/ج ۸/ص ۱۴

بدانید که اگر خدا بخواهد به بنده‌ای خیر برساند، سینه‌اش را برای تسلیم شدن گشاده فرماید. و وقتی چنین کند زبانش را به (گفتن) «حق» گویا کند و او اعتقاد به آن پیدا کرده و تسلیم «حق» می‌شود. در نتیجه اهل عمل به آن می‌شود. و آن گاه که خدا همه این‌ها را برای او فراهم کند، اسلامش کامل شده و اگر با همین حال از دنیا برود، نزد خدا جزء مسلمانان حقیقی خواهد بود. و اگر نخواهد به بنده‌ای خیر برساند، او را به حال خودش رها می‌کند و سینه‌اش را تنگ و بسته خواهد بود. در نتیجه اگر حقی بر زبانش جاری شود، اعتقاد به آن پیدا نکرده و تسلیم «حق» نمی‌شود. چون اعتقاد پیدا نکرده خداوند توفیق عمل به آن را به او نمی‌دهد. و آن گاه که این خصوصیات (بی اعتقادی و ترک عمل) تا زمان مرگ در او باشد و او با همین حال از دنیا برود، پیش خدا جزء منافقان خواهد بود و همان حقی که بر زبانش جاری شده اما توفیق اعتقاد و عمل به آن را از طرف خدا پیدا نکرده. در روز قیامت حجتی علیه او خواهد شد. حال که چنین است پس تقوای الهی پیشه کنید و از خدا بخواهید تا سینه‌هایتان را برای تسلیم شدن فراخ کند و کاری کند که زبان‌هایتان به سخن «حق» گویا شود و تا هنگام مرگ بر همین حال شما را نگه دارد و این که عاقبت شما را هم چون عاقبت صالحان پیش از شما قرار دهد. و قدرتی نیست مگر از خدا. و ستایش از آن خدای رب العالمین است.

عنوان	روایات
قول حاکمیت (۳)	عن یعقوب بن شعیب قال سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» قال: كان هذا قبل نوح أمة واحدة فبدا لله - فأرسل الرسل قبل نوح، قلت: أ على هدى كانوا أم على ضلالة قال: بل كانوا ضلالاً، كانوا لا مؤمنين و لا كافرين و لا مشركين (تفسير العياشي ج ۱؛ ص ۱۰۴) يعقوب بن شعیب گفت درباره آیه «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» از امام صادق عليه السلام سوال کردم آیا ایشان در آن زمان هدایت یافته بودند یا این که در گمراهی به سر می بردند؟ فرمودند: بلکه این ها در گمراهی بودند، نه مؤمن بودند، نه کافران و نه مشرک
	إِنَّ الْعِبَادَ إِنَّمَا يُكَلِّفُونَ بِالْانْقِيَادِ لِلْحَقِّ وَ تَرْكِ الْاِسْتِكْبَارِ عَنْ قَبُولِهِ، فَأَمَّا الْمَعَارِفُ فَانْهَاجُهَا بِاسْرِهَا مِمَّا يُلْقِيهِ اللَّهُ تَعَالَى فِي قُلُوبِ عِبَادِهِ.» بحار/ج ۵/ص ۲۲۴ تکلیف بندگان صرفاً انقیاد نسبت به حق و استکبار نورزیدن در قبول آن است. اما معرفت ها همگی، توسط خدای متعال در قلوب ایشان القا می شود.
	امام کاظم عليه السلام: إِنَّ لِقَمَانَ قَالَ لِإِبْنِهِ تَوَاضَعْ لِلْحَقِّ تَكُنْ أَعْقَلَ النَّاسِ. کافی/ج ۱/ص ۱۶ اگر می خواهی عاقل ترین مردم باشی، در برابر حق خاضع باش.

عنوان	روایات
(۳) قبول حاکمیت حق	قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): «لَا نُسَبِّحُ الْإِسْلَامَ نَسْبَهُ لَمْ يَنْسَبْهُ أَحَدٌ قَبْلِي وَلَا يَنْسَبُهُ أَحَدٌ بَعْدِي إِلَّا بِمَثَلِ ذَلِكَ، إِنَّ الْإِسْلَامَ هُوَ التَّسْلِيمُ، وَ التَّسْلِيمُ هُوَ الْيَقِينُ، وَ الْيَقِينُ هُوَ التَّصَدِيقُ، وَ التَّصَدِيقُ هُوَ الْإِقْرَارُ، وَ الْإِقْرَارُ هُوَ الْعَمَلُ، وَ الْعَمَلُ هُوَ الْأَدَاءُ، إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَمْ يَأْخُذْ دِينَهُ عَنْ رَأْيِهِ، وَلَكِنْ آتَاهُ مِنْ رَبِّهِ، فَأَخَذَهُ؛ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُرَى يَقِينُهُ فِي عَمَلِهِ، وَ الْكَافِرُ يُرَى انْكَارُهُ فِي عَمَلِهِ، فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، مَا عَرَفُوا أَمْرَهُمْ، فَأَعْتَبَرُوا انْكَارَ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ بِأَعْمَالِهِمُ الْخَبِيثَةِ» الكافي (ط - دارالحديث)؛ ج ۳؛ ص ۱۱۷ امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: نسبتی برای اسلام بیان کنم که کسی جز من نکرده باشد و پس از من هم کسی جز بمانند من بیان نکند: همانا اسلام همان تسلیم است و تسلیم همان یقین و یقین همان تصدیق و تصدیق همان اقرار و اقرار همان عمل و عمل همان اداء، همانا مؤمن دینش را از رأیش نگرفته، بلکه از جانب پروردگارش آمده و از او گرفته است، همانا مؤمن یقینش در عملش دیده می‌شود و کافر هم انکارش در عملش دیده می‌شود، قسم بآن که جانم در دست اوست که آنها امر دین خود را نشناختند، پس شما انکار کافران و منافقان را از کردارهای پلیدشان تشخیص دهید
	پیامبر ﷺ: «إِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ وَحَّدَ اللَّهَ وَ عَمَلَ بِطَاعَتِهِ.» تحف العقول/ ۵۴ همانا عاقل کسی است که قائل به وحدانیت خداوند باشد و بر طبق طاعات او عمل کند.

عنوان	روایات
۴) عدالت و دوری از ظلم	ظلم به معنای پایمال کردن حق، امری قبیح و حرام است و سبب سخط الهی است و استحقاق عقوبت را به همراه دارد. عمل خلاف حق، بزرگترین ظلم در حق خود است.

عنوان	روایات
۵) رابطه حق پذیری و اخلاق	امام صادق علیه السلام: الْمَعْرِفَةُ بِحُقُوقِ الْإِخْوَانِ مِنْ أَفْضَلِ الصَّدَقَاتِ - وَالصَّلَوَاتِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالْمُجَاهَدَاتِ شناختن و رعایت حقوق برادران از بهترین صدقات و نمازها و زکات و حج و جهاد است. (تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام/۳۲۲)

عنوان	روایات
۴) حق‌پذیری و انصاف	امیرالمؤمنین علیه السلام: إِنَّ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ تُنْصِفَ فِي الْحُكْمِ وَ تَجْتَنِبَ الظُّلْمَ . غررالحکم / ۳۴۴۱ از عدالت است که در قضاوت انصاف به خرج دهی و از ظلم و حق‌کشی دوری کنی.
	امیرالمؤمنین علیه السلام: إِنَّ أَفْضَلَ الْإِيمَانِ إِنْصَافُ الرَّجُلِ مِنْ نَفْسِهِ . غررالحکم / ۳۴۳۹ برترین ایمان این است که آدمی از خودش دادخواهی کند (حق دیگران را از خودش بستاند).
	امام باقر علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ جَنَّةٌ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا ثَلَاثَةٌ ، أَحَدُهُمْ مَنْ حَكَمَ فِي نَفْسِهِ بِالْحَقِّ . کافی / ج ۱۹ / ص ۱۴۸ خداوند را بهشتی است که جز سه گروه کسی وارد آن نشود : یکی از آنها کسی است که درباره خودش به حق داوری کند (به کسی که حق با اوست حق بدهد)
	امام صادق علیه السلام: اَلَا أُخْبِرُكَ بِأَشَدِّ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ ثَلَاثٌ. قُلْتُ: بَلَى. قَالَ: إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ وَ مُوَاسَاةُكَ أَخَاكَ وَ ذِكْرُ أَهْلِ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ. الکافی / ج ۲ / ص ۱۴۵ نمیخواهی سه چیزی را که از سخت‌ترین واجبات خداست بر خلقش بتو خبر دهم؟ گفتم: چرا، فرمود: انصاف دادن مردم از خود و مساوات با برادرت و یاد کردن خدا در هر جا.

عنوان	روایات
۷) حق پذیری و قانون	رعایت قوانین نوشته و نانوشته جامعه (خانواده، مدرسه و ...) عین حق پذیری است.

عنوان	روایات
۸) حق پذیری و تواضع	امام کاظم علیه السلام : «تَوَاضَعُ لِلْحَقِّ تَكُنْ أَعْقَلَ النَّاسِ». کافی/ ج ۱/ ص ۱۶ در برابر «حق» تواضع کن تا عاقل ترین مردم باشی».
	امیرالمؤمنین علیه السلام : تَوَاضَعُ لِلْحَقِّ تَكُنْ أَعْقَلَ النَّاسِ. الکافی/ ج ۱/ ص ۱۳

عنوان	روایات
۹) حق پذیری و دوری از تکبر	نباید همواره و در هر حال خود را بر حق و دیگران را بر سبیل باطل دانست بلکه پسند و ناپسند برای دیگران را هم پایه پسند و ناپسند برای خود بدانیم.

عنوان	روایات
۱۰) حق خدا	اصلی ترین صاحب حق، خدای متعال است و شرک به خدا، ظلم است. رعایت حقوق اعضای بدن، خلقت الهی، نعمات الهی و همچنین انجام واجبات و ترک محرّمات و پرداخت دیون مالی مانند خمس و زکات مصداق حق خداوند بر گردن بندگان است.

عنوان	روایات
(۱۱) حق پیامبر و اهل بیت علیهم السلام	امام صادق علیه السلام: «نَحْنُ الَّذِينَ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا لَا يَسْعُ النَّاسُ إِلَّا مَعْرِفَتَنَا وَ لَا يُعْذِرُ النَّاسُ بَجَهَالَتِنَا مَنْ عَرَفَنَا كَانَ مُؤْمِنًا - وَ مَنْ أَنْكَرَنَا كَانَ كَافِرًا وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْنَا وَ لَمْ يُنْكِرْنَا كَانَ ضَالًّا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى الْهُدَى الَّذِي افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ طَاعَتِنَا الْوَاجِبَةِ فَإِنْ يَمُتْ عَلَى ضَلَالَتِهِ يَفْعَلِ اللَّهُ بِهِ مَا يَشَاءُ.» کافی/ج ۱/ص ۱۸۷ ما آن کسانی هستیم که خدا اطاعت از ما را واجب فرموده. مردم راهی جز معرفت ما ندارند و به خاطر نشناختن ما معذور نیستند. هر کس معرفت ما را داشته باشد، مؤمن، و هر که ما را انکار نماید، کافر است. و کسی که نه اقرار به معرفت ما دارد و نه انکار می‌کند، گمراه است، مگر این که به سوی اطاعت لازم از ما همان هدایتی که خداوند بر او واجب ساخته - باز گردد. پس اگر در حال گمراهی‌اش بمیرد، خدا هر گونه که بخواهد با او رفتار می‌کند.
	وَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم يَقُولُ أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ لَحَقْنَا عَلَيْهِمْ أَعْظَمُ مِنْ حَقِّ أَبَوَى وَلَدَتِهِمْ فَإِنَّهَا تُنْقِذُهُمْ إِنْ أَطَاعُونَا مِنَ النَّارِ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ وَ نُلْحِقُهُمْ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ بِخِيَارِ الْأَحْرَارِ. بحار/ج ۲۳/ح ۲۵۹ علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم می‌فرمود من و علی دو پدر این امت هستیم حق ما بر مردم بیشتر از حق پدر و مادر نژادی است زیرا ما آنها را در صورت اطاعت از جهنم نجات می‌دهیم و به بهشت برین رهنمون می‌گردیم و از بندگی رهائی می‌بخشیم و آزادگی را بایشان ارزانی می‌داریم.
	امیرالمؤمنین علیه السلام: مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ كَانَ مُشْرِكًا کسی که حق ایشان را انکار کند، مشرک است. (تفسیر فرات کوفی/ ۳۷۲)

عنوان	روایات
(۱۲) حق پذیری و حق الناس	امام سجاد علیه السلام: ...مَا رَعَيْتَ حَقَّ مُجَالَسَةِ الرَّجُلِ ... و حق آن فرد را بجا نیاوردی. چرا که بحار الانوار / ۷۲ / ۲۴۶

عنوان	روایات
(۱۳) حق پذیری و آبرو	آبروی افراد حق آنهاست و حرمت مؤمن از حرمت خانه کعبه بالاتر است؛ حتی ظالم هم به گردن مظلوم حق (حق آبرو و احترام و ...) دارد.

عنوان	روایات
۱۴) حق‌پذیری و حق‌نمود	انسان بر گردن خود هم حقوقی دارد. برای مثال ارتکاب رفتارهای زشت در شأن انسان نیست و به‌جا آوردن خصلت‌های زشت ظلم به نفس است. همچنین آبرومندی شیعیان به عنوان شیعه اهل بیت علیهم السلام مهم است، لذا اقرار به گناه فقط نزد خدا جایز است نه بندگان او.

عنوان	روایات
۱۵) مواضع پذیرش حق	امام کاظم (علیه السلام): «يَا هِشَامُ نَصَبُ الْحَقِّ لِبَطَاعَةِ اللَّهِ وَ لَا نَجَاءَ إِلَّا بِالطَّاعَةِ وَ الطَّاعَةُ بِالْعِلْمِ وَ الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ وَ التَّعَلُّمُ بِالْعَقْلِ يُعْتَقَدُ وَ لَا عِلْمَ إِلَّا مِنْ عَالِمٍ رَبَّانِي. کافی/ ج ۱/ ص ۱۷ ای هشام! قرار دادن حق (از جانب خداوند) برای طاعت خداست. و نجاتی نیست مگر به طاعت. و طاعت با علم تحقق می‌یابد. و علم به تعلّم است. و اعتقاد به تعلّم حاصل می‌شود. و علمی نیست مگر از عالمی ربّانی.

هدف: اقرار به شایستگی اهل آن (ضدّ حسد)

عنوان	روایات
(۱) تنبه قلبی به قبیح حسادت	امام صادق علیه السلام: أصول الکفر ثلاثة: الحرص و الإستکبار و الحسد. الکافی، ج ۲، ص ۲۸۹ ریشه‌های کفر سه چیز است: حرص و تکبر و حسد.
	امام سجاد علیه السلام: «رَأَيْتُ الْخَيْرَ كُلَّهُ قَدْ اجْتَمَعَ فِي قَطْعِ الطَّمَعِ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ». کافی/ج ۲/ص ۳۲۰ تمام خیر و نیکی را دیدم که در بریدن طمع از دست مردم است.
عنوان	روایات
(۲) معیار قرار دادن خود در درک قبیح حسد	همان‌طور که انسان از حسادت دیگران نسبت به خودش بسیار بدش می‌آید و آزرده خواهد شد، باید از حسادت ورزیدن نسبت به دیگران نیز دچار ناراحتی و عذاب وجدان شود و از این کار دوری کند.

عنوان	روایات
ریشه‌های حسادت (۳)	به آنچه دارد راضی نباشد و خود را برتر از آنچه خدا برای او قرار داده بخواهد خود را بزرگتر از دیگران بداند و تحمل دیدن برتری دیگران را نداشته باشد خود کم‌بینی و ضعف اعتماد به نفس داشته باشد.

عنوان	روایات
اقرار به فضیلت دیگران، نقطه مقابل حسادت (۴)	پذیرش قلبی فضیلت و برتری دیگران و اقرار زبانی به فضیلت آن، از حسادت شخص حسود کم می‌کند. این باعث کسر شأن او و کوچک شدنش نیست و عزت یا خواری انسان به دست خداست.

عنوان	روایات
(۵) اقرار به فضیلت دیگران، کمال اخلاقی برخاسته از شکر	در روایت داریم خدا فرمود: وقتی از بنده اش راضی می شود که بنده از او راضی شود.
عنوان	روایات
(۶) جدی گرفتن خطر حسادت	در روایت داریم که خدای متعال تفضلاً (نه استحقاقاً) کسی که آن را بروز ندهد می بخشد.
	امیرالمؤمنین علیه السلام: يَا طَالِبَ الْعِلْمِ إِنَّ الْعِلْمَ ذُو فَضَائِلَ كَثِيرَةٍ فَرَأْسُهُ التَّوَّاضُعُ وَ عَيْنُهُ الْبِرَاءَةُ مِنَ الْحَسَدِ . . . کافی/ج ۱/ص ۴۸ ای طالب علم، به راستی علم را فضائل بسیار است (اگر مجسم شود)، تواضع سر او است، و بر کناری از حسد چشم او . . .
	پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: سَتَّةٌ يَدْخُلُونَ النَّارَ قَبْلَ الْحِسَابِ: ... وَ الْعُلَمَاءُ بِالْحَسَدِ. بحار/ج ۷۳/ص ۱۵۶ شش تن بی حساب بدوزخ روند بسزای شش چیز: ... و عالمان برآی حسد.

عنوان	روایات
تجارب سوء حسادت (۸)	إِيَّاكَ وَالْحَسَدَ فَإِنَّ ابْنَ آدَمَ حَسَدَ أَخَاهُ فَقَتَلَهُ. بحار/ج ۱۱/ص ۲۹۳ مبدا حسود باشی که پسر آدم از حسد برادرش را کشت.
	امام صادق علیه السلام: لا راحة لحسود. بحار/ج ۷۳/ص ۲۵۲/ح ۱۲ حسود آسایش پیدا نمی‌کند.
	إِنَّ الْحَسَدَ لَيَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. کافی/ج ۲/ص ۳۰۶ حسادت، ایمان آدمی را می‌بلعد مانند آتش که هیزم را به کام خود می‌کشد.
	فَأَخْرَجَ إِبْلِيسُ مَا كَانَ فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحَسَدِ فَأَبَى أَنْ يَسْجُدَ. بحار/ج ۱۱/ص ۱۴۱ پس خارج کرد شیطان را به خاطر آنچه از حسد در قلبش بود پس ابا کرد از اینکه سجده کند

عنوان	روایات
(۸) ببطه خوردن به جای حسادت ورزیدن	با دیدن برتری‌ها و نعمات دیگران به جای حسادت ورزیدن، از خدا بخواهیم فضیلت‌های دیگران نصیب ما هم بشود.
عنوان	روایات
(۹) اقرار به فضیلت، صفت شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام	امام صادق علیه السلام: نَحْنُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ وَ مِنْ فُرُوعِنَا كُلِّ بَرٍّ وَ مِنَ الْبِرِّ التَّوْحِيدُ وَ الْاِعْقَارُ بِالْفَضْلِ لِأَهْلِهِ. کافی/ج ۸/ص ۲۴۲ ما ریشه هر گونه خیر و خوبی هستیم و همه نیکی‌ها از شاخه‌های ماست، و از جمله نیکی‌هاست یکتاپرستی و.... و اقرار بفضیلت اهل فضل. وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الْحَسُودُ عَدُوُّ اللَّهِ فَإِنَّهُ غَيْرُ رَاضٍ بِقِسْمَتِهِ فِي خَلْقِهِ وَ تَدْبِيرِهِ لِعِبَادِهِ. مجموعه ورام/ج ۲/ص ۲۵۲ حسود دشمن خداست پس همانا او به قسمت خدا در خلقتش و تدبیر او برای بندگانش راضی نیست

هدف: جود و سخاوت (ضدّ بخل)

عنوان	روایات
(۱) تبیه عقلی به حسن سخاوت و قبح بخل	سخاوت یکی از نشانه‌های کمال عقل و بخل یک حرام عقلی و دوری از آن یک وظیفه شرعی است. سخاوت به اندازه‌ی عمل به احکام و عبادات، نزد خدا اهمیت دارد.
عنوان	روایات
(۲) ریشه بخل و سخاوت	امام رضا علیه السلام : فَأَنْفَقَ وَلَا تَخْشَ مِنْ ذِي الْعَرْشِ إِقْتَاراً. کافی/ج ۴/ص ۴۳ در راه خدا اتفاق کن و هراسی به خود راه مده که خداوند عرش بزرگ ترا به تنگدستی گرفتار نخواهد کرد.
	امام صادق علیه السلام : إِنْ كَانَ الْخَلْفُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَقًّا فَلْيُبْخُلْ لِمَاذَا. سفینه البحار/ج ۸/ص ۵۳۸ و اگر عوض دادن اتفاق از جانب خداوند عز و جل حق است، پس بخل برای چیست؟!
	امام صادق علیه السلام : الشُّحُّ الْمُطَاعُ سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. خصال/ ج ۱/ ص ۸۴ شُحّ مطاع یعنی بدگمانی نسبت به خدا.

عنوان	روایات
۳) معیار قرار دادن خود در بخشش به دیگران	همان طور که انسان سخاوت و بخشش از جانب دیگران را می‌پسندد، باید خود نیز از داشته‌هایش به دیگران ببخشد و همه چیز را فقط برای خودش نخواهد، بلکه دیگران را بر خودش ترجیح دهد و بداند بخل فقط نرساندن خیر به دیگران نیست، بلکه فرد بخیل بیشتر از ضرری که به دیگران می‌زند خودش ضرر می‌کند.

عنوان	روایات
۴) مصادیق سخاوت	سخاوت فقط اطعام نیست؛ بلکه یک خُلق و روحیه‌ی کریمانه است. فرد کریم از آنچه مورد استفاده خودش است به دیگران هم می‌بخشد. برخی از مصادیق سخاوت عبارتند از: ادای حقوق شرعی (خمس، زکات و ...)، ابتدا کردن به سلام، صلوات فرستادن بر آل‌الله، نشان دادن روی خوش به دیگران.

عنوان	روایات
۵) شیوه صحیح سخاوت‌مندی	روزی امام سجّاد علیه السلام نیازمندان را اطعام می‌کردند. وقتی می‌خواستند از خانه خارج شوند، به اهل خانه سفارش کردند که به هرکه آمد ببخشید و کسی را رد نکنید. به ایشان گفتند که شاید فردی بیاید که مستحق نباشد. ایشان فرمودند: از کجا معلوم شاید مستحق باشد. سپس، قصه حضرت یعقوب علیه السلام را تعریف کردند و فرمودند که می‌ترسم نیازمندی را از در خانه مان رد کنیم و همان بلایی بر سرمان بیاید که حضرت یعقوب علیه السلام به آن دچار شد. در زمان حضرت یعقوب علیه السلام فردی که غریب و روزه دار بود، در یک شب جمعه، به در خانه ایشان آمد. ایشان در را به روی او باز نکردند و آن بلاهایی که می‌دانید بر سر ایشان آمد، از فراق حضرت یوسف علیه السلام و گریه‌های آنچنانی ایشان، طوری که مو و چشمشان سفید شد و پشتشان خمیده شد. در یک شب جمعه، سائل مؤمن روزه داری هنگام افطار به در خانه حضرت یعقوب علیه السلام رفت و چند بار درخواست غذا کرد. آنها شنیدند و سخن او را باور نکردند. او با ناامیدی و چشمان گریان برگشت. آن شب را گرسنه ماند و همچنان روزه داشت، در حالی که شکمیا بود و خدا را سپاس می‌گفت. اما حضرت یعقوب علیه السلام و خانواده‌اش کاملاً سیر شدند و مقداری از غذایشان هم اضافه ماند. خداوند به یعقوب علیه السلام در همان صبح، وحی فرستاد که بنده مرا خوار کردی و خشم مرا برافروختی و مستوجب تأدیب و نزول مجازات بر خود و فرزندان شدی ... تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۴۱۱

عنوان	روایات
(۶) وظیفه ما نسبت به نیاز دیگران و خیر رساندن به آنها	انسان نباید نسبت به نیاز دیگران بی تفاوت باشد. اگر مؤمنی به او مراجعه کند، نسبت به آن مؤمن وظیفه‌ی خاصی پیدا می‌کند و این امتحان خداست. لذا باید از امکانات، آبرو و نعمتی که خدا به او داده است، برای رفع نیاز دیگران و خیر رساندن به آنها مایه بگذارد. حتی برای بخشش نباید منتظر درخواست دیگران ماند.

عنوان	روایات
(۷) قبح منت گذاشتن به خاطر بخشش	امیرالمؤمنین علیه السلام: إِنْ مَكْرُمَةً صَنَعْتَهَا إِلَى أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِنَّمَا أَكْرَمْتَ بِهَا نَفْسَكَ وَ زَيَّنْتَ بِهَا عِرْضَكَ فَلَا تَطْلُبْ مِنْ غَيْرِكَ شُكْرَ مَا صَنَعْتَ إِلَى نَفْسِكَ. غُرر الحکم و درر الکلم / ص ۲۳۲ بدرستی که احسانی که بکنی آن را بسوی احدی از مردم، گرامی نگردانیده به آن مگر نفس خود را، و زینت نداده بآن مگر عرض خود را.

عنوان	روایات
۸) تقایل طبع انسان به بخل	انسان به گونه‌ای آفریده شده که اگر به حال خود رها شود، بخل می‌ورزد و اگر با این روحیه مقابله نکند، حتماً بخیل خواهد شد. لذا باید در مواجهه با درخواست دیگران با نفسش مجاهده کند و از عملی که عُرفاً مصداق بخل می‌دانند بپرهیزد.
عنوان	روایات
۹) ویژگی فرد بخیل	امیرالمؤمنین علیه السلام : اللَّئِيمُ مَنْ صَانَ مَالَهُ بَعْرِضِهِ. غرر الحکم و درر الکلم /ص ۱۲۵ لثیم [چون برای آبرویش ارزش قائل نیست] مالش را با آبرویش حفظ می‌کند.
عنوان	روایات
۱۰) برخی مصداق بخل	امام صادق علیه السلام : الْبَخِيلُ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَام. بحار/ج ۷۵/ص ۱۲۰ کسی که سلام کردن برایش سخت باشد، بخیل است.
	قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله : الْبَخِيلُ حَقًّا مَنْ ذُكِرْتُ عَنْدهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ. معانی الاخبار/ ج ۱/ص ۲۴۶ به حقیقت، بخیل کسی است که من پیامبر در نزد او یاد شوم (نامم برده شود) و بر من صلوات نفرستد.

عنوان	روایات
(۱۱) شیخ (درجه بدو و عمیق تر بخل) و اثرات آن	ثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ: شُحٌّ مُطَاعٌ وَ هَوًى مُتَّبَعٌ وَ إعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ وَ هُوَ مُحِيطٌ لِلْعَمَلِ. بحار/ج ۶۹/ص ۳۲۱ سه چیز هلاک کننده است: حرصی که از آن فرمان برند، و هوای نفسی که به اطاعت آن برخیزند، و از خود راضی بودن و آن، عمل را از بین می برد.
	قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا مَحَقَ الْإِيمَانَ مَحَقَ الشُّحِّ شَيْءٌ. إِنَّ هَذَا الشُّحَّ دَيْبٌ كَذِيبُ النَّمْلِ وَ شُعْبًا كَشَعْبِ الشَّرِّ. الخصال/ ج ۱/ ص ۲۶ هیچ چیز مانند بخل آمیخته بحرص ایمان را لگدکوب نکند سپس فرمود: برای بخل جنبشی است مانند جنبش مورچه و شعبه هائی است مانند شعبه های شرک.
	رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَطُوفُ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ إِلَى الصَّباحِ وَ هُوَ يَقُولُ: اَللّٰهُمَّ قِنِي شُحَّ نَفْسِي. فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا سَمِعْتُكَ تَدْعُو بِغَيْرِ هَذَا الدُّعَاءِ. قَالَ: وَ أَيْ شَيْءٍ أَشَدَّ مِنْ شُحِّ النَّفْسِ؟! إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: (وَمَنْ يَوْقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. نغابن/ ۱۶. تفسیر القمى/ ج ۲/ ص ۳۷۲ امام صادق ﷺ را در طواف دیدم و او از آغاز شب تا صبح می گفت: بار خدایا مرا از بخل نگهدار، عرض کردم قربانت گردم شما فقط همین دعا را میخوانی، فرمود: مگر چیزی سختتر از بخل نفس هست خداوند میفرماید: و کسی که بخل نفس خود را مهار کند، پس چنین کسانی همان رستگاران اند.
	رسول الله ﷺ: إِيَّاكُمْ وَ الشُّحَّ فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِالشُّحِّ. الخصال/ ج ۱/ ص ۱۷۵ از شح پرهیزید، چرا که پیشینیان شما نیز با شح هلاک شدند.

عنوان	روایات
(۱۱) شیخ (درجه بدتر و عمیق تر بخل) و اثرات آن	امام صادق علیه السلام: أَتَدْرِي مَنْ الشَّحِيحُ؟ قُلْتُ: هُوَ الْبَخِيلُ. فَقَالَ: الشُّحُّ أَشَدُّ مِنَ الْبُخْلِ. إِنَّ الْبَخِيلَ يَبْخُلُ بِمَا فِي يَدَيْهِ وَ الشَّحِيحُ يَبْشُحُ بِمَا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ عَلَى مَا فِي يَدِهِ حَتَّى لَا يَرَى فِي أَيْدِي النَّاسِ شَيْئًا إِلَّا تَمَنَّى أَنْ يَكُونَ لَهُ بِالْحِلِّ وَ الْحَرَامِ وَ لَا يَقْنَعُ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ. مَنْ لَا يَحْضَرُهُ الْفَقِيهَ / ج ۲ / ص ۶۳ آیا می دانی شحیح کیست؟ گفتم: او بخیل است. امام فرمود: شحّ شدیدتر از بخل است، زیرا بخیل نسبت به چیزی که در دست خود دارد بخل میبورد، و شحیح هم به آنچه در دست مردم است، و هم به آنچه در دست خود او است بخل میکند، چندان که چیزی را در دست مردم نمی بیند مگر آنکه آرزو میکند که آن چیز چه از طریق حلال و چه از راه حرام متعلّق به او باشد و به آنچه خدای عزّ و جل روزی او ساخته است قناعت نمی کند.
	امام باقر علیه السلام: لَا يُؤْمِنُ رَجُلٌ فِيهِ الشُّحُّ وَ الْحَسَدُ وَ الْجُبْنُ وَ لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ جَبَانًا وَ لَا حَرِيصًا وَ لَا شَحِيحًا. الخصال / ج ۱ / ص ۸۲ مردی که دارای بخل و حسد و ترس باشد ایمان ندارد که مؤمن نه ترسو می شود و نه حریص و نه بخیل.
	الإمام الصادق عليه السلام عن أبيه: إِنَّ عَلِيًّا «ع» سَمِعَ رَجُلًا يَقُولُ: الشَّحِيحُ أَعْذَرُ مِنَ الظَّالِمِ. فَقَالَ: كَذِبْتَ! إِنَّ الظَّالِمَ يَتُوبُ وَ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ يَرُدُّ الظَّالِمَةَ عَلَى أَهْلِهَا. وَ الشَّحِيحُ إِذَا شَحَّ مَنَعَ الزَّكَاةَ، وَ الصَّدَقَةَ، وَ صَلَاةَ الرَّحِمِ، وَ إِقْرَاءَ الضَّيْفِ، وَ النِّفْقَةَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ أَبْوَابَ الْبِرِّ. وَ حَرَامٌ عَلَى الْجَنَّةِ أَنْ يَدْخُلَهَا شَحِيحٌ. قرب الاسناد / ج ۱ / ص ۷۲ امام صادق علیه السلام به نقل از پدرش امام باقر علیه السلام: علی علیه السلام شنید که مردی می گوید: عذر بخیل پذیرفته تر از عذر ستمگر است. فرمود: دروغ می گویی! ستمگر توبه می کند و از خدا آمرزش می طلبد، و آنچه به ستم گرفته است به صاحبان آن پس می دهد؛ ولی بخیل به دلیل بخل خود، از پرداختن زکات و صدقه، و از صله رحم، و از پذیرفتن مهمان، و انفاق در راه خدا و اقسام نیکوکاری ها سر باز می زند. و بر بهشت حرام است که بخیلی به آن در آید.

عنوان	روایات
(۱۲) عواقب دنیوی و اخروی بخل	رسول الله ﷺ: مَا شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْبُخْلِ وَ سُوءِ الْخُلُقِ وَ إِنَّهُ لَيُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ. مكارم الأخلاق / ص ۱۷ چیزی مبغوض تر از بخل و بدخلقی نزد خدا نیست و بخل و سوء خلق، عمل را فاسد می‌کند همان‌طور که خاک عسل را فاسد می‌کند.
	وَ الْبَخِيلُ بَعِيدٌ مِنَ اللَّهِ بَعِيدٌ مِنَ الْجَنَّةِ بَعِيدٌ مِنَ النَّاسِ. عیون أخبار الرضا ع / ج ۲ / ص ۱۲ و بخیل از خدا و بهشت و مردم دور است.
	امام صادق علیه السلام: أُصُولُ الْكُفْرِ ثَلَاثَةٌ: الْحِرْصُ وَ الْإِسْتِكْبَارُ وَ الْحَسَدُ. کافی / ج ۲ / ص ۲۸۹ ریشه‌های کفر سه تا است: حرص، سربرزگی، و حسد.

عنوان	روایات
(۱۲) مواقع دنیوی و اخروی بخل	امام صادق علیه السلام: ثَلَاثٌ إِذَا كُنَّ فِي الرَّجُلِ فَلَا تَخْرُجُ أَنْ تَقُولَ إِنَّهُ فِي جَهَنَّمَ: الْجَفَاءُ وَ الْجُبْنُ وَ الْبُخْلُ. الخصال/ ج ۱/ ص ۱۵۸ سه صفت در هر مردی باشد بدون پروا باو بگو که جهنمی است: ستمکاری و ترس و بخل.
	قال رسول الله ﷺ: وَ الْبُخْلُ شَجَرَةٌ مِنْ أَشْجَارِ النَّارِ لَهَا أَغْصَانٌ مُتَدَلِّيَةٌ فِي الدُّنْيَا فَمَنْ كَانَ بِخِيَلًا تَعَلَّقَ بِغُضَنِ مِنْ أَغْصَانِهَا، فَسَاقَهُ ذَلِكَ الْغُضْنُ إِلَى النَّارِ. الأُمَالِي (للطوسي) / النص / ص ۴۷۵ بخل درختی است از درخت های آتش جهنم شاخه هایی دارد که آن هم شاخه هایش در دنیا افتاده است. هرکسی بخیل باشد، به یکی از شاخه هایش آویزان شده است، همین شاخه او را به جهنم می کشاند.

عنوان	روایات
۱۳) علاج بخل	اگر انسان نسبت به خواهش‌های نفسانی خود بخل بورزد و همه چیز را برای خود نخواهد، نسبت به دیگران کریم و بخشنده خواهد شد. پس به جاست برای علاج بخل، به نفس خود سخت بگیرد و با ترجیح دادن دیگران بر خود، از حق خود بگذرد و به دیگران ببخشد.

عنوان	روایات
۱۴) ثمرات دنیوی و اخروی سخاوت	امیرالمؤمنین علیه السلام : مَنْ سَخَتْ نَفْسُهُ عَنْ مَوَاهِبِ الدُّنْيَا فَقَدْ اسْتَكْمَلَ الْعَقْلَ. غرر الحکم و درر الکلم / ص ۶۴۶ کسی که نفسش از موهبت‌های دنیا بگذرد، به کمال عقل دست یافته است.
	از امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده است که فرمودند: زیباترین زندگی، برای کسی است که دیگران نیز، در زندگی او لذت ببرند.

عنوان	روایات
(۱۴) نمرات دنیوی و اخروی سخاوت	امام رضا علیه السلام: السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ. کافی/ج ۴/ص ۴۰ سخی نزدیک خدا است نزدیک به بهشت است نزدیک بمردم است.
	قَالَ يَا عَلِيُّ أَخْرَهُ وَاضْرِبْ عَنْقَهُ فَأَخْرَهُ وَ قَامَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ لِيَضْرِبَ عَنْقَهُ فَهَبَطَ جَبْرَائِيلُ عَ عَلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يُقَرِّبُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَا تَقْتُلُهُ فَإِنَّهُ حَسَنُ الْخَلْقِ سَخِيٌّ فِي قَوْمِهِ فَقَالَ النَّبِيُّ ص يَا عَلِيُّ أَمْسِكْ فَإِنَّ هَذَا رَسُولُ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ يُخْبِرُنِي أَنَّهُ حَسَنُ الْخَلْقِ سَخِيٌّ فِي قَوْمِهِ. فَقَالَ الْمُشْرِكُ تَحْتَ السَّيْفِ هَذَا رَسُولُ رَبِّكَ يُخْبِرُكَ قَالَ نَعَمْ قَالَ وَ اللَّهُ مَا مَلَكَتْ دِرْهَمًا مَعَ أَخٍ لِي قَطٍ وَ لَا قَطَبْتُ وَجْهِي فِي الْحَرْبِ وَ أَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص هَذَا مِمَّنْ جَرَّهُ حُسْنُ خُلُقِهِ وَ سَخَاؤُهُ إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ. الأُمَالِي (لِلصَّدُوقِ) / النِّص / ص ۱۰۷ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام امر کردند گردن او را هم بزنید، هنگامی که علی خواست او را اعدام کند جبرئیل فرود آمد و گفت: خداوند سلام می‌رساند و می‌گوید: این شخص را نکشید زیرا او خوش اخلاق و با سخاوت می‌باشد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی از کشتن او خودداری کنید، اینک فرستاده خداوند آمده و می‌گوید: که خداوند می‌فرماید او مردی خوش خلق و با سخاوت می‌باشد از کشتن او منصرف گردید: آن مرد مشرک گفت: این فرستاده خدایت می‌باشد، رسول خدا فرمود: آری، آن مرد گفت: به خداوند سوگند من یک درهم از مالی را که با برادرم در آن شرکت داشتم بر نداشته‌ام و به کسی روی ترش نشان نداده‌ام و اکنون گواهی می‌دهم که خدا یکی است و شما هم رسول او می‌باشی، رسول خدا فرمود: حسن خلق وجود او را به طرف بهشت کشانید.

عنوان	روایات
(۱۴) ثمرات دنیوی و اخروی سخاوت	امام صادق علیه السلام: فَإِنَّ الْعَبْدَ يُكُونُ مِنْهُ بَعْضُ التَّقْصِيرِ فِي الْعِبَادَةِ، وَ يَكُونُ لَهُ خُلُقٌ حَسَنٌ فَيُبَلِّغُهُ اللَّهُ بِخُلُقِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ. کافی/ج ۳/ص ۲۶۳ زیرا بندگان گاهی در عبادت تقصیر می‌کنند و با خلق نیک و خوش رفتاری خداوند به آنها پاداش روزه‌دار و نماز گذار را می‌دهد.
	إِنَّ السَّخَاءَ شَجَرَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ لَهَا أَغْصَانٌ مُتَدَلِّيَةٌ فِي الدُّنْيَا مَنْ كَانَ سَخِيًّا تَعَلَّقَ بِغُضَنِ مِنْ أَغْصَانِهَا، فَسَاقَهُ ذَلِكَ الْغُضْنُ إِلَى الْجَنَّةِ. بحار/ج ۶۸/ص ۳۵۰ سخاوت یکی از درختهای بهشت می‌باشد، و شاخه‌های متعددی دارد که بطرف دنیا هم سر در آورده‌اند. هر کس سخاوت داشته باشد به یکی از آن شاخه‌ها می‌آویزد و شاخه او را بطرف بهشت می‌کشاند.

عنوان	روایات
(۱۵) سخاوت اخلاق محبوب خدا و ویژگی پیامبر ﷺ و اهل بیت	امام صادق علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ارْتَضَى لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَأَحْسِنُوا صُحْبَتَهُ بِالسَّخَاءِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ. کافی / ج ۲ / ص ۵۶ خدای عز و جل اسلام را دین شما پسندید، پس بسبب سخاوت و خلق نیکو با آن نیکو معاشرت کنید.
	امام صادق علیه السلام: كَانَ فِيَمَا خَاطَبَ اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ أَنْ قَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ قَالَ السَّخَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ. الأُمَالِي (للطوسي) / ص ۳۰۲ خداوند در آیاتی محمد صلی الله علیه و آله را مخاطب قرار داده فرموده: وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ امام علیه السلام فرمود: یعنی تو ای رسول ما اهل سخاوت و حسن خلق می باشی.

روایات	عنوان
رسول الله ﷺ: أَمَرَنِي رَبِّي بِالسَّخَاءِ وَالْبِرِّ وَنَهَانِي عَنِ الْبُخْلِ وَالْجَفَاءِ. مكارم الاخلاق/ص ۱۷ پروردگارم مرا به سخاوت و نیکی امر کرده، و از بخل و جفاکاری نهی نموده.	(۱۵) سخاوت اخلاق محبوب خدا و ویژگی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام
رسول الله ﷺ: شَابَ سَخِيٌّ مُرْهَقٌ فِي الذُّنُوبِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهِ مِنْ شَيْخٍ عَابِدٍ بَخِيلٍ. کافی / ج ۴ / ص ۴۱ جوان سخاوتمند شریر و غوطه‌ور در گناهان نزد خدای عزّ و جلّ از پیر عابدی بخیل محبوبتر است.	

عنوان	روایات
(۱۵) سخاوت اخلاق محبوب خدا و ویژگی پیامبر ﷺ و اهل بیت	نَحْنُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ وَمِنْ فُرُوعِنَا كُلِّ بَرٍّ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ مَعَنَا وَهُوَ مُتَعَلِّقٌ بِفُرُوعِ غَيْرِنَا. کافی/ج ۱۵/ص ۵۵۳ مائیم ریشه هر خیر و خوبی و نیکیها از شاخه های وجود ما است... و از این رو دروغ گوید هر کس که پندارد با ما است ولی بشاخه های دیگران غیر از ما چنگ زده.
	امام صادق علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَصَّ رُسُلَهُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَأَمْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ. فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ ذَلِكَ مِنْ خَيْرٍ وَإِنْ لَا تَكُنْ فِيكُمْ فَاسْأَلُوا اللَّهَ وَارْغَبُوا إِلَيْهِ فِيهَا الْيَقِينَ وَالْقَنَاعَةَ وَالصَّبْرَ وَالشُّكْرَ وَالْحِلْمَ وَحُسْنَ الْخُلُقِ وَالسَّخَاءَ وَالْغَيْرَةَ وَالشَّجَاعَةَ وَالْمُرُوءَةَ. کافی/ج ۲/ص ۵۶ خدای عز و جل پیغمبرانش را بمکارم اخلاق اختصاص داد، شما خود را بیازمائید، اگر آنها در وجود شما هم بود، خدا را سپاس گوئید و بدانید که بودن آنها در شما خیر شماست و اگر در شما نبود، از خدا بخواهید و نسبت بآنها رغبت جوئید. سپس آنها را ده چیز شمرد: یقین و قناعت و صبر و شکر و خویشتن داری و خلق نیکو و سخاوت و غیرت و شجاعت و مروت.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ رَجُلًا مَرَّ بِعُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ وَهُوَ قَاعِدٌ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ فَسَأَلَهُ فَأَمَرَ لَهُ بِخَمْسِيَةِ دَرَاهِمٍ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ أَرَشَدَنِي فَقَالَ لَهُ عُثْمَانُ ذُنُوكَ الْفَتْيَةُ الَّتِي تُرَى وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى نَاحِيَةِ مِنَ الْمَسْجِدِ فِيهَا الْحُسَيْنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فَمَضَى الرَّجُلُ نَحْوَهُمْ حَتَّى سَلِمَ عَلَيْهِمْ وَ سَأَلَهُمْ فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ع يَا هَذَا إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ إِلَّا فِي إِحْدَى ثَلَاثٍ دَمٌ مُفْجِعٌ أَوْ دَيْنٌ مُفْرَحٌ أَوْ فَقْرٌ مُدْقِعٌ فَفِي أَيِّهَا تَسْأَلُ فَقَالَ فِي وَاحِدَةٍ مِنْ هَذِهِ الثَّلَاثِ فَأَمَرَ لَهُ الْحَسَنُ ع بِخَمْسِينَ دِينَارًا وَ أَمَرَ لَهُ الْحُسَيْنُ ع بِتِسْعَةٍ وَ أَرْبَعِينَ دِينَارًا وَ أَمَرَ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ بِثَمَانِيَةٍ وَ أَرْبَعِينَ دِينَارًا فَانْصَرَفَ الرَّجُلُ فَمَرَّ بِعُثْمَانَ. فَقَالَ لَهُ مَا صَنَعْتَ فَقَالَ مَرَرْتُ بِكَ فَسَأَلْتُكَ فَأَمَرْتَ لِي بِمَا أَمَرْتَ وَ لَمْ تَسْأَلْنِي فِيمَا أَسْأَلُ وَ إِنَّ صَاحِبَ الْوَفْرَةِ «۱» لَمَّا سَأَلْتُهُ قَالَ لِي يَا هَذَا فِيمَا تَسْأَلُ فَإِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ إِلَّا فِي إِحْدَى ثَلَاثٍ فَأَخْبَرْتُهُ بِالْوَجْهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ مِنَ الثَّلَاثَةِ فَأَعْطَانِي خَمْسِينَ دِينَارًا وَ أَعْطَانِي الثَّانِي تِسْعَةً وَ أَرْبَعِينَ دِينَارًا وَ أَعْطَانِي الثَّلَاثَ ثَمَانِيَةً وَ أَرْبَعِينَ دِينَارًا فَقَالَ عُثْمَانُ وَ مَنْ لَكَ بِمِثْلِ هَؤُلَاءِ الْفَتْيَةِ أُولَئِكَ فَطَمُوا الْعِلْمَ فَطَمًا وَ حَازُوا الْخَيْرَ وَ الْحِكْمَةَ. خصال/ج ۱/ص ۱۳۵

مردی نزد عثمان آمد و او بر در مسجد نشسته بود و از وی درخواست پول کرد و او پنج درهم به او داد، آن مرد گفت: مرا راهنمایی کن، عثمان به او گفت: نزد آن جوان هایی که می بینی برو، و با دستش به ناحیه ای از مسجد که حسن و حسین و عبد الله بن جعفر نشسته بودند اشاره کرد، آن مرد نزد آنان آمد و به آنها سلام داد و از آنها درخواست پول کرد. حسن عليه السلام و حسین عليه السلام به او گفتند: ای شخص! سؤال کردن جز در سه جا روا نیست: خون بهایی که دردناک است، یا بدهی که دل شکستگی دارد، یا فقری که انسان را زمین گیر می کند، تو برای کدام یک سؤال می کنی؟ گفت: برای یکی از این سه مورد. پس امام حسن عليه السلام دستور داد به او پنجاه دینار دادند و امام حسین عليه السلام نیز دستور داد به او چهل و نه دینار دادند و عبد الله بن جعفر نیز دستور داد به او چهل و هشت دینار دادند و آن مرد برگشت و نزد عثمان آمد. عثمان به او گفت: چه کردی؟ گفت: نزد تو آمدم و از تو سؤال کردم و دادی آنچه دادی و از من نپرسیدی که برای چه سؤال می کنم ولی چون از صاحب موهای بلند سؤال کردم به من گفت: ای شخص برای چه سؤال می کنی چون سؤال کردن جز در سه مورد روا نیست و من علت سؤال کردنم را به او گفتم و به من پنجاه دینار داد و دومی چهل و نه دینار و سومی چهل و هشت دینار دادند، عثمان گفت: برای تو چه کسی مانند این جوان ها می شود؟ آنان علم را یک جا به دست آورده اند و خیر و حکمت را اندوخته اند.

هدف: عفو و گذشت (ضد کینه و انتقام)

عنوان	روایات
(۱) ننبه عقلی به حسن عفو و قبح انتقام	امام صادق علیه السلام : وَالْعَفْوُ وَضِدَّهُ الْحَقْدُ ... وَالصَّفْحُ وَضِدَّهُ الْإِنْتِقَامُ از جنود عقل وجهل: ... و گذشت است که ضدش کینه است و ... چشم پوشی است که ضدش انتقام گرفتن است
	خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ. اعراف / ۱۹۹ عفو و میانه روی را پیشه کن (عذر مردم را بپذیر و بر آنان آسان بگیر)، و به کارهای عقل پسند و نیکو فرمان بده، و از جاهلان اعراض کن.

عنوان	روایات
(۲) معیار قرار دادن خود، در درک حسن عفو و قبح انتقام	امیرالمؤمنین علیه السلام : اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ. نهج البلاغه / نامه ۳۱ ای فرزند، خود را در آنچه میان تو و دیگران است، ترازویی پندار.

عنوان	روایات
(۳) عفو و گذشت نسبت به زیردستان	الْكَرِيمُ يَعْفُو مَعَ الْقُدْرَةِ وَ يَعْدِلُ فِي الْإِمْرَةِ. غررالحکم/ص ۱۱۶ بزرگوار در زمان قدرتمندی گذشت می کند و به هنگام حکومت عدالت پیشه می کند.
	أَيَّاكَ أَنْ تَضْرِبَ مُسْلِمًا أَوْ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا فِي دِرْهَمٍ خَرَجٍ أَوْ تَبِيعَ دَابَّةً عَمَلٍ فِي دِرْهَمٍ فَإِنَّمَا أَمْرُنَا أَنْ نَأْخُذَ مِنْهُمْ الْعَفْوَ. کافی/ج ۳/ص ۵۴۰ امیرالمؤمنین علیه السلام به مردی از بنی ثقیف فرمودند: مبدا مسلمان، یهودی یا نصرانی ای را کتک بزنی تا یک درهم خراج بگیری امر شده ایم که از آنها عفو را بگیریم، یعنی با آنها ملایم برخورد کنیم.
	أَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللُّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سُبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخَ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرٌ فِي الْخَلْقِ. نهج البلاغة (للصّبحي صالح) /ص ۴۲۷ سفارش امیرالمؤمنین ع به مالک اشتر: قلبت را از رحمت و دلسوزی برای رعیت پر کن (حسّ تو نسبت به رعیت، کمال دلسوزی و رحمت باشد). مبدا مثل یک حیوان وحشی درنده، به جان رعیت بیفتی که بخواهی آن‌ها را بخوری! چرا که این رعیت، دو گروه هستند: یا برادر دینی تو، یا نظیر تو در خلق هستند.

عنوان	روایات
(۴) اثرات عفو و گذشت	رسول الله ﷺ: مَنْ لَمْ يَرْحَمْ لَا يُرْحَمْ. مناقب آل ابي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) / ج ۳ / ص ۳۸۴ کسی که رحم نکند، مورد رحم قرار نمی گیرد.

عنوان	روایات
(۵) انتقام ، نقطه مقابل عفو	نشانه عاقل بودن این است که انتقام هیچ وقت نمی گیرد. انتقام تشفی خاطر است و اینکه از چیزی عصبانی شدیم و می خواهیم خود را خالی کنیم. این ربطی به خیر و مصلحت طرف مقابل ندارد.

عنوان	روایات
(۶) عفو در رفتارها و ارتباط‌های شخصی	امام صادق علیه السلام : إِنَّ اللَّهَ أَدَّبَ رَسُولَهُ ص فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ قَالَ خُذْ مِنْهُمْ مَا ظَهَرَ وَ مَا تَيسَّرَ وَ الْعَفْوَ الْوَسْطَ. بحار/ج ۹۳/ص ۸۴
	خداوند پیامبرش را تربیت کرد تا اینکه به ایشان فرمود: «ای محمد (! با عفو و مدارا رفتار کن، و به کارهای شایسته دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان از آنان. آنچه را ظاهر و آسان است بگیر و عفو (بخشش) حدّ میانه است.
	امیرالمؤمنین علیه السلام : يَسِّرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا وَ خَفِّفُوا وَلَا تُثَقِّلُوا. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم/ص ۴۸۳ ساده بگیرید، سخت نگیرید.

عنوان	روایات
(۷) عفو و عذرپذیری	ما در روایاتمان داریم که اگر کسی کار خطایی کرد شما برایش عذری بتراش، طوری که او را مبرا کنی

عنوان	روایات
(۸) عدم عفو در حلال و حرام خدا	تساهل و تسامح، در مورد حقوق شخصی است، که میتوان از آنها کوتاه آمد؛ نه اینکه خطّ قمرهای شرعی و تربیتی نادیده گرفته شود.

عنوان	روایات
(۹) مصادیق عفو (معتدل و منعطف بودن)	پیامبر ﷺ: تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَ تُعْطَى مَنْ حَرَمَكَ وَ تَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ.. الامالی (اللطوسی) / ص ۶۴۴ (از جمله مکارم اخلاق این است که) با آن که از تو پیوند بُریده ارتباط برقرار کنی ، به آن که از تو دریغ ورزیده، عطا کنی و از آن که به تو ستم کرده درگذری.
	لَيْسَ حُسْنُ الْجَوَارِ كَفَّ الْأَذَى ، وَ لَكِنْ حُسْنُ الْجَوَارِ الصَّبْرُ عَلَى الْأَذَى (الكافی / ج ۲ / ۶۶۷) حسن همسایگی این نیست که آزار نرسانی بلکه حسن همسایگی این است که در برابر آزار و اذیت همسایه شکیبایی باشی.

عنوان	روایات
(۱۰) عنوان در مناظره	نحوه گفتگو و معاشرت و آداب آن، حتّی در مناظره که طرفین قصد رد کردن طرف مقابل را دارند، خیلی مهم است. اگر با خوش صحبتی همراه نباشد، بالاترین استدلال‌ها نتیجه عکس می‌دهد.

عنوان	روایات
(۱۱) انتقام الهی	انتقامی که امام عصر (ع) از قاتل امام حسین (ع) خواهند گرفت انتقام الهی است.

عنوان	روایات
(۱۲) عنوان پیامبر ﷺ و اهل بیت (ع)	پیغمبر ﷺ و همه‌ی ائمه‌ی ما (ع)، گذشت‌های عجیبی می‌کردند. مثلاً پیامبر ﷺ به حضرت حمزه سیدالشهداء بسیار علاقه‌مند بودند. وقتی ایشان در جنگ احد به شهادت رسیدند، پیامبر ﷺ بسیار مصیبت‌زده شدند. واقعاً پیغمبر خیلی بزرگواری کردند که قاتل او را بخشیدند!

هدف: صداقت (ضد دروغ‌گویی)

عنوان	روایات
(۱) تنبه عقلی به قبح دروغ	امیرالمؤمنین علیه السلام : تَحَفَّظُوا مِنَ الْكَذِبِ فَإِنَّهُ مِنْ أَدْنَى الْأَخْلَاقِ قَدْرًا وَهُوَ نَوْعٌ مِنَ الْفُحْشِ وَ ضَرْبٌ مِنَ الدَّنَائَةِ. مشکاة الانوار، ج ۱، ص ۱۸۰ از دروغ خودداری کنید که از بدترین اخلاق است دروغ یک نوع کار ناشایست و نوعی پستی است.
	أَنَّ رَجُلًا أَتَى سَيِّدَنَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي خُلُقًا يَجْمَعُ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. فَقَالَ: لَا تَكْذِبْ. شخص نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: یا رسول الله، خلق و خویی به من بیاموزید که خیر دنیا و آخرت را برای من جمع کند. ایشان فرمودند: دروغ نگو. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۸۷

عنوان	روایات
(۲) معیار قرار دادن خود در درک قبح دروغ	فَأَحَبُّ لِعَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ أَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا. نهج البلاغة (للصباحی صالح) / ۳۹۷ / ۳۱

عنوان	روایات
(۳) پایمال کردن حق دیگران با دروغگویی	دروغ گفتن، از این جهت پایمال کردن حق النَّاس است که حقّ دیگران، اعتماد کردن به ماست.
	امیرالمؤمنین علیه السلام: الْكَذَابُ وَالْمَيْتُ سَوَاءٌ فَإِنَّ فَضِيلَةَ الْحَيِّ عَلَى الْمَيِّتِ الثَّقَةُ بِهِ فَإِذَا لَمْ يُوْتَقَ بِكَلَامِهِ بَطَلَتْ حَيَاتُهُ. غررالحکم، ج ۱، ص ۱۱۹ انسان دروغ گو (کسی که به گونه ای عمل کرده که اعتماد به او سلب شده است) و انسان مرده یکسانند. زیرا برتری زنده نسبت به مرده، به خاطر اعتمادی است که به فرد زنده می توان داشت. پس، اگر به کلامش نشود اعتماد کرد، حیاتش باطل است (زنده بودن و مرده بودنش یکسان است).
	امیرالمؤمنین علیه السلام: مَنْ عُرِفَ بِالْكَذِبِ قَلَّتِ الثَّقَةُ بِهِ ، مَنْ تَجَنَّبَ الْكَذِبَ صُدِّقَتْ أَقْوَالُهُ . غررالحکم/ص ۶۴۵ و ۶۶۶ کسی که به دروغ گویی شناخته شود اعتماد به او کم می شود و کسی که از دروغ اجتناب ورزد گفته هایش باور می شود .
عنوان	روایات
(۴) صداقت، مایه آرامش	پیامبر صلی الله علیه و آله: الصِّدْقُ طُمَأْنِينَةٌ وَالْكَذِبُ رَيْبَةٌ؛ راستگویی مایه آرامش و دروغگویی مایه تشویش و اضطراب است

عنوان	روایات
(۵) فکر کردن قبل از حرف زدن	-

عنوان	روایات
(۶) صداقت در کنار عدم آزردن دیگران	-

عنوان	روایات
(۷) دروغ و آبرو	امیرالمؤمنین علیه السلام : يَكْتَسِبُ الْكَاذِبُ بِكَذِبِهِ ثَلَاثًا: سَخَطَ اللَّهِ عَلَيْهِ ، وَ اسْتِهَانَةَ النَّاسِ بِهِ ، وَ مَقَتَ الْمَلَائِكَةِ لَهُ .
	امیرالمؤمنین علیه السلام : دروغگو با دروغ‌گویی خود سه چیز به دست می‌آورد: خشم خدا، نگاه تحقیرآمیز مردم و دشمنی فرشتگان.

عنوان	روایات
(۸) دروغ کوچک، مقدمه دروغ بزرگ	امام سجاد علیه السلام: اتَّقُوا الْكَذِبَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَالْكَبِيرَ فِي كُلِّ جِدٍّ وَهَزْلٍ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَذَبَ فِي الصَّغِيرِ اجْتَرَى عَلَى الْكَبِيرِ. از دروغ کوچک و بزرگ، چه به صورت جدی و چه در حالت شوخی، دوری کنید؛ چراکه انسان وقتی دروغ کوچک گفت، جرأت میکند که دروغ بزرگ بگوید. الکافی ۳۳۸/۲
عنوان	روایات
(۹) پرهیز از دعوت و تعارف دروغبین	پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ اسماء بنت یزید که عرض کرد: اگر فردی از ما میل به چیزی داشته باشد و بگوید میل ندارم، آیا این دروغ به حساب می‌آید؟ پیامبر فرمودند: إِنْ الْكَذِبُ لِيُكْتَبَ حَتَّى يُكْتَبَ الْكَذِيبُ كُذِّبَتْ مَرَأَةُ الْعُقُولِ فِي شَرْحِ أَخْبَارِ آلِ الرَّسُولِ، ج ۱۰، ص ۳۵۲ دروغ نوشته می‌شود حتی دروغ کوچک هم به عنوان دروغ کوچک نوشته می‌شود.

عنوان	روایات
(۱۰) جمع نسیئین شوخی و دروغ	امیرالمؤمنین علیه السلام: لَا يَجْدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتْرَكَ الْكَذِبَ هَزْلَهُ وَ جَدَّهُ كَافِي / ج ۲ / ص ۳۴۰ هیچ بنده‌ای طعم ایمان را نمی‌چشد مگر اینکه دروغ را چه شوخی و چه جدی ترک کند.
	ما یک ایمان داریم و یک طعم ایمان. ممکن است ایمان داشته باشیم، ولی مزه ایمان را نچشیم. کسی که مزه ایمان را نمی‌چشد، ایمانش را به راحتی از دست می‌دهد. کسی که مزه ایمان را می‌چشد، دیگر حاضر نیست که ایمانش را معامله کند.
	پیامبر صلی الله علیه و آله: يَا أَبَا ذَرٍّ، وَيْلٌ لِلَّذِي يُحَدِّثُ فَيَكْذِبُ فَيُضْحِكُ بِهِ الْقُلُوبَ وَيْلٌ لَهُ وَيْلٌ لَهُ. مشكاة الأنوار في غرر الأخبار / النص / ص ۱۷۵ ای ابوذر، وای بر کسی که وقت سخن گفتن، دروغ می‌گوید تا دل‌ها به آن بخندند [یعنی دل‌هایی را خوشحال کند] ، وای بر او وای بر او.

روایات	عنوان
امام صادق علیه السلام: لَا تُحَدِّثُ مِنْ غَيْرِ ثِقَةٍ فَتَكُونَ كَذَّابًا. از شخص غیر موثق نقل قول مکن! چرا که کذاب می شوی بحار الانوار/ ج ۷۴/ ص ۲۱۶	(۱۱) عدم نقل قول از افراد غیر موثق
راوی از امام صادق علیه السلام در تعریف صفت کذاب پرسید: «آیا کذاب کسی است که در امری دروغ می گوید؟» امام علیه السلام در پاسخ او چنین فرمودند: لا ما من احد الا يكون ذلك منه، ولكن المطبوع على الكذب كافى/ ج ۴/ ص ۴۵ خیر، کسی نیست مگر اینکه آن دروغ گاهی از او سر می زند. بلکه کذاب کسی است که سرشته بر دروغ گویی است.	
کذاب کسی است که باکی از دروغ گویی ندارد و از اینکه دروغ بگوید اذیت نمی شود و این کار برایش روان است.	

روایات	عنوان
کذب، فقط در گفتار نیست؛ در نوشتار هم هست. صورت جلسه‌های دروغین تنظیم کردن، اطلاعات دروغ وارد کردن، امضا کردن‌های دروغ و ... از هر فقهی سؤال کنید، این کار را حرام می‌داند. افرادی که چنین کاری می‌کنند، فقط می‌خواهند کارشان راه بیفتد.	۱۲) دروغ غیر کلامی
روایات	عنوان
صداقت یعنی «راست عمل کردن». اگر کسی دائماً از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند و در ظاهر و به دروغ خودش را مقید نشان دهد، در تمامی امور با مشکل مواجه می‌شویم. ما در رفتارهایمان باید یاد بگیریم که آدم‌ها را نیچانیم.	۱۳) صداقت در عمل

عنوان	روایات
(۱۴) رفتار منافقانه دروغگو	امیرالمؤمنین علیه السلام: شَرُّ الْأَخْلَاقِ الْكَذِبُ وَ النَّفَاقُ. بدترین خلق و خواها، دروغگویی و نفاق است. غرر الحکم، ج ۱، ص ۴۰۹ (وجه مشترک دروغگویی و نفاق: پوشاندن حق و جلوه دادن باطل به صورت حق)
عنوان	روایات
(۱۵) پرهیز از دوستی با دروغگو	عن ابی عبدالله علیه السلام عن ابيه قال:....یا بنی انظر خمسہ فلا تصاحبهم وولا دحادثهم و لا ترافقهم فی طریق...ایاک و مصاحبه الکذاب فانه بمنزله السراب یقرب لک البعید و یبعد لک القریب الکافی / ۲ / ۶۴۱ پسر جانم! پنج کس را در نظر دار و به آنها همراه و هم سخن و رفیق راه مشو،... پرهیز از همراهی با کذاب، زیرا که او به مانند سراب است، نزدیک کند به تو دور را و دور کند از تو نزدیک را.

عنوان	روایات
(۱۶) عدم جواز دروغ برای کسب منفعت	امیرالمؤمنین علیه السلام: الايمان ان توثر الصدق حيث يضرك على الكذب حيث ينفعك ایمان این است که صداقتی که به تو زیان می زند را بر دروغی که به نفع توست، ترجیح دهی. نهج البلاغه / ح ۴۵۸
عنوان	روایات
(۱۷) وعده دروغ	گاهی، فرد از ابتدا قصد عمل به وعده خود را ندارد و صرفاً می خواهد طرف مقابل را دلخوش کند. در اینجا، دو معصیت صورت گرفته است: یکی این که فرد، از ابتدا خبر دروغ می دهد و دیگر این که وعده دروغ می دهد. خود وعده دروغ دادن، جدا از خبر دروغ دادن است

روایات	عنوان
گاهی شخص در ابتدا قصد عمل به وعده‌اش را دارد، ولی سپس، نقض عهد می‌کند؛ این حالت را هم، عَقْلًا وعده دروغ می‌شمارند که از مصادیق روشن منکر، خلف وعده است که هیچ‌کس دوست ندارد با او چنین رفتاری داشته باشند. اگر متربی، خلف وعده را قبیح بشمارد و قبح آن برایش نهادینه نشود، متقلب و فریب‌کار بار می‌آید.	عمل نکردن به وعده، مصادیق دروغ (۱۸)
روایات	عنوان
—	جبران دروغ (۱۹)

عنوان	روایات
(۲۰) تشخیص صلاح و فساد در دروغ مصلحتی	پیامبر ﷺ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَحَبُّ الْكَذِبِ فِي الصَّلَاحِ وَ أَبْغَضَ الصِّدْقِ فِي الْفَسَادِ خداوند دروغی که در راه اصلاح باشد را دوست دارد و صداقتی که موجب فساد و دشمنی و دشمنی بین افراد می شود را دشمن می دارد. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۵۲
	یکی از آقایان مراجع در درس خارجشان فرموده اند: لَا يَكْفِي كُلِّ إِصْلَاحٍ فِي تَجْوِيزِ كُلِّ كَذِبٍ. هر اصلاحی مجوز هر دروغی نیست. دروغ گویی جایی مجاز است که خود دروغ گویی مفسده بزرگی نداشته باشد.
عنوان	روایات
(۲۱) قسم نخوردن برای اثبات راستی کلام	کسی که قسم می خورد که حرف من راست است، چنانچه حرف او راست باشد قسم خوردن او مکروه است و اگر دروغ باشد حرام است. (رساله آیه الله سیستانی)

عنوان	روایات
(۲۲) مؤمن، دور از دروغ	إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ . نحل/ ۱۰۶ جز این نیست که دروغ را تنها کسانی می‌سازند که آیات خدا را باور ندارند و آنان خود دروغ‌گویند
	امام صادق علیه السلام: يُجِبُّ الْمُؤْمِنُ عَلَى كُلِّ طَبِيعَةٍ إِلَّا الْخِيَانَةَ وَ الْكَذِبَ. سرشت مؤمن بر هر طبیعتی هست (یعنی می‌شود هر گناهی در طبع او باشد) به جز خیانت و دروغ‌گویی. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۷۲

عنوان	روایات
(۲۳) دروغ، زشت ترین گناه	امیرالمؤمنین علیه السلام: لَا شَيْمَةَ أَقْبَحُ مِنَ الْكَذِبِ هَيْجٌ وَبِزْغٌ رُوحِي (هیج اخلاقی) قبیح تر و زشت تر از دروغ گویی وجود ندارد. غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۷۷۵
	امام عسکری علیه السلام: جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ كُلُّهَا فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مَفْتَاخُهَا الْكَذِبُ همه کارهای زشت در یک خانه قرار داده شده است و کلید آن دروغ گویی است. جامع الأخبار (للشعیری) / ص ۱۴۸
	امام باقر علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَ جَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ. وَ الْكَذِبُ شَرٌّ مِنَ الشَّرَابِ خداوند برای بدی قفل هایی قرار داده و کلیدهای این قفل های شر را شراب قرار داده است و دروغ گویی از شراب هم بدتر است. الکافی، ج ۲، ص ۳۳۸
عنوان	روایات
(۲۴) کسب رضایت امام زمان علیه السلام با راستگویی	امام صادق علیه السلام: كُونُوا لَنَا زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا امالی / ص ۴۰۰ زینت ما باشید و زشتی ما نباشید

هدف: وفای به عهد (ضد خلف وعده)

عنوان	روایات
(۱) تَبَه عَقْلِي بِه حَسَن وَفَاي بِه عَهْد وَفِيح مَدَحْه خَلْف وَعَدَه	وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا. بقره/ ۱۷۷ و وفا کنندگان به عهدشان هنگامی که پیمانی بستند.
	از احکام عقلی و شرعی بر می آید که خدای متعال به این راضی است و حجت را بر ما تمام کرده است که باید به گونه‌ای رفتار کنیم که اعتماد سلب نشود. لازمه جلب این اعتماد، عمل به وعده است.
عنوان	روایات
(۲) مِیَار قَرَار دَادَن خُود در در ک حَسَن وَفَاي بِه عَهْد وَفِيح خَلْف وَعَدَه	امیرالمؤمنین (علیه السلام): اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ. فَأَحْبِبْ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا. نهج البلاغه (للصبحي صالح) / ۳۹۷ / ۳۱ نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار، و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران میپسند.

عنوان	روایات
(۳) پابندی به وعده، ملاک انسانیت انسان	امام رضا علیه السلام: إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَرَى مَا وَعَدْنَا عَلَيْنَا دَيْنًا كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ. بحار/ ج ۷۲ / ص ۹۷ ما خانواده وعده‌هائی که به مردم می‌دهیم آن را مانند دین تلقی می‌کنیم، همان طور که حضرت رسول ﷺ انجام می‌دادند.
	همه دین را می‌شود در این حرف خلاصه کرد: نمک خوردی، نمکدان نشکن؛ با مرام باش؛ بی‌معرفت نباش. یکی از آثارش، این است که انسان پای حرف خود بایستد.
عنوان	روایات
(۴) هر نوع عهدی، عهد با خداست.	امام صادق علیه السلام: عِدَّةُ الْمُؤْمِنِ أَخَاهُ نَذْرٌ لَا كَفَّارَةَ لَهُ. فَمَنْ أَخْلَفَ فَبِخْلَفِ اللَّهِ بَدَأَ وَلِمَقْتِهِ تَعَرَّضَ، وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ). کافی/ ج ۴ / ص ۹۷ وعده مؤمن به برادر (دینی) خود نذری است که کفاره ندارد، پس هر که به آن وفا نکند به مخالفت وعده با خدا برخاسته و خود را در غضب او انداخته، این است گفتار خدای تعالی که (فرماید): «ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا گوئید آنچه را نکنید چه دشمنی گرانی است نزد خدا که بگوئید آنچه را نکنید.»

عنوان	روایات
وفا‌ی به عهد در برابر نیکوکار و بدکار	عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُخْصَةً... الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ.... کافی / جلد ۲/ ص ۱۶۲ امام باقر عليه السلام: «سه چیز است که خداوند عزوجل برای احدی در آنها رخصت [تخطی] قرار نداده است: ادای امانت به نیکوکار و بدکار و وفای به عهد به نیکوکار و بدکار و نیکی به والدین چه نیکوکار باشند و چه بدکار.
عنوان	روایات
حرام بودن نقض عهد	قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَخْبِرْنِي بِجَمِيعِ شَرَائِعِ الدِّينِ قَالَ قَوْلُ الْحَقِّ وَالْحُكْمُ بِالْعَدْلِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ. جامع أحاديث الشيعة (للبروجردی) / ج ۳۰ / ص ۶۶ ابوماک گوید: «به امام علی بن الحسین عليه السلام گفتم: همه شرایع دین را برایم بگوئید. حضرت فرمود: فرموده حق، حکم به عدل و وفای به عهد و پیمان.» در ضرب‌المثل عامیانه داریم: آدم است و قولش! قول، تا این اندازه مهم است. قول فرد، به اندازه خود او ارزش دارد. اگر من برای قولم ارزش قائل نباشم، در حقیقت، برای خودم و برای قولی که به طرف مقابل داده‌ام ارزش قائل نیستم.

عنوان	روایات
۷) شوخی بودن وعده	«شوخی بودن وعده» یعنی امری که به طور عرفی برای همه مسجل است که گوینده دارد شوخی می‌کند.

عنوان	روایات
۸) لزوم وعده دادن	یک متربی ایده‌آل وقتی با کسی قرار می‌گذارد و معاهده‌ای می‌بندد در آن خدشه و خلف وعده نمی‌کند این جمله از کوچک‌ترین عهدها (مثل ساعت قرار ملاقات) تا موارد مهم تر (مانند معاهده‌های کلان اقتصادی یا قبول تعهدات خدماتی) را در بر می‌گیرد.

عنوان	روایات
۹) خلف وعده، نشانه نفاق	امیرالمؤمنین علیه السلام : شَرُّ الْأَخْلَاقِ الْكَذِبُ وَ النَّفَاقُ. غررالحکم و دررالکلم/ص ۴۰۹ بدترین خصلت‌ها دروغ‌گوئی و نفاق است.
	وجه مشترک دروغ‌گویی و نفاق، این است که حق را باطل جلوه می‌دهیم؛ خلف وعده نیز همین‌طور است.

عنوان	روایات
(۱۰) اثر اجتماعی خلف وعده	دانش آموزی که به خود اجازه بدهد عهد و پیمانش را در قبال دوست و همکلاسی اش بشکند وقتی بزرگ شود، همین جواز به عهدشکنی را نسبت به جامعه‌ی پیرامون خود می‌دهد. در چنین جامعه‌ای سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و پایه‌های آن فرو می‌ریزد.
عنوان	روایات
(۱۱) اثر خلف وعده در ضعف ایمان	امیرالمؤمنین علیه السلام: وفا به عهد نشانه‌ی ایمان است. غررالحکم/ح ۵۲۹۱
	پیامبر صلی الله علیه و آله: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَفِ إِذَا وَعَدَ. کافی/ج ۲/ص ۳۶۴ کسی که به خدا و معاد ایمان دارد، اثر و نشانه اش این است که وقتی وعده کرد، باید وفا کند.
	قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام رَجُلٌ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ إِنْ حَدَّثَ كَذَبَ وَإِنْ وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِنْ أَوْثَمَنَ خَانَ مَا مَنَزِلَتُهُ قَالَ هِيَ أَدْنَى الْمَنَازِلِ مِنَ الْكُفْرِ وَلَيْسَ بِكَافِرٍ. بحار/ج ۶۹/ص ۱۰۶ یزید صائغ گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی چنین حالت دارد که اگر حرف بزند دروغ می‌گوید، اگر وعده دهد خلاف می‌کند، و اگر امین قرار داده شود خیانت می‌کند، این شخص چه منزلتی دارد؟ امام علیه السلام فرمود: این حالت نزدیک‌ترین حالت‌ها به کفر است ولی چنین کسی کافر نیست.

عنوان	روایات
(۱۲) وفای به عهد نسبت به ائمه علیهم السلام	امام رضا علیه السلام : إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةُ قُبُورِهِمْ. کافی/ج ۴/ص ۵۶۷ هر امامی عهدی بر گردن دُستان و شیعیان خود دارد و از [مصادیق] به اتمام رساندن وفای به عهد و نیکو ادا کردن [این حق]، زیارت قبرهای آنانست.

عنوان	روایات
(۱۳) وعده‌های الهی	اموری که مصداق وعده‌ی الهی باشند، وقوعشان از قبیل ضروریات عقلی است. علّت این امر، قبح عقلی خلف وعده است که شامل وعده‌های الهی هم می‌شود.

هدف: امانت‌داری (ضدّ خیانت)

عنوان	روایات
(۱) تپه عقی به وجوب امانت‌داری	امام صادق علیه السلام: ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ فِيهِنَّ رَخْصَةً... أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ. الخصال/ج ۱/ح ۱۲۸ سه چیز است که خدا به هیچ کس اجازه مخالفت در آن نداده است... امانت را پس دادن به نیکوکار و بدکردار.
	لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سُجُودِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ اعْتَادَهُ فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِدَلِكَ وَ لَكِنْ انْظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَ أَدَاءِ أَمَانَتِهِ. الكافي/ج ۲/ص ۱۰۵ به طول رکوع و سجود فرد نگاه نکنید! چرا که این چیزی است که به آن عادت کرده است و اگر آن را ترک کند، بدین خاطر به وحشت می‌افتد. بلکه به راستی گفتار و ادای امانت او بنگرید!
عنوان	روایات
(۲) میزان فرار دادن خود در میان قبیح خیانت در امانت	امیرالمؤمنین علیه السلام: فَأَحَبُّ لَغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ أَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا. نهج البلاغه (للصّبحی صالح) / ص ۳۹۷ پس آنچه برای خود دوست می‌داری برای جز خود دوست مدار. و آنچه تو را خوش نیاید برای او ناخوش بشمار.

عنوان	روایات
(۳) توجه به لذت امانت‌داری	-

عنوان	روایات
(۴) ارتباط بین خیانت در امانت و استکبار	خائن، دیگران را آدم حساب نکرده و از اعتماد آنان سوءاستفاده می‌کند، وگرنه حقّ آن‌ها را پایمال نمی‌کرد. باید خودمان را طرف مخاطب فرد دروغ‌گو یا خائن در امانت قرار دهیم، آنگاه می‌یابیم که عمل آن‌ها، مصداق استکبار و حقیقت کفر (پوشاندن حق) است. وقتی از رفتار آن‌ها دردمان بیایید، قبحش را بیشتر وجدان می‌کنیم.

عنوان	روایات
(۵) توجه به گسردگی دامنه امانت	شیخ صدوق می‌فرمایند: اما خیانت، درامور زیادی غیر از خیانت مالی داخل می‌شود: از جمله‌ی آن‌ها این است که بر ناموسی امین داشته شود و در مورد آن، ادای امانت نکند و از جمله‌ی آن‌ها این است که رازی نزد وی به ودیعه نهاده شود که اگر آن را افشا نماید موجب هلاکت امانت‌گزار [راز] یا ننگ وی باشد و از جمله‌ی آن‌ها این است که بر داوری میان دو نفر یا بیشتر امین داشته شود اما عادلانه رفتار نکند... از جمله‌ی آن‌ها این است که شهادتی را کتمان کند و از جمله‌ی آن‌ها این است که طرف مشورت قرار گیرد و عمداً بر خلاف مسیر درست مشورت دهد و مانند این موارد. معانی‌الاکهار/۲۰۹

عنوان	روایات
۶) مصداق امانت (مسئولیت)	اگر من مسئولیتی را پذیرفتم، باید به همان اندازه که برای نفع شخصی‌ام نگرانی دارم، برای خوب انجام دادن آن مسئولیت هم نگرانی داشته باشم و برایم مهم باشد، وگرنه خیانت کرده‌ام.
عنوان	روایات
۷) مصداق امانت (اسرار مردم)	امام صادق علیه السلام : لَا يَكُونُ الْأَمِينُ أَمِينًا حَتَّى يُؤْتَمَنَ عَلَى ثَلَاثَةٍ فَيُؤَدِّيَهَا: عَلَى الْأَمْوَالِ وَ الْأَسْرَارِ وَ الْفُرُوجِ وَ إِنْ حَفِظَ اثْنَيْنِ وَ ضَيَّعَ وَاحِدَةً فَلَيْسَ بِأَمِينٍ. تحف العقول / النص / ص ۳۱۶ کسی امین شمرده نمی‌شود مگر اینکه در امانتی که به او سپرده می‌شود، در سه مورد آن را به صاحبش رساند: اموال، اسرار، فروج. اگر دو تا را حفظ کرد و در یکی خیانت کرد امین نیست.
عنوان	روایات
۸) مصداق امانت (آبروی خود)	حتّی خود اعتماد دیگران به من، امانت و لطف خداست که به ما آبرو (ماء الوجه) داده است و دیگران به ما اعتماد می‌کنند.

عنوان	روایات
«...بیشتر، چنانچه...» (۹) مصداق امانت (نعمت های الهی) (۱۰) مصداق امانت (کلمات)	إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا. اسراء/۳۶ همانا گوش و چشم و دل موردِ بازخواست اند.
	امام صادق (علیه السلام): الامانه حفظ اللسان و العين و الفرج و القلب. مستدرک الوسائل/۱۱/۱۵۴ امانت داری، حفظ زبان و چشم و دامن و قلب است.
	امیرالمؤمنین (علیه السلام): المؤمن امین علی نفسه. غررالحکم/ص ۱۲۸ مؤمن امانت دار جان خویش است.

عنوان	روایات
(۱۰) مصداق امانت (کلمات)	پیامبر (صلی الله علیه و آله): الْعِلْمُ وَدِيعَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ الْعُلَمَاءُ أَمَنَّاؤُهُ عَلَيْهِ، فَمَنْ عَمِلَ بِعِلْمِهِ أَدَّى أَمَانَتَهُ، وَ مَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ كُتِبَ فِي دِيْوَانِ اللَّهِ مِنَ الْخَائِنِينَ. بحار/ج ۷۴/ص ۱۶۶ علم و دِيعه‌ی خداوند در زمین است و عالمان امانت دارهای آن هستند. پس هر که به علمش عمل کند، امانتِ او (خدا) را ادا کرده و هر کس به علمش عمل نکند، [نامش] در دفتر خدا جزء خیانت کننده‌ها نوشته می‌شود.

عنوان	روایات
(۱۱) مصادیق خیانت (قضاوت نادرست)	گاهی دیگران به دلیل ریش سفید بودن یا موقعیت یا ریاست و خلاصه آبرویی که خدا به ما داده به ما رجوع می‌کنند، این جاست که باید مراقب باشیم دچار خیانت در امانت نشویم.
عنوان	روایات
(۱۲) مصادیق خیانت (بدون صلاحیت مشورت دادن)	انسان با ایمان هرگز خود را در همه زمینه‌ها، صاحب نظر نمی‌داند.

عنوان	روایات
(۱۳) مصداق خیانت (مصادات باطل)	کتمان شهادت وقتی اتفاق می افتد که از کسی می خواهند در جایی گواهی به حق و حقوقی بدهد، ولی او طفره می رود و بهانه می آورد.
عنوان	روایات
(۱۴) مصداق خیانت نسبت به ناموس دیگران	يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ. غافر/ ۱۹ خداوند از خیانت چشم‌ها و آنچه دل‌ها مخفی می‌کنند آگاه است. ذیل این آیه امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: الم تر الى الرجل ينظر الى شيء و كانه لا ينظر اليه فذلك خائنه الاعين. معانی الاخبار/ ۱۴۷ دیده‌ای که گاه فرد به چیزی طوری می‌نگرد که انگار به آن نگاه نمی‌کند؟! این همان نگاه‌های خائنه است.

عنوان	روایات
۱۵) مصداق خیانت در بیت المال	وظیفه معلم دینی، وظیفه پدر و مادر است که برای بچه‌ها از همان سنی که امور دینی و احکام دین را یاد می‌گیرند، توضیح دهند که اگر بعدها به موقعیتی رسیدند، از موقعیت خود سوءاستفاده نکنند. مثلاً ممکن است مسلط بر بیت المال شوند و برای خود وجوه به ظاهر شرعی نه شرعی (چون شرع این اجازه را نمی‌دهد) قائل شوند.
عنوان	روایات
۱۶) اسلام، امانتی بزرگ	امام صادق علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ارْتَضَى لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَأَحْسِنُوا صُحْبَتَهُ بِالسَّخَاءِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ. الکافی / ج ۲ / ص ۵۶ خدای عز و جل اسلام را دین شما پسندید، پس بسبب سخاوت و خلق نیکو با آن نیکو معاشرت کنید.

عنوان	روایات
(۱۷) تأثیر خیانت در ایمان	قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام رَجُلٌ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ إِنْ حَدَّثَ كَذَبَ وَإِنْ وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِنْ أَوْثَمَنَ خَانَ مَا مَنَزِلَتُهُ قَالَ هِيَ أَذْنَى الْمَنَازِلِ مِنَ الْكُفْرِ وَلَيْسَ بِكَافِرٍ. بحار/ج ۶۹/ص ۱۰۶ یزید صائغ گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: مردی چنین حالت دارد که اگر حرف بزند دروغ می گوید، اگر وعده دهد خلاف می کند، و اگر امین قرار داده شود خیانت می کند، این شخص چه منزلتی دارد؟ امام عليه السلام فرمود: این حالت نزدیکترین حالتها به کفر است ولی چنین کسی کافر نیست.
	کسی که سه خصلت خلف وعده، دروغ و خیانت در امانت داشته باشد مسلمان نیست، هرچند خود را مسلمان بداند.
عنوان	روایات
(۱۸) محبت و ولایت معصومین علیهم السلام ، امانتی با ارزش	أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، وَ... وَالْآيَةُ الْمَخْرُونَةُ، وَالْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ. من لا يحضره الفقيه ج ۲/ص ۶۱۳ شماستید آن مستقیم ترین راه بسوی خدا... و آیت اندوخته، و امانت محفوظ.

عنوان	روایات
۱۹ خیانت به خدا و رسول ﷺ	لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ . انفال / ۲۷ به خدا و پیامبر خیانت نکنید، و به امانت های میان خود هم خیانت نورزید.
	امام باقر علیه السلام : خیانه الله و الرسول معصيتها و اما خیانه الامانه فكل انسان مامون على ما افترض الله عليه. تفسیر القمی / ج ۱ / ص ۲۷۲ خیانت به خدا و رسول، معصیت و نافرمانی آن دو است و اما خیانت در امانت پس هر انسانی نسبت به آنچه که خداوند بر وی واجب فرموده، امانت دار است.

عنوان	روایات
۲۰ شناخت الگوهای امانت داری	امام صادق علیه السلام : ...انْظُرْ مَا بَلَغَ بِهِ عَلِيٌّ عليه السلام عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَالْزَمَهُ فَإِنَّ عَلِيًّا عليه السلام إِنَّمَا بَلَغَ مَا بَلَغَ بِهِ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ.. کافی / ج ۲ / ص ۱۰۴ ...بنگر علی علیه السلام به چه واسطه ای نزد رسول خدا ﷺ به آن مقام ویژه رسیده است؟ پس به همان ملتزم باش. چرا که امیرالمومنین علیه السلام تنها با راستگویی و ادای امانت بود که به آن جایگاه نزد رسول خدا ﷺ دست یافت.

هدف: احسان به غیر (ضدّ پر توقّعی)

عنوان	روایات
۵. تَبَه قَلْبِي نِسْبَتِي حسن احسان	امیرالمؤمنین علیه السلام : رَأْسُ الْإِيمَانِ الْإِحْسَانُ إِلَى النَّاسِ. غَرَرِ الْحُكْمُ / ج ۱ / ص ۳۷۸ سر ایمان احسان کردن با مردم است.
	الْإِنْسَانُ عَبِيدُ الْإِحْسَانِ. بحار الأنوار / ج ۷۱ / ص ۱۱۷ انسان، بنده احسان است.
عنوان	روایات
۲. معیار قرار دادن خود در تنبیه به حسن احسان	امیرالمؤمنین علیه السلام : أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ وَ لَا تَظْلِمَ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ. نهج البلاغه / نامه ۳۱ همان طوری که دوست داری به تو احسان شود، خودت نیز احسان کن.
	امیرالمؤمنین علیه السلام : اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ، فَأَحْبِبْ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا. نهج البلاغه / نامه ۳۱ نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار، و آنچه را که برای خود نمی پسندی، برای دیگران می پسند.
	امیرالمؤمنین علیه السلام : وَاسْتَفْبِحْ لِنَفْسِكَ مَا تَسْتَفْبِهُ مِنْ غَيْرِكَ، وَارْضَ مِنَ النَّاسِ مَا تَرْضَى لَهُمْ مِنْكَ. نهج البلاغه / نامه ۳۱ آنچه از مردم به تو می رسد و خشنودت می سازد، سزاوار است که از تو نیز به مردم همان رسد.

عنوان	روایات
۳ احسان بدون توقع جبران	امیرالمؤمنین علیه السلام: إِنْ مَكْرَمَةً صَنَعْتُهَا إِلَى أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِنَّمَا أَكْرَمْتُ بِهَا نَفْسَكَ وَ زِينَتُ بِهَا عِرْضَكَ فَلَا تَطْلُبْ مِنْ غَيْرِكَ شُكْرَ مَا صَنَعْتَ إِلَى نَفْسِكَ. غرر الحكم / ص ۲۳۲ خودت را به وسیله آن گرامی داشته‌ای و بزرگ دانسته‌ای و آبروی خودت را با انجام دادن این بزرگواری زینت بخشیده‌ای. پس، چرا از غیر خودت، سپاسگزاری نسبت به آنچه برای خودت انجام داده‌ای را طلب می‌کنی؟!
	عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ: مَنْ عَلِمَ أَنَّ مَا صَنَعَ إِنَّمَا صَنَعَ لِنَفْسِهِ لَمْ يَسْتَيْطِئِ النَّاسُ فِي بَرِّهِمْ وَلَمْ يَسْتَزِدَّهُمْ فِي مَوَدَّتِهِمْ فَلَا تَطْلُبَنَّ مِنْ غَيْرِكَ شُكْرَ مَا آتَيْتَهُ إِلَى نَفْسِكَ وَ وَقَّيْتَ بِهِ عِرْضَكَ. بحار الأنوار / ج ۷۲ / ص ۴۲ کسی که بداند آنچه از خوبی برای دیگران انجام می‌دهد، در درجه‌ی اول خوبی به خودش هست، دیگر به دنبال تشکر دیگران نخواهد بود. در این صورت روح احسان به دیگران را احسان به خود می‌بیند و در این حالت دیگران را ابزاری برای احسان کردن به خود. این نگرش رابطه‌ها را لطیف و تعامل را دوستانه و دلپذیر می‌کند.

عنوان	روایات
۴) سبک‌آرای و جبران احسان	عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُكْفَرًا لَا يُشْكُرُ مَعْرُوفُهُ وَلَقَدْ كَانَ مَعْرُوفُهُ عَلَى الْقُرَشِيِّ وَالْعَرَبِيِّ وَالْعَجَمِيِّ وَمَنْ كَانَ أَكْثَرُ مَعْرُوفًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى هَذَا الْخَلْقِ وَكَذَلِكَ نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ مُكْفَرُونَ لَا يُشْكِرُونَنَا وَخِيَارُ الْمُؤْمِنِينَ مُكْفَرُونَ لَا يُشْكِرُ مَعْرُوفُهُمْ. علل الشرائع / جلد ۲ / صفحه ۵۶۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پنهان شده بود و از معروف و حسن فعلش تشکر و قدردانی نمی‌شد در حالی که بر قرشی و عربی و عجمی افعال حسن و کردار پسندیده‌اش جاری و آشکار بوده و چه کسی را می‌توان یافت که نیکو کردارتر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر خلائق باشد؟
	أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ مُكْفَرٌ وَ ذَلِكَ أَنَّ مَعْرُوفَهُ يَصْعَدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فَلَا يَنْتَشِرُ فِي النَّاسِ وَ الْكَافِرَ مَشْهُورٌ وَ ذَلِكَ أَنَّ مَعْرُوفَهُ لِلنَّاسِ يَنْتَشِرُ فِي النَّاسِ وَ لَا يَصْعَدُ إِلَى السَّمَاءِ. علل الشرائع / جلد ۲ / صفحه ۵۶۰ مؤمن پنهان است زیرا محاسن و خوبی‌های او را نزد حق تعالی می‌برند و در نتیجه بین مردم منتشر نمی‌گردد و آنها او را نمی‌شناسند و کافر مشهور و معروف است زیرا اعمال خوبش برای مردم است و بین آنها منتشر می‌باشد و به آسمان برده نمی‌شوند.

عنوان	روایات
۴) سپاسگزاری و جبران احسان	قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَفْضَلُ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةً وَأَقْرَبُهُمْ مِنَ اللَّهِ وَسِبِيلَهُ الْمُحْسِنُ يُكَفِّرُ إِحْسَانَهُ. بحار الأنوار/ ج ۷۲ / ص ۴۴ برتر مردم در مقام به درگاه خدا نیکوکاریست که احسانش ناسپاسی شود.
	امام صادق علیه السلام: الْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. غرر الحکم/ ج ۱ / ص ۲۶۵ عمل خالص، عملی است که نمیخواهی که جز خدای عز و جل کسی از تو سپاسگزاری کند.
عنوان	روایات
۵) احسان در برابر اسائه	أنت المحسن و نحن المسيئون. مفاتيح الجنان، دعای ابو حمزه ثمالی

عنوان	روایات
(۶) ویژگی های انسان کریم و لئیم	امیرالمؤمنین علیه السلام: اللَّئِيمُ مَنْ كَثُرَ إِمْتِنَانُهُ. غرر الحکم و درر الکلم / ج ۱ / ص ۶۷ وقتی انسان لئیم محبت و احسان و لطفی در حق کسی می‌کند، بسیار منت می‌گذارد.
	امیرالمؤمنین علیه السلام: الْكَرِيمُ مَنْ صَانَ عَرَضَهُ بِمَالِهِ. غرر الحکم و درر الکلم / ج ۱ / ص ۱۲۵ کریم، کسی است که از آبروی خود، با مالش صیانت می‌کند.
	امیرالمؤمنین علیه السلام: بِكَثْرَةِ الْإِفْضَالِ يُعْرِفُ الْكَرِيمُ. غرر الحکم و درر الکلم / ۱ / ۳۰۴ کریم به بسیاری بخشش شناخته می‌شود.
	امیرالمؤمنین علیه السلام: الْكَرِيمُ يَغْفُو مَعَ الْقُدْرَةِ وَ يَعْدِلُ فِي الْأَمْرِ يَكْفُ إِسَاءَتَهُ يَبْدُلُ إِحْسَانَهُ. غرر الحکم و درر الکلم / ۱ / ۱۱۶ کریم وقتی قدرت دارد و مسلط است، عفو می‌کند و می‌گذرد و احسانش را بدل می‌کند. بی دریغ در اختیار دیگران می‌گذارد

روایات	عنوان
امیرالمؤمنین علیه السلام: الْكَرِيمُ يَرَى مَكَارِمَ أَعْمَالِهِ دَيْنًا عَلَيْهِ يَقْضِيهِ. غررالحکم و دررالکلم / ۱ / ۱۱۳ کریم ، نیکوکاری های خود را بدهی به گردن خود می داند که باید بپردازد.	۶ (و نیرگی های انسان کریم و لئیم
امیرالمؤمنین علیه السلام: اللَّئِيمُ يَرَى سَوَالِفَ إِحْسَانِهِ دَيْنًا لَهُ يَقْضِيهِ. غررالحکم و دررالکلم / ۱ / ۶۷، لئیم احسان های گذشته خود را بدهی به گردن دیگران می داند که باید پس بگیرد.	
امام حسن علیه السلام: الْكَرْمُ فَالْتَّبَرُّعُ بِالْمَعْرُوفِ كَرَمٌ، آن است که انسان کار خیر را تبرعاً انجام دهد. تبرعاً، یعنی طرف مقابل طلبی از انسان نداشته باشد.	

عنوان	روایات
آفت احسان عجب، ۷	عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يُزَيَّنُ لِلْعَبْدِ سُوءُ عَمَلِهِ فَيَرَاهُ حَسَنًا فَيُعْجِبُهُ وَ يَحْسَبُ أَنَّهُ يُحْسِنُ صُنْعًا». کافی/ج ۲/ص ۳۱۳ کردار زشت بنده بنظرش جلوه کند و آن را خوب پندارد و از آن خوشش آید و گمان کند کار خوبی می‌کند.
	عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَ مِنْهَا أَنْ يُؤْمِنَ الْعَبْدُ بِرَبِّهِ فَيَمُنَّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِيهِ الْمُنُّ. کافی/ج ۲/ص ۳۱۳ بنده به پروردگارش ایمان آورد و بر خدای عز و جل منت گذارد، در صورتی که خدا را بر او منت است.
	امام صادق علیه السلام: مَنْ دَخَلَ الْعُجْبُ هَلَكَ. کافی/ج ۲/ص ۳۱۳ عجب، انسان را هلاک می‌کند.
عنوان	روایات
احسان به والدین ۸	امام صادق علیه السلام: الْإِعْصَانُ أَنْ تُحْسِنَ صُحْبَتَهُمَا وَ أَنْ لَا تُكَلِّفَهُمَا أَنْ يَسْأَلَكَ شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجَانِ إِلَيْهِ. کافی/ج ۲/ص ۱۵۷ احسان به والدین، این است که مصاحبت و همنشینی نیکو با آن‌ها داشته باشی. و طوری عمل نکنی که مجبور شوند آن چه احتیاج دارند را از تو درخواست کنند.

عنوان	روایات
۹ احسان خدا	در دعایی که بعد از نماز زیارت امام رضا علیه السلام در مشهد می خوانیم، آمده است: جَلَلَتْ أَنْ يُخَافُ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلَ وَأَنْ يُرْجَى مِنْكَ إِلَّا الْإِحْسَانُ وَالْفَضْلَ. خدایا، تو بزرگی که عدلت، موجب خوف است، اما آنچه موجب رجاء می شود، احسان و فضل توست. یا محسن بحق الحسن علیه السلام یا قدیم الاحسان بحق الحسین علیه السلام بحار الانوار/ ج ۴۴/ ص ۲۴۵
عنوان	روایات
۱۰ احسان پیامبر و معصومین علیهم السلام	عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ. من لا يحضره الفقيه/ ج ۲ / ۶۱۶ عادتتان احسان و خویتان کرم است.

هدف: پرهیز از قول به غیر علم

عنوان	روایات
(۱) تنبه عقلی به قبیح قول بدون علم	خیلی وقت‌ها مردم نسبت به چیزی که علم ندارند حرف می‌زنند. این می‌شود حرف زدن از روی جهل و نادانی. توجه شود که منظور از علم، شهود و وجدان است. وقتی علم داریم که مطلبی را واقعاً دیده باشیم و نسبت به درستی آن کاملاً روشن و آگاه باشیم.

عنوان	روایات
(۲) معیار قرار دادن خود، در درک قبیح قول به غیر علم	امیرالمؤمنین (علیه السلام): اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ. فَأَحِبِّ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا. نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار، و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران مپسند. نهج البلاغه (للصباحی صالح) / ۳۹۷ / ۳۱

عنوان	روایات
۴ نشانه‌های جاهل	امام صادق علیه السلام: مَنْ أَخْلَقَ الْجَاهِلُ الْإِجَابَةَ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَ الْمُعَارَضَةَ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ وَ الْحُكْمَ بِمَا لَا يَعْلَمُ. بحار/ج ۲/ص ۶۲ از اخلاق نادان اینست که قبل از شنیدن جواب میدهد و شروع به دفاع می‌کند پیش از آنکه مطلب را بفهمد و داوری می‌کند بدون اطلاع.
	امیرالمؤمنین علیه السلام: إِنَّ الْجَاهِلَ مَنْ عَدَّ نَفْسَهُ بِمَا جَهِلَ مِنْ مَعْرِفَةِ الْعِلْمِ عَالِمًا. بِرَأْيِهِ مُكْتَفِيًا. فِيمَا يَزَالُ مِنَ الْعُلَمَاءِ مُبَاعِدًا وَ لَمِنْ خَالَفَهُ مُخْطِئًا. إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ مِنَ الْأَمْرِ مَا لَا يَعْرِفُهُ أَنْكَرَهُ. وَ قَالَ بِجَهَالَتِهِ مَا أَعْرَفَ هَذَا وَ مَا أَرَاهُ كَانَ وَ مَا أَظُنُّ أَنْ يَكُونَ وَ أَنَّى كَانَ. وَ لَا أَعْرِفُ ذَلِكَ لِثَقَلِهِ بِرَأْيِهِ وَ قِلَّةِ مَعْرِفَتِهِ بِجَهَالَتِهِ فِيمَا يَلْتَبِسُ عَلَيْهِ رَأْيُهُ وَ مِمَّا لَا يَعْرِفُ لِلْجَهْلِ مُسْتَفِيدًا وَ لِلْحَقِّ مُنْكَرًا وَ فِي اللَّجَاجَةِ مُتَجَرِّبًا وَ عَنْ طَلَبِ الْعِلْمِ مُسْتَكْبِرًا. بحار/ج ۷۴/ص ۲۰۳ اما جاهل کسی است که خود را دانشمند بشمارد و بر اندیشه‌ی خود اعتمادکننده است، همیشه برای دانشمندان تبعیدکنندگانند و بر آنان عیب‌گیرندگانه‌اند - و برای کسی که مخالفت دانشمندان را کند گناه است و برای کسی که کارها را نشناخته گمراهی است. پس هر گاه وارد شود بر نادان چیزی که نمی‌داند انکار می‌کند و نسبت دروغ می‌دهد و با نادانی خود می‌گوید: من این را نه فهمیدم و نه می‌بینم که چنین چیزی را و گمان نمی‌کنم که باشد اگر هست کجاست! این سخن بواسطه اعتمادش بر آیش و بی‌خبری از نادانیش باشد. رایش به آنچه که می‌بیند از آنچه بر او اشتباه می‌شود جدا نمی‌شود، برای نادانی خود استفاده‌ای نمی‌کند و حق را انکارکننده است و در نادانیش سرگردان و از آموختن دانش تکبر ورزد.

عنوان	روایات
(۴) راه دوری از قول به غیر علم	پیامبر ﷺ: أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. الأُمَالِي (للصدوق) / النص / ۲۱ داناترین مردم کسی است که علم دیگران را با علم خودش جمع کند.
	امیرالمؤمنین (علیه السلام): وَلَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ وَإِنْ قُلْ مَا تَعْلَمُ. نهج البلاغة / ج ۱ / ۳۹۱ آنچه را نمی دانی نگو، گر چه آنچه را می دانی اندک است.
عنوان	روایات
(۵) مصداق قول به غیر علم (قتل همه شنیده ها و خوانده ها)	امام حسن (علیه السلام): بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ أَرْبَعُ أَصَابِعَ فَمَا رَأَيْتُهُ بَعَيْنِكَ فَهُوَ الْحَقُّ وَقَدْ تَسْمَعُ بِأُذُنِكَ بِاطِلًا كَثِيرًا خصال / ج ۲ / ۴۴۰ میان حق و باطل چهار انگشت فاصله است. آنچه را به چشم خود بینی حق است و حال آنکه با گوش خود مطالب نادرست بسیار شنیده ای.
عنوان	روایات
(۶) برتری سکوت بر قول به غیر علم	عن ابی عبدالله (علیه السلام): قَالَ لِقْمَانُ لِابْنِهِ ۱ بُنَىٰ إِنْ كُنْتَ زَعَمْتَ أَنَّ الْكَلَامَ مِنْ فَضِّهِ فَإِنَّ السُّكُوتَ مِنْ ذَهَبٍ. کافی / ج ۲ / ص ۱۱۴ لقمان به پسرش گفت: پسر جان اگر خیال کنی سخن از است، بدان که خاموشی از طلا است.

هدف: پرهیز از عیب‌جویی دیگران (ضدّ غیبت، تهمت و بهتان)

عنوان	روایات
(۱) تَبَيَّنَ عَقْلِي بِهِ فَبَجَّيْتُ عَيْبِ جَوْبِي	این مسأله کاملاً وجدانی است که اگر ببینم دیگری معصیتی داشت، آن را لغزش بیندارم، همانند هزاران باری که خودم لغزش دارم. در این صورت، زبان به عیب جویی باز نمی‌کنم.
عنوان	روایات
(۲) میزان قرار دادن خود در درک فحش عیب جویی	امیرالمؤمنین (علیه السلام): وَلَا تَقُلْ مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ وَاسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبِحُهُ مِنْ غَيْرِكَ. نهج البلاغه (للصبحي صالح) // ص ۳۹۷ آنچه را دوست نداری به تو نسبت دهند، در باره دیگران مگو و آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار. امیرالمؤمنین (علیه السلام): اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ، فَأَحْبِبْ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَاكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا. نهج البلاغه (للصبحي صالح) / ۳ / ۳۹۷ نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار، و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران مپسند.

عنوان	روایات
(۳) قابل سرزنش نبودن افراد به خاطر تفاوت های جسمی و روحی	امام صادق علیه السلام: فَمَنْ لَمْ يَجْعَلْ فِيهِ إِلَّا عَشْرَ جُزْءٍ - لَمْ يَقْدِرْ عَلَى أَنْ يَكُونَ مِثْلَ صَاحِبِ الْعُشْرَيْنِ وَكَذَلِكَ صَاحِبُ الْإِثْنَيْنِ لَا يَكُونُ مِثْلَ صَاحِبِ الثَّلَاثَةِ الْأَعْشَارِ وَكَذَلِكَ مَنْ تَمَّ لَهُ جُزْءٌ لَا يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يَكُونَ مِثْلَ صَاحِبِ الْجُزْءَيْنِ. وَلَوْ عَلِمَ النَّاسُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ هَذَا الْخَلْقَ عَلَى هَذَا، لَمْ يَلْمُ أَحَدٌ أَحَدًا. کافی/ج ۲/ص ۴۴ پس کسی که فقط یک دهم جزء دارد، نمی تواند مانند کسی باشد که دودهم جزء دارد و صاحب دودهم مانند صاحب سه دهم نیست و همین طور کسی که یک جزء کامل دارد، نمی تواند مانند کسی باشد که دو جزء دارد. اگر مردم می دانستند که خدای عزوجل این خلق را به این صورت آفریده، هیچ کس دیگری را ملامت نمی کرد.

عنوان	روایات
(۴) ریشه و درمان عیب جوئی از دیگران	امیرالمؤمنین علیه السلام: طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ. بحار/ ج ۱/ ص ۱۹۹ خوشا بر کسی که باز دارد او را عیب خودش از عیوب مردم.

عنوان	روایات
(۵) وظیفه مؤمنان نسبت به هم در حفظ حرمت یکدیگر	عبدالله ابن سنان از امام صادق علیه السلام می پرسد: عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ قَالَعَ نَعَمْ قُلْتُ تَعْنِي سُفْلِيهِ قَالَ لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِنَّمَا هِيَ إِذَاعَةُ سِرِّهِ. کافی/ج ۲/ص ۳۵۹ عورت مؤمن بر مؤمن حرام است؟ می فرمایند بله. منظور، آن اعضای بدن او است؟ می فرمایند، نه؛ سر او را نباید فاش کنی.

عنوان	روایات
(۶) عیب جویی و نیت	ضرر بی آبرویی بدتر و سنگین تر از ضررهای بدنی است. متأسفانه ما این گونه به مسائل نگاه نمی کنیم. مثلاً اگر دست کسی را بشکنیم، فکر می کنیم جنایتی مرتکب شده ایم. اما اگر آبروی او را در غیابش ببریم، حتی ناراحت هم نمی شویم!

عنوان	روایات
بہتان و عیب جوئی (۸)	بہتان این است کہ امری کہ مسلماً دروغ است بہ کسی نسبت دہیم.

عنوان	روایات
تہمت و عیب جوئی (۸)	اگر انسان فعلی را بہ کسی منتسب کند، در حالی کہ آن عمل را خود ندیدہ باشد و تنها بر اساس نقل، گمان یا استنباط، چنین نسبتی را دادہ باشد، مرتکب تہمت شدہ است.

عنوان	روایات
۹) پرهیز از ملامت گناهکاران	امیرالمؤمنین علیه السلام: إِنَّمَا يَنْبَغِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَالْمَصْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ أَنْ يَرْحُمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَالْمَعْصِيَةِ وَ يَكُونَ الشُّكْرُ هُوَ الْغَالِبَ عَلَيْهِمْ وَ الْحَاجَزَ لَهُمْ عَنْهُمْ. نهج البلاغه / خطبه ۱۴۰ سزاوار است کسانی را که از معاصی دوری گزیده‌اند و خداوند نعمت پرهیز از گناهان را بآنها بخشیده، به گناهکاران و کسانی که زیر بار فرمان خدا و رسول نمی‌روند، مهربانی کنند و سزاوار است که شکرو سپاسگزاری بر آنها مسلط باشد و مانع گردد از اینکه از گناهکاران غیبت کنند.

عنوان	روایات
۱۰) دور بودن عیجو از حسن خلق	کلام انسان خوش خو همواره با احترام و تکریم مؤمنان همراه است. کلام او آینه‌ی حُسن اخلاق اوست. تحقیر و بی‌حرمتی نسبت به مؤمنان در قاموس انسان خلیق جایی ندارد.

عنوان	روایات
(۱) پرهیز از نسبت به برادر دشمن	امام صادق علیه السلام : لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ مُؤْمِنٍ عَمَلًا وَهُوَ مُضْمَرٌ عَلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ سُوءًا. کافی/ج ۲/ص ۳۶۱ خدا از هیچ مؤمنی هیچ عملی (هر دو نکره است) را قبول نمی کند در حالی که در باطن و قلب خود قصد سوئی نسبت به برادر مؤمنش دارد.

عنوان	روایات
(۱۲) عواقب دنیوی عیب جوی از دیگران	مَنْ حَقَّرَ مُؤْمِنًا مُسْكِينًا أَوْ غَيْرَ مُسْكِينٍ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَاقِرًا لَهُ مَا قَتَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ مَحَقَّرَتِهِ إِلَّا هُ. کافی/ج ۲/ص ۳۵۱ هر که مؤمن مستمند یا غیر مستمندی را خوار شمارد، پیوسته خدا عز و جل او را خوار و دشمن دارد تا از خوار شمردن آن مؤمن برگردد

عنوان	روایات
(۱۳) عواقب اخروی عیب جویی از دیگران	امام صادق علیه السلام : أَبْعَدُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ يُوَاخِي الرَّجُلَ وَهُوَ يَحْفَظُ عَلَيْهِ زَلَّاتِهِ لِئَعْيَرَهُ بِهَا يَوْمًا مَا. کافی/ج ۲/ص ۳۵۵ دورترین وضع بنده از خدا این است که مردی با مردی برادر دینی باشد و خطاهای او را بر او نگهداری کند تا روزی او را بدانها سرزنش کند.
	امام صادق علیه السلام : لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَحَدٍ عَمَلًا فِي تَثْرِيبٍ عَلَى مُؤْمِنٍ نَصِيحَةً. کافی/ج ۸/ص ۳۶۵ خداوند عز و جل از احدی عملی را نمی پذیرد در تثریب بر مؤمن از روی خیرخواهی.
	امام صادق علیه السلام : مَنْ رَوَى عَلَى مُؤْمِنٍ رَوَايَةً يُرِيدُ بِهَا شَيْنَهُ لِيَسْقُطَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ وَلَايَتِهِ إِلَى وَلَايَةِ الشَّيْطَانِ فَلَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ. وافی/ج ۵/ص ۹۷۶ اگر کسی چیزی را به ضرر مؤمنی نقل بکند، می خواهد او را از چشم مردم بیاندازد خدا او را از ولایت خود بیرون می اندازد و به سمت ولایت شیطان پرت می کند. آن وقت شیطان هم این فرد را قبول نمی کند.
عنوان	روایات
(۱۴) کسب رضایت خدا و اهل بیت علیهم السلام با پرهیز از عیب جویی	برای رضای خاطر امام عصر علیه السلام ، در زمان غیبتشان حقوق مؤمنین بر یکدیگر را باید بیشتر رعایت کنیم.

هدف: حیا (ضدّ وقاحت)

عنوان	روایات
(۱) تنه عقلی به حسن حیا و فحش حیایی	امیرالمؤمنین علیه السلام: جبرئیل بر آدم علیه السلام نازل شد و گفت: یا آدَمُ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أُخَيِّرَكَ وَاحِدَةً مِنْ ثَلَاثٍ فَاخْتَرْ وَاحِدَةً وَ دَعِ اثْنَتَيْنِ فَإِنِّي قَدْ اخْتَرْتُ الْعَقْلَ فَقَالَ جَبْرَائِيلُ لِلْحَيَاءِ وَ الدِّينِ انْصَرَفَا إِنَّا أُمِرْنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ الْعَقْلِ. کافی / ج ۱ / ص ۱۰ ای آدم من مأمورم تو را میان سه چیز مخیر سازم تا یکی را برگزینی و دو تا را وانهی، آدم گفت: ای جبرئیل آن سه چیز کدامند؟ گفت: عقل و حیا و دین، آدم گفت: عقل را برگزیدم، جبرئیل به حیا و دین گفت: شما برگزیدید و او را وانهید، گفتند: ای جبرئیل، ما دستور داریم که همراه عقل باشیم.
	امیرالمؤمنین علیه السلام: اعقل الناس احيا هم. غرر الحكم / ح ۵۴۴۰ عاقل ترین مردم باحیایترین ایشان است.
	امام صادق علیه السلام: أَنْظِرْ يَا مُفَضِّلُ إِلَى مَا خُصَّ بِهِ الْإِنْسَانُ دُونَ جَمِيعِ الْحَيَوَانِ مِنْ هَذَا الْخَلْقِ الْجَلِيلِ قَدْرُهُ الْعَظِيمُ غَنَاؤُهُ أَغْنَى الْحَيَاءَ. توحید مفضل / ج ۱ / ص ۷۹ ای مفضل! در آنچه که خداوند جلیل القدر و عظیم الغناء در میان آفریدگان تنها انسان را به آن آراست بنگر. مقصودم «حیا» ست.

عنوان	روایات
(۲) حیا و احساس خجالت	پیامبر ﷺ: الْحَيَاءُ حَيَاءَانِ، حَيَاءُ عَقْلٍ وَ حَيَاءُ حُمْقٍ فَحَيَاءُ الْعَقْلِ هُوَ الْعِلْمُ وَ حَيَاءُ الْحُمْقِ هُوَ الْجَهْلُ. کافی/ ج ۲/ ص ۱۰۶ حیاء دو حیاء است: یکی حیاء خردمندانه و یکی حیاء احمقانه، حیاء خردمندانه دانش است و حیاء احمقانه همان نادانی است.
	پیامبر ﷺ: الْحَيَاءُ عَلَى وَجْهَيْنِ فَمِنْهُ الضَّعْفُ وَ مِنْهُ قُوَّةٌ وَ إِسْلَامٌ وَ إِيمَانٌ قر ب الاسناد/ ج ۱/ ص ۴۶ بعضی از خجالت کشیدن‌ها، به خاطر ضعف است یک مدل حیا هم داریم که از قدرت است.
	امیرالمؤمنین (علیه السلام): مَنْ اسْتَحْيَى مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ فَهُوَ أَحْمَقُ. عیون الحکم/ ج ۱/ ص ۴۴۰ کسی که از بر زبان آوردن حرف حق خجالت بکشد، احمق است.

عنوان	روایات
۳) توجه به خداوند، انگیزه‌ی اصلی برای حیا	يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ غَافِرٌ / ۱۹ اوست که از نگاه‌های دزدیده و راز سینه‌ها خبر دارد.

عنوان	روایات
۴) حیا از فائز ان محترم (خداوند)	رَوَى أَنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَاءَهُ رَجُلٌ وَقَالَ أَنَا رَجُلٌ عَاصٍ وَلَا أَصْبِرُ عَنِ الْمَعْصِيَةِ فَعِظْنِي بِمَوْعِظَةٍ فَقَالَ عِ افْعَلْ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ فَأَوَّلُ ذَلِكَ لَا تَأْكُلْ رِزْقَ اللَّهِ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ وَ الثَّانِي أَخْرِجْ مِنْ وَلَايَةِ اللَّهِ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ وَ الثَّلَاثُ اِطْلُبْ مَوْضِعًا لَا يَرَاكَ اللَّهُ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ وَ الرَّابِعُ إِذَا جَاءَ مَلِكُ الْمَوْتِ لِيَقْبِضَ رُوحَكَ فَادْفَعْهُ عَنْ نَفْسِكَ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ وَ الْخَامِسُ إِذَا أَدْخَلَكَ مَالِكٌ فِي النَّارِ فَلَا تَدْخُلْ فِي النَّارِ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ. بحارالانوار/ج ۷۵/ص ۱۲۶ روایت شده که مردی خدمت حضرت حسین علیه السلام رسیده گفت من شخصی گناهکارم که نمیتوانم خود را از معصیت نگه دارم مرا پند و اندرزی بده فرمود پنج کار را انجام مده بعد هر گناهی مایلی بکن: اول از رزق روزی خدا نخور هر گناهی مایلی بکن. دوم از ولایت خدا خارج شو هر گناهی می‌خواهی بکن. سوم جایی را پیدا کن که خدا ترا نبیند هر چه می‌خواهی بکن. چهارم وقتی ملک الموت برای قبض روح تو آمد جلوگیری از او بکن هر گناهی می‌خواهی بکن. پنجم وقتی مالک دوزخ ترا داخل جهنم کرد داخل نشو هر گناهی مایلی انجام ده.
	امیرالمؤمنین علیه السلام: أَفْضَلُ الْحَيَاءِ اسْتِحْيَاؤُكَ مِنَ اللَّهِ. عیون الحکم و المواعظ/ص ۱۱۲ افزون‌ترین حیا، حیا داشتنت از خداست.
	امام سجاد علیه السلام: خَفَ اللَّهُ تَعَالَى لِقُدْرَتِهِ عَلَيْكَ وَ اسْتَحْيَ مِنْهُ لِقُرْبِهِ مِنْكَ. الدَّرَّةُ الْبَاهِرَةُ/ج ۱/ ص ۲۵ از خداوند بترس چون بر تو قدرت دارد و از خداوند شرم داشته باش چون به تو نزدیک می‌باشد.

عنوان	روایات
(۵) حیات از ناظران معصوم (پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام)	وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ. توبه/۱۰۵ و بگو که هر عمل کنید خدا آن عمل را می بیند و هم رسول و مؤمنان بر آن آگاه می شوند.
	فَقَالَ لِي أَمَا تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ قَالَ هُوَ وَاللَّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. الكافي / ج ۱/ص ۲۱۹ امام باقر علیه السلام این آیه را یاد نمود و فرمود: بخدا که آن مؤمن علی بن ابی طالب علیه السلام است.
	امام صادق علیه السلام: آیا می پندارید که ما شما را در همه ی حالات نمی بینیم و صدای شما را نمی شنویم؟ این گونه بینش درباره ما غلط و این پندار باطل است. به خدا سوگند هیچ عملی از اعمال شما بر ما مخفی و پنهان نیست. پس همه ی ما را حاضر و ناظر اعمال خود بدانید و خویشتن را به کارهای پسندیده عادت دهید و اهل عمل به آن باشید. بحار الانوار/۴۶/۲۴۴

عنوان	روایات
(۶) جای از ناظران محترم (فرشتگان)	وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفَلَعُونَ. انفطار / ۱۰ - ۱۲ به درستی بر شما نگهبانانی گمارده شده است که مقامی بس ارجمند دارند و نویسنده‌ی (اعمال نیک و بد شما) می‌باشند. آنان می‌دانند که شما چه می‌کنید.
	پیامبر ﷺ: صَاحِبُ الْيَمِينِ أَمِيرٌ عَلَى صَاحِبِ الشَّيْطَانِ، فَإِذَا عَمِلَ الْعَبْدُ السَّيِّئَةَ قَالَ صَاحِبُ الْيَمِينِ لِصَاحِبِ الشَّيْطَانِ: لَا تَعْجَلْ وَانْظُرْهُ سَبْعَ سَاعَاتٍ، فَإِنْ مَضَى سَبْعَ سَاعَاتٍ وَلَمْ يَسْتَغْفِرْ قَالَ: أَكْتُبُ، فَمَا أَقَلَّ حَيَاءَ هَذَا الْعَبْدِ. الامالی (للطوسی) / ج ۱ / ص ۲۰۷ دو فرشته در طرف راست و چپ آدمی باشند فرشته‌ی طرف راست بر دست چپی ریاست دارد پس هر گاه بنده گناهی از او سر بزند دست راستی به دست چپی می‌گوید، شتاب مکن گناه او را تا هفت ساعت منویس مهلتش بده پس هر گاه هفت ساعت گذشت و آن بنده توبه نکرد می‌گوید بنویس که چقدر این بنده بی‌شرم است.
	امیر المؤمنین علیه السلام: بندگان خدا! ... بدانید حافظان راست‌گو، اعمال شما را ثبت می‌کنند و حتی شماره‌ی نفس‌های شما را ضبط می‌نمایند، نه ظلمت شب تاریک شما را از آن‌ها می‌پوشاند و نه درهای محکم و بسته شما را از آن‌ها پنهان می‌گرداند. نهج البلاغه / ح ۱۵۷
	امام صادق علیه السلام: بدان، به درستی که همراه تو فرشته‌ای بزرگوار است که بر تو گمارده می‌باشد و آن چه انجام می‌دهی ضبط و نگه‌داری می‌کند و بر امور پنهانی تو که از مردم مخفی می‌داری اطلاع دارد پس حیا کن. بحار الانوار / ۱۸۴/۷۱

عنوان	روایات
جای از مردم (۷)	امام عسکری علیه السلام: مَنْ لَمْ يَتَّقِ وُجُوهَ النَّاسِ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ. بحار الانوار / ج ۷۱ / ص ۳۳۶ هر که از مردم آبرومند، پروا ندارد، از خدا هم پروا ندارد.
	امام باقر علیه السلام: إِذَا دَعَتَكَ نَفْسُكَ إِلَى كَبِيرَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَارْمِ بِبَصَرِكَ إِلَى السَّمَاءِ فَإِنْ لَمْ تَخَفْ مِنْ فِيهَا فَانْظُرْ إِلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ لَعَلَّكَ أَنْ تَسْتَحْيِيَ مِمَّنْ فِيهَا فَإِنْ كُنْتَ لَا مِمَّنْ فِي السَّمَاءِ تَخَافُ وَلَا مِمَّنْ فِي الْأَرْضِ تَسْتَحْيِ فَعُدَّ نَفْسُكَ فِي الْبَهَائِمِ. نزهة الناظر و تنبيه الخاطر / ۱۰۴ / لمع من كلام الإمام أبي جعفر محمد بن علي الباقر عليهما السلام هنگامی که نفست تو را به ارتکاب یک گناه کبیره دعوت کرد، نگاه خود را به آسمان بیاندازد؛ اگر از ساکنان آسمان (فرشته‌ها) نترسیدی، به ساکنان زمین نگاه کن؛ شاید از آن‌ها حیا کنی؛ پس، اگر از آسمانیان و زمینیان نترسیدی و حیا نکردی، خودت را جزء چهارپایان به حساب بیاور (آدم نیستی).

روایات	عنوان
امیرالمؤمنین علیه السلام: أَحَسُّ الْحَيَاءِ إِسْتِحْيَاؤُكَ مِنْ نَفْسِكَ. عیون الحکم / ج ۱ / ص ۱۲۱ نیکوترین حیا، حیا داشتنت از نفس خودت است	۸) حیا از خود
امیرالمؤمنین علیه السلام: حَيَاءُ الرَّجُلِ مِنْ نَفْسِهِ ثَمَرُهُ الْإِيمَانُ. حیاى فرد از خودش ثمره‌ی ایمان است. غررالحکم / ح ۴۱۸	
امیرالمؤمنین علیه السلام: مَنْ اسْتَحْيَى مِنَ النَّاسِ وَلَمْ يَسْتَحِ مِنْ نَفْسِهِ فَلَيْسَ لِنَفْسِهِ عِنْدَ نَفْسِهِ قَدْرٌ. شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید / ج ۲۰ / ۲۶۵ / الحکم المنسوبة ص : ۲۵۳ کسی که از مردم حیا کند، ولی از خودش حیا نکند، نشانه این است که برای خودش، در نزد خودش قدر و منزلتی قائل نیست.	

عنوان	روایات
(۹) معیار قرار دادن خود در درک قبیح بی جای	امیرالمؤمنین (علیه السلام): اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ. فَأَحَبُّ لِعَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ أَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا. نهج البلاغه (للصیحي صالح) / ۳۹۷ / ۳۱ ای فرزند، خود را در آنچه میان تو و دیگران است، ترازویی پندار. پس آنچه برای خود دوست می داری برای جز خود دوست بدار. و آنچه تو را خوش نیاید برای او ناخوش بشمار.

عنوان	روایات
(۱۰) نقش حیا در پوشاندن عیب های خود	امیرالمؤمنین (علیه السلام): مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ ثَوْبَهُ خَفِيَ عَلَى النَّاسِ عَيْبُهُ. کافی/ج ۸/ص ۲۲ هر که جامه حیا بر تن کند، عیوبش پوشیده ماند.

عنوان	روایات
(۱۱) نقش حیا در پوششیدن عیوب دیگران	-

عنوان	روایات
(۱۲) حاکمیت حیا در همه جا	یکی از آداب خانوادگی این است که وقتی فرزند می‌خواهد در خلوت مادر، یا پدر و مادر خود، وارد شود از آن‌ها اجازه بگیرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علیه السلام چنین توصیه‌ای می‌فرمایند و وقتی از علت این توصیه می‌پرسند، می‌فرمایند: «آیا می‌پسندی که وی را عریان مشاهده نمایی؟» حضرت عرضه می‌دارند: «هرگز.» ایشان می‌فرمایند: «پس اجازه بگیر و با اطلاع قبلی وارد شو.» بحارالانوار/ ۳۸۰/۱۰۳
	امیرالمؤمنین علیه السلام: مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطْوُهُ وَ مَنْ كَثُرَ خَطْوُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ وَ مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ وَ مَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ وَ مَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ. نهج البلاغه/ ص ۵۳۶ کسی که زیاد حرف بزند، زیاد خطا می‌کند؛ و کسی که زیاد خطا کند، حیایش کم می‌شود؛ و کسی که حیایش کم شود، ورع (خوشتن‌داری) در برابر همه گناهان) نیز در او کم می‌شود؛ و کسی که ورعش کم شود، قلبش می‌میرد؛ و کسی که قلبش بمیرد، به آتش وارد می‌شود.

عنوان	روایات
۱۳) سب عفت	امیرالمؤمنین (علیه السلام): ثَمَرُهُ الْحَيَاءُ الْعِفَّةُ. غررالحکم / ح ۵۴۵۷ میوه حیا، عفت است.

عنوان	روایات
۱۴) رابطی ادب و حیا	امام صادق (علیه السلام) خطاب به جناب مفضل بن عمر: ای مفضل! بنگر و بیندیش که خداوند چگونه از میان تمامی جانداران، انسان را ممتاز ساخته و چگونه او را به نعمتی اختصاص داده است که ارزشی بس والا دارد و دارای سرمایه و ثروتی بزرگ می باشد و آن حیاست. اگر حیا نمی بود؛ کسی مهمان را گرامی نمی داشت و کسی به وعده اش وفا نمی کرد، نیازهای دیگران را برآورده نمی ساخت، دنبال کارهای پسندیده و زیبا نمی رفت، از اعمال زشت و ناپسند در هیچ زمینه ای امتناع و پروا نمی داشت تا آن جا که انگیزه ی بسیاری از کارهای لازم و واجب، حیاست. زیرا اگر حیا نبود کسی حقوق پدر و مادر خویش را رعایت نمی کرد و صله ی رحم به جای نمی آورد، ادای امانت نمی کرد و از هیچ عمل زشت و ناپسندی روگردان نمی بود. بحارالانوار / ۳ / ۸۱ به نقل از توحید مفضل.

عنوان	روایات
(۱۵) حای فانی	امیرالمؤمنین علیه السلام: یا اهل العراق بُتُّتُ أَنْ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعْنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ، أَمَا تَسْتَحْيُونَ؟! وسائل الشَّيْعَه / ج ۱۴ / ح ۱ ای اهل عراق! به من خبر رسیده که زنان شما در کوچه‌ها با مردها برخورد می‌نمایند، آیا حیا نمی‌کنید؟!
	أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَلَا تَعَارُونَ نِسَاءَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَيُزَاحِمْنَ الْعُلُوجَ؟! وسائل الشَّيْعَه / ج ۱۴ / ح ۲ آیا حیا نمی‌کنید؟! و آیا غیرت نمی‌کنید که زن‌های شما به بازارها می‌روند و با مردهای خشن سر و کار پیدا می‌کنند!
	پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: یا علی! لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جُمُعَةٌ وَلَا جَمَاعَةٌ وَلَا أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ... وَلَا هَرَوَلَةٌ بَيْنَ الصِّفَا وَالْمَرَوَةِ وَلَا اسْتِلَامُ الْحَجَرِ. وسائل الشَّيْعَه / ج ۱۴ / ص ۲۲۷ ای علی! برای زن‌ها، شرکت در نماز جمعه و جماعت (عمومی در خارج منزل)، اذان و اقامه گفتن (برای عموم)،... هَرَوَلَه بین صفات و مروه، و استلام حجرالاسود نیست.
	پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: صَلَاةُ الْمَرْأَةِ وَحْدَهَا فِي بَيْتِهَا كَفَضْلِ صَلَاتِهَا فِي الْجَمْعِ خَمْسًا وَعَشْرِينَ دَرَجَةً. بحارالانوار/ ج ۸۳ / ص ۳۷۱ نماز زن به تنهایی در خانه‌اش، از نماز جماعت او بیست و پنج برابر بیش‌تر فضیلت دارد .

عنوان	روایات
(۱۵) حیات ناهیان	حضرت زهرا علیها السلام: خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ. وسائل الشَّيْعَه / ج ۲۰ / ص ۶۷ برای زنان بهتر است که نه مردان را ببینند، و نه این که مردها آن‌ها را ببینند
	كُنْتُ أَقْرَأُ امْرَأَةً، كُنْتُ أَعْلَمُهَا الْقُرْآنَ فَمَازَحْتُهَا بِشَيْءٍ، فَقَدِمْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَقَالَ لِي: أَيُّ شَيْءٍ قُلْتَ لِلْمَرْأَةِ؟ فَعَطَّيْتُ وَجْهِي. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تَعُودَنَّ إِلَيْهَا. وسائل الشَّيْعَه / ج ۲۰ / ص ۱۹۸ ابوبصیر می‌گوید: من به زنی قرآن یاد می‌دادم، پس با او یک شوخی کردم! وقتی خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم (بدون مقدمه) به من فرمودند: به آن زن چه گفتی؟ ابوبصیر می‌گوید: صورتم را (از خجالت) پوشاندم. حضرت فرمودند: دیگر پیش آن زن برنگرد.
	پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: مَنْ صَافَحَ مَرْأَةً حَرَامًا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُولًا ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ. وسائل الشَّيْعَه / ج ۱۴ / باب ۱۰۶ / ح ۴ کسی که با زن نامحرمی دست بدهد، روز قیامت در حالی محشور می‌شود که به غل و زنجیر کشیده شده، سپس دستور می‌دهند که او را در آتش بیندازند.

عنوان	روایات
(۱۶) پوشش آقایان	-

عنوان	روایات
(۱۷) آثار ارزنده‌ی حیا	امیرالمؤمنین علیه السلام : الْحَيَاءُ يَصُدُّ عَنِ فِعْلِ الْقَبِيحِ. غررالحکم/ ح ۵۴۵۴ شرم منع می‌کند از فعل قبیح.
	پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم : الْحَيَاءُ خَيْرٌ كُلُّهُ. مجموعه ورام/ ج ۱/ ص ۱۹۱ سراسر حیا، خیر و نیکی است.
	پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم : از حیا چند چیز منشعب می‌شود که عبارت‌اند از: نرمی و مهربانی، مراعات خدا در پنهان و آشکار، سلامت زیستن، از بدی دوری کردن، گشاده رو بودن، جوان مردی و پیروزی، رسیدن به خواسته‌ها و مدح و ستایش مردم. این، چیزهایی است که عاقل به وسیله‌ی حیا بدان می‌رسد. بحارالانوار / ۱ / ۱۱۷ به نقل از تحف العقول.
	پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم : إِنَّ الْحَيَاءَ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ. دلائل الامامه / ج ۱ / ص ۶۵ حیا برخاسته از ایمان است و [صاحب] ایمان در بهشت.

عنوان	روایات
(۱۸) اثرات بی حیاء	امام صادق علیه السلام: لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ. کافی / ج ۵/ص ۳۱۷ ایمان ندارد کسی که حیا ندارد.
	امام صادق علیه السلام: الحياء و الايمان مقرونان فی قرن واحد فاذا ذهب احدهما تبعه صاحبه. بحار الانوار / ج ۷۱ / ص ۳۳۵ به نقل از صحافی الاخبار حیا و ایمان به یک رشته کشیده شده‌اند (هم نشین‌اند) هنگامی که یکی از آن دو برود، همنشینش آن را دنبال خواهد کرد.
	از جناب سلمان محمدی چنین روایت شده است: وقتی خداوند عزّ و جلّ هلاکت بنده‌ای را اراده کند حیا را از وی بر می‌کند. پس هنگامی که حیا از او برکنده شد او را ملاقات نمی‌کنی مگر به صورت خائنی که خود، مورد خیانت قرار می‌گیرد. امانت‌داری از وی گرفته می‌شود پس وقتی امانت‌داری از وی گرفته شد او را ملاقات نمی‌کنی مگر خشن و سخت دل و وقتی چنین شد رشته‌ی ایمان از وی گسسته می‌شود و او را ملاقات نمی‌کنی مگر شیطانی نفرین شده. الکافی / ۲/ ۲۹۱

عنوان	روایات
۱۸) اثبات حجی	امیر المؤمنین علیه السلام: يَمْتَدِحُ إِلَى النَّاسِ بِفِعْلِهِ الْقَبِيحِ فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبِّ هَذَا عَبْدُكَ مَا يَدْعُ شَيْئًا إِلَّا رَكِبَهُ وَ إِنَّا لَنَسْتَحْيِي مِمَّا يَصْنَعُ فَيُوحِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِمْ أَنْ أَرْفَعُوا أَجْنَحَتَكُمْ عَنْهُ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ أَخَذَ فِي بُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. الكافي/ج ۲/ص ۲۸۰ امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود: بر هر بنده‌ئی چهل پرده کشیده شده تا وقتی چهل گناه کبیره مرتکب شود، چون مرتکب چهل کبیره شد، پرده‌ها از او برداشته شود، آنگاه خدا بآن (فرشته) ها وحی فرماید: که بنده‌ام را با بالهای خود بیوشانید، فرشتگان او را با بالهای خود بیوشانند. سپس آن بنده کار زشتی را نگذارد جز آنکه مرتکب شود تا آنجا که با ارتکاب زشت‌کاری میان مردم ببالد آنگاه فرشتگان گویند: پروردگارا این بنده تو هر عملی را مرتکب می‌شود و ما از کردار او خجالت می‌کشیم، خدای عز و جل به آنها وحی فرماید: بالهای خود را از او بردارید، و چون کارش بدینجا کشد آغاز دشمنی با ما خانواده گذارد، و آنگاه است که پرده او در آسمان و نیز پرده او در زمین دریده شود، سپس فرشتگان گویند: پروردگارا این بنده تو پرده دریده مانده است، خدای عز و جل به آنها وحی فرماید اگر خدا باو نیاز و توجهی می‌داشت بشما دستور نمیداد بالهای خود را از او بردارید.

عنوان	روایات
(۱۹) حیات پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام	پدر و پسری به عنوان میهمان بر امیرالمؤمنین علیه السلام وارد می شوند. امام علیه السلام آن دو را در بالای مجلس می نشاند و خود در برابرشان می نشیند. پس از آن که آن دو غذا صرف می کنند غلام حضرت - قنبر- تشت آب، ظرف و حوله ای می آورد که آن دو، دست هایشان را بشویند. حضرت برمی خیزند، ابریق را از دست قنبر می گیرند و خود مشغول آب ریختن به دست میهمان پدر می شوند. میهمان، نخست شرمند می شود، به پای حضرت می افتد و ابراز شرمندگی می کند اما حضرت وی را به حق خود قسم می دهند که با اطمینان خاطر دستانش را بشوید؛ چنان که اگر قنبر بر دستانش آب می ریخت چنین می کرد. جالب است که پس از این، ابریق را به دست محمد حنفیه می دهند تا بر دست پسر آب بریزد و سپس می فرمایند: اگر این پسر تنها میهمان من بود خودم آب روی دستهایش می ریختم ولی خدا دوست ندارد اگر پدر و پسر با هم باشند بین آنها مساوات برقرار شود. بحارالانوار/۷۵/۱۱۷
	امام زین العابدین علیه السلام ابا داشتند که با مادرشان هم غذا شوند و سر یک سفره بنشینند. به ایشان عرض شد: «ای پسر رسول خدا، شما نیکوکارترین مردم اید و بیش از همه صله ی رحم می کنید. پس چه طور با مادرتان هم غذا نمی شوید؟» حضرت پاسخ فرمودند: «خوش نمی دارم که دستم به چیزی سبقت گیرد که چشم او پیش از من، بدان سبقت گرفته است.» خصال/۲/۵۱۷

هدف: یاری امام عصر علیه السلام

عنوان	روایات
(۱) تَبَهُّبُ رَحَائِلِ حَقِّهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ پیامبر ﷺ و اهل بیت 	امام صادق علیه السلام : نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ النَّعِيمُ الَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِنَا عَلَى الْعِبَادِ... وَ هِيَ النِّعْمَةُ الَّتِي لَا تَنْقَطِعُ وَ اللَّهُ سَائِلُهُمْ عَنْ حَقِّ النَّعِيمِ الَّذِي أَنْعَمَ بِهِ عَلَيْهِمْ وَ هُوَ النَّبِيُّ وَ عِتْرَتُهُ. تَفْسِيرُ نَوْرِ الثَّقَلَيْنِ / ج ۵ / ص ۶۶۳ ما اهل بیت، آن نعمتی هستیم که خدا به سبب ما بندگان را نعمت داده است و این نعمتی است که منقطع نمی شود و خداوند از حق این نعمتی که به ایشان ارزانی داشته - یعنی پیامبر ﷺ و عترت ایشان  - از آن ها سؤال می کند.

عنوان	روایات
(۲) شناخت نعمت، شرط لازم برای شکرگزاری	لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ. تکاثر/ ۸ سپس در آن روز، از نعمت ها بازخواست خواهید شد. امام صادق علیه السلام : وَلَكِنَّ النَّعِيمَ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مُوَالَاتُنَا يَسْأَلُ اللَّهُ عِبَادَهُ عَنْهُ بَعْدَ التَّوْحِيدِ وَ النُّبُوَّةِ. عيون اخبار الرضا ع / ج ۲ / باب ۳۵ / ح ۶ و لکن مراد به این نعیم دوستی ما اهل البیت (خاندان رسالت) و ولایت ما است، خداوند از آن در قیامت باز خواست خواهد کرد.

عنوان	روایات
همه برای امام علی (ع) بودنی (نعمت بودن امام علی (ع) از جهت تکوینی مخلوقات) (۳) شناخت نعمت وجود امام عصر (ع) از جهت تکوینی	امام صادق (ع): جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ. کافی / ج ۱ / ص ۱۹۷ خدا آنها را ستون‌های زمین ساخت تا مبادا به خلق خود بلرزد.
	در زیارت جامعه کبیره خطاب به ائمه علیهم السلام چنین می‌خوانیم: بِكُمْ يُنْزَلُ الْغَيْثُ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ بِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ وَ يَكْشِفُ الضُّرَّ، بِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ وَفَرَّجَ عَنَا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ به سبب شماست که (خداوند) باران را فرو می‌فرستد و به سبب شما آسمان را از این‌که بی‌رخصت او بر اهلش فرو ریزد باز می‌دارد. به وسیله‌ی شماست که اندوه را می‌زداید و پریشانی‌ها را زایل می‌گرداند.
	امیرالمؤمنین (ع): أَنَا قَسِيمُ اللَّهِ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ، لَا يَدْخُلُهَا دَاخِلٌ إِلَّا عَلَى حَدِّ قَسْمِي. کافی / ج ۱ / ص ۱۹۸ من تقسیم‌کننده بهشت و جهنم. هیچ کس جز بر پایه تقسیم من، در آنها وارد نمی‌شود.

عنوان	روایات
(۴) شناخت نعمت وجود امام عصر (علیه السلام) از جهت تشریحی (نعمت بودن امام (علیه السلام) برای مؤمنان)	امیرالمؤمنین (علیه السلام): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَوْ شَاءَ لَعَرَفَ نَفْسَهُ، وَلَكِنْ جَعَلْنَا أَبَوَيْهِ وَصِرَاطَهُ وَسَبِيلَهُ وَالْوَجْهَ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ. كَافِي / كِتَاب الْحَجَّة / ح ۹ خداوند متعال، اگر می خواست خود، خود را (بی واسطه) به بندگان بشناساند می شناساند، لیکن (این چنین نخواست و این چنین نکرد، بلکه) ما را واسطه و راه شناخت خود قرار داد.
	امام باقر (علیه السلام): إِنَّمَا يَعْرِفُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَيَعْبُدُهُ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَعَرَفَ إِمَامَهُ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ. وَ مَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَلَا يَعْرِفُ الْإِمَامَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ فَإِنَّمَا يَعْرِفُ وَيَعْبُدُ غَيْرَ اللَّهِ هَكَذَا وَاللَّهُ ضَلَالًا. كَافِي / ج ۱ / ص ۱۸۱ تنها کسی خدای عز و جل را شناسد و پرستش کند که هم خدا را بشناسد و هم امام از ما خاندان را و کسی که خدای عز و جل را نشناسد و امام از ما خاندان را نشناسد غیر خدا را شناخته و عبادت کرده، این چنین (مانند عامه مردم) که بخدا گمراهند.
	امام حسین (علیه السلام) در پاسخ به فردی که از ایشان پرسید: ما مَعْرِفَةُ اللَّهِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ چيست؟ پاسخ فرمودند: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ. بحارالانوار / ج ۲۳ / ص ۸ معرفت اهل هر زمانی امام خودشان را که طاعت او برایشان واجب است.

عنوان	روایات
۵) شکر قلی	امام صادق علیه السلام: اِنَّ اَفْضَلَ الْفَرَائِضِ وَ اَوْجَبَهَا عَلَى الْاِنْسَانِ مَعْرِفَةُ الرَّبِّ وَ الْاِقْرَارُ لَهُ بِالْعُبُودِيَّةِ... وَ بَعْدَهُ مَعْرِفَةُ الْاِمَامِ الَّذِي بِهِ يَأْتُمُّ، بِنَعْتِهِ وَ صِفَتِهِ وَ اَسْمِهِ فِي حَالِ الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ. بحار الانوار/ ج ۳۶/ ص ۴۰۷ بهترین فرائض و واجب‌ترین آنها بر انسان شناسائی پروردگار و اقرار به بندگی اوست، ... و پس از معرفت رسول خدا، معرفت امام است با نعت و صفت و نامش، که باید به او اقتدا کرد، در حال شدت و تنگی و در حال فراخی و وسعت.
	امام صادق علیه السلام: وَ اَدْنَى مَعْرِفَةِ الْاِمَامِ اَنَّهُ عَدْلُ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ الْاَدْرَجَةَ النَّبَوَّةَ وَ وَارِثُهُ وَ اَنَّ طَاعَتَهُ طَاعَةُ اللهِ وَ طَاعَةُ رَسُوْلِ اللهِ. بحار الانوار/ ج ۳۶/ ص ۴۰۷ باین‌ترین حد معرفت امام این است که او همتای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و وارث ایشان غیر از درجه نبوت می‌باشد. و این که اطاعت او اطاعت خداوند و رسول اوست.
	امیرالمؤمنین علیه السلام: نَحْنُ... سُفُنُ النَّجَاةِ. بحار الانوار/ ج ۱۰۲ / ص ۲۱۵ ما... سفینه‌های (کشتی‌های) نجات هستیم.

عنوان	روایات
۵) شکر قابلی	امام رضا علیه السلام: یا مُوسَى بنَ سَيَّار! أَمَا عَلِمْتَ أَنَّا مَعَاشِرَ الْأَئِمَّةِ تُعَرِّضُ عَلَيْنَا أَعْمَالُ شِيعَتِنَا صَبَاحاً وَ مَسَاءً! فَمَا كَانَ مِنَ التَّصْبِيرِ فِي أَعْمَالِهِمْ سَأَلْنَا اللَّهَ تَعَالَى الصَّفْحَ لِصَاحِبِهِ وَ مَا كَانَ مِنَ الْعُلُوِّ سَأَلْنَا اللَّهَ الشُّكْرَ لِصَاحِبِهِ. بحارالانوار/ ج ۴۹/ ص ۹۹ ای موسی بن سیار! آیا نمی دانی که اعمال و رفتار شیعیان ما، در هر صبح و شام، بر همگی ما امامان عرضه می شود؟ آن گاه اگر تقصیری در رفتار آنها باشد، از خداوند می خواهیم که از سر تقصیرشان درگذرد. و اگر کار خوبی داشته باشند، از خداوند می خواهیم که از آنها قدردانی فرماید.
	امام رضا علیه السلام: الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ الرَّفِيقُ الْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَ الْأَخُ الشَّقِيقُ وَ الْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ . کافی/ ج ۱/ ص ۲۰۰ امام همدل و همراه پر مهر است و پدری است خیرخواه و با عاطفه برادری که از یک پدر و مادر باشد، و چون مادری است نیکوکار نسبت به فرزند خردسال خویش.

عنوان	روایات
۲) شکر زبانی	وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ. بقره/۲۳۱ نعمت خدا را بر خودتان یاد کنید.
	وَ اَمَّا نِعْمَةُ رَبِّكَ فَحَدِّثْ. ضحی / ۱۱ و نعمت پروردگارت را بازگو کن.
	سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ اَمَّا نِعْمَةُ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» قَالَ: «الَّذِي أَنْعَمَ عَلَيْكَ بِمَا فَضَّلَكَ وَ أَعْطَاكَ وَ أَحْسَنَ إِلَيْكَ». ثُمَّ قَالَ: «فَحَدِّثْ بِدِينِهِ وَ مَا أَعْطَاهُ اللَّهُ وَ مَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَيْهِ». کافی/ج ۲/ص ۳۵۸ فضل بن بقباق گوید: از امام صادق عليه السلام قول خدای عز و جل را: «و اما نعمت پروردگارت را بازگو» پرسیدم، فرمود: یعنی آن کس که بدان چه برتریت بخشیده و بتو عطا فرموده و احسان کرده بتو نعمت داده، سپس فرمود: دین او و آنچه بتو عطا فرموده و نعمت داده بازگو.

روایات	عنوان
امام سجاد علیه السلام: اما حق ذی المعروف علیک فان تشکره و تذکره معروفه و تکسبه المقالہ الحسنه. بحار الانوار/ ج ۷۴ / ص ۷ حق کسی که کار خوبی برای تو انجام داده، این است که از او سپاسگزاری کنی و کار خوب او را یاد کنی و گفتار نیکو برای او به دست آوری ...	(۵) شکر زبانی
امام سجاد علیه السلام: اما حق ذی المعروف علیک...و تخلص له الدعای فیما بینک و بین الله عزوجل. فاذا فعلت ذلک کنت قد شکرته سرا و علانیه ثم ان قدرت علی مکافاتہ یوما کافاتہ. بحار الانوار/ ج ۷۴ / ص ۷ از حقوق کسی که به تو خوبی کرده این است که ...در ارتباط بین خود و خدای عزوجل، خالصانه برای او دعا کنی. اگر چنین کردی، به صورت پنهان و آشکار شکر او را به جای آورده ای. آن گاه اگر روزی توانستی کار خوب او را تلافی کنی، این کار را انجام بده.	

عنوان	روایات
۷) شکر عملی	امام صادق علیه السلام: اَدْنَى مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ أَنَّهُ عَدْلُ النَّبِيِّ إِلَّا دَرَجَةَ النَّبُوَّةِ وَوَارِثُهُ، وَ أَنَّ طَاعَتَهُ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِ اللَّهِ . بحارالانوار/ ج ۳۶ / ص ۴۰ پایین ترین حد معرفت امام علیه السلام این است که ایشان همتای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است (در تمام شؤون) مگر در نبوت، و وارث آن حضرت است، و این که اطاعت از امام علیه السلام (در حقیقت) اطاعت از خدا و از رسول خداست.

عنوان	روایات
۸) ادای شکر نعمت امام عصر علیه السلام به کمک یاری ایشان	یاری کردن امام علیه السلام در حقیقت، ادای شکر نعمت ایشان است و هر مرتبه از شکرگزاری، یک قسم یاری آن حضرت محسوب می گردد. بنابراین یاری امام عصر علیه السلام با قلب، در حقیقت شکرگزاری قلبی نسبت به نعمت ایشان است. هم چنین یاری حضرت با زبان، مصداق شکر زبانی نعمت امام علیه السلام و یاری کردن ایشان در عمل، نیز به تحقق یافتن شکر عملی در قبال آن حضرت می باشد.

عنوان	روایات
(۹) باری قلی امام عمر رضی الله عنه	مهم‌ترین عمل قلب، معرفت است، برای یاری قلبی حضرتش، باید در جهت حصول معرفت بیش تر امام علیه السلام کوشش نمود.
	امام موسی کاظم علیه السلام: تَقَفَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ، فَإِنَّ الْفَقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَةِ وَ تَمَامُ الْعِبَادَةِ. بحارالانوار/ ج ۷۵ / ص ۳۲۱ در دین خدا تفقه پیدا کنید زیرا فقه و اطلاعات دینی بینش و بصیرت است و موجب کمال عبادت.
	پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: أَفْ لِكُلِّ مُسْلِمٍ لَا يَجْعَلُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ يَوْمًا يَتَفَقَّهُ فِيهِ أَمِيرَ دِينِهِ وَ يَسْأَلُ عَنْ دِينِهِ. بحارالانوار/ ج ۱ / ص ۱۷۶ هلاک و تباهی باد برای هر مسلمانی که در هفته یک روز را قرار ندهد که در آن کار دین و آئین خود را بفهمد و بیاموزد، و از (أوامر و نواهی) دین خویش پرسش نماید.
	كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. مَطَفِّينَ / ۱۴ چنین نیست، بلکه آن چه مرتکب می‌شدند بر دل‌هایشان زنگار پست (دل‌هایشان را محجوب ساخت) امام باقر علیه السلام در توضیح این آیه شریفه فرمودند: مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ بَيَاضٌ فَإِذَا اذْنَبَ ذَنْبًا خَرَجَ فِي النُّكْتَةِ نُكْتَةٌ سَوَادٌ، فَإِنْ تَابَ ذَهَبَ ذَلِكَ السَّوَادُ وَ إِنْ تَمَادَى فِي الذُّنُوبِ زَادَ ذَلِكَ السَّوَادَ حَتَّى يُعْطِيَ الْبَيَاضَ فَإِذَا غَطِيَ الْبَيَاضُ لَمْ يَرْجِعْ صَاحِبُهُ إِلَى خَيْرٍ أَبَدًا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. اصول کافی / کتاب الایمان و الکفر / باب الذنوب / ح ۲۰ هیچ بنده‌ای نیست مگر آن که در قلبش نقطه سفیدی است، پس وقتی گناهی مرتکب شود، در آن یک نقطه سیاه پدید می‌آید. آن‌گاه اگر توبه کند، آن سیاهی از بین می‌رود و اگر انجام گناه را ادامه دهد، بر آن سیاهی می‌افزاید تا آن که سفیدی را می‌پوشاند و چون سفیدی پوشیده شود، صاحب آن قلب هرگز به سوی خوبی باز نمی‌گردد و همین است سخن خدای عزوجل: چنین نیست، بلکه آن چه انجام می‌دادند، بر دل‌هایشان زنگار پست.

عنوان	روایات
۹) یاری قلبی امام عصر علیه السلام	رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمودند: أَنْمَا مِثْلُكَ مِثْلُ قُلٍ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ. فَإِنَّهُ مَنْ قَرَأَهَا مَرَّةً فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ. وَمَنْ قَرَأَهَا مَرَّتَيْنِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلْثَيِ الْقُرْآنِ. وَمَنْ قَرَأَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ الْقُرْآنَ. وَكَذَلِكَ مَنْ أَحَبَّ بِقَلْبِهِ، كَانَ لَهُ مِثْلُ ثَلَاثِ ثَوَابِ أَعْمَالِ الْعِبَادِ. وَمَنْ أَحَبَّ بِقَلْبِهِ وَنَصَرَ بِلِسَانِهِ، كَانَ لَهُ مِثْلُ ثَلَاثِي ثَوَابِ أَعْمَالِ الْعِبَادِ. وَ مَنْ أَحَبَّ بِقَلْبِهِ وَنَصَرَ بِلِسَانِهِ، وَ يَدِهِ، كَانَ لَهُ مِثْلُ ثَوَابِ أَعْمَالِ الْعِبَادِ. بحار الانوار / ج ۲۷ / ص ۹۴ مثل تو مانند قل هو الله احد است هر که یک بار بخواند مثل این است که یک سوم قرآن را خوانده و هر که دو بار بخواند دو سوم قرآن را و هر که سه مرتبه بخواند مثل این است که تمام قرآن را خوانده. همچنین هر کس ترا با دل دوست داشته معادل ثواب یک سوم از اعمال بندگان باو میدهند و هر که ترا با دل دوست داشته باشد و با زبان یاریت کند باو دو سوم از ثواب اعمال بندگان را می دهند و هر کس تو را با دل دوست داشته باشد و با زبان و دست خود یاری کند معادل ثواب تمام بندگان باو می دهند.

عنوان	روایات
(۱۰) یاری زبانی امام عصر علیه السلام	پیامبر صلی الله علیه و آله: لَا يَسْتَقِيمُ إِيْمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ وَلَا يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ . بحارالانوار/ ج ۷۱ / ص ۲ ایمان بنده‌ای استوار نمی‌شود مگر دلش استوار شود، و دلش استوار نمی‌گردد مگر زبانش استوار شود.
	عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: «إِنَّ لِسَانَ ابْنِ آدَمَ يُشْرَفُ عَلَى جَمِيعِ جَوَارِحِهِ كُلِّ صَبَاحٍ، فَيَقُولُ: كَيْفَ أَصْبَحْتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: بِخَيْرٍ إِنْ تَرَكْنَا، وَ يَقُولُونَ: اللَّهُ اللَّهُ فِينَا، وَ يُنَاشِدُونَهُ وَ يَقُولُونَ: إِنَّمَا ثَنَابٌ وَ نُعَاقِبُ بِكَ». اصول کافی / ج ۴ / ص ۲۹۸ امام سجاد علیه السلام: همانا زبان انسان در هر بامداد بر تمام اعضای بدنش اشراف پیدا می‌کند و می‌گوید: چطور هستید؟! آن‌ها می‌گویند: اگر تو ما را رها کنی، خوییم و می‌گویند: در مورد ما مراقب خدا باش و او را قسم می‌دهند و می‌گویند: جز این نیست که به سبب تو به ما پاداش و کیفر داده می‌شود.
	امام صادق علیه السلام: قَرَأْتُ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ ع أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَأْخُذْ عَلَى الْجُهَالِ عَهْدًا بِطَلَبِ الْعِلْمِ حَتَّى أَخَذَ عَلَى الْعُلَمَاءِ عَهْدًا بِبَدْلِ الْعِلْمِ لِلْجُهَالِ کافی / ج ۱ / ص ۱۰۰ در کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام خواندم که خدا بر نادان‌ها پیمانی برای طلب علم نگرفته است، مگر بعد از این که از دانشمندان برای بذل علم به نادان‌ها عهد گرفته است.

عنوان	روایات
(۱۱) یاری عملی امام عصر علیه السلام	امام صادق علیه السلام: کُونُوا دُعَاءَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ اَلْاجْتِهَادَ وَ اَلصَّدَقَ وَ اَلْوَرَعَ. بحارالانوار/ج ۶۷/ص ۳۰۹ مردم را بدون زبان خود بطرف ما بخوانید، آنها اگر از شما عبادت، راستی و ورع را دیدند متوجه ما می شوند.
	امام صادق علیه السلام: يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ اَنْكُمْ قَدْ نُسِبْتُمْ اِلَيْنَا كُؤُنُوْنَا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا شَيْنًا، كُونُوا مِثْلَ اَصْحَابِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي النَّاسِ، اِنْ كَانَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ لِيَكُونَ فِي الْقَبِيلَةِ، فَيَكُونُ اِمَامُهُمْ وَ مُؤَدِّيهِمْ وَ صَاحِبَ اَمَانَتِهِمْ وَ وَدَائِعِهِمْ. بحارالانوار/ ج / ۸۵ ص ۱۱۹ ای مردم شیعه! شما منسوب به ما هستید. زینت ما باشید و مایه ننگ (ما) نباشید. مانند اصحاب علی علیه السلام در بین مردم باشید. یکی از آنها که در قبیله حضور داشت، امام جماعت و اذان گو و امانت دار و نگه دارنده ودیعه های آنها بود.
	امام باقر علیه السلام: اَعَيْنُونَا بِالْوَرَعِ، فَاِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِالْوَرَعِ كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ فَرَجًا. کافی/ج ۲/ص ۷۸ ما را با ورع یاری کنید، زیرا هر کس از شما خدای عز و جل را با ورع ملاقات کند، برای او نزد خدا گشایشی باشد.

عنوان	روایات
امام حسین علیه السلام در کربلا به یاران خویش فرمودند: فقد اخبرنی جدی انّ ولدی الحسین یقتل بطف کربلاء غریبا وحیدا عطشاناً، فمن نصره فقد نصرنی و نصر ولده القائم علیه السلام. فوائد المشاهد/ ج ۲/ ص ۴۶ خبر داده است مرا جدم که همانا فرزندم حسین در دشت کربلا غریبانه و تنها در حالیکه تشنه کام است، کشته می شود، پس هرکه او را یاری نماید پس همانا مرا و فرزندش قائم علیه السلام را یاری کرده است.	
امام صادق علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ يَحْشُرُ النَّاسَ عَلَى نَبَاتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. وسائل الشیعه/ ج ۱/ ص ۴۸ خداوند روز قیامت مردم را به اندازه نیت آنها محشور می کند.	

عنوان	روایات
(۱۳) پابندی محبان امام حسین علیه السلام به اخلاق در زمان غیبت	امام سجاد علیه السلام: وَ أَمَّا حَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ عَامَّةً إِضْمَارُ السَّلَامَةِ وَ نَشْرُ جَنَاحِ الرَّحْمَةِ وَ الرَّفْقُ بِمُسِيئِهِمْ وَ تَأْلُفُهُمْ وَ اسْتِصْلَاحُهُمْ وَ شُكْرُ مُحْسِنِهِمْ إِلَى نَفْسِهِ وَ إِلَيْكَ فَإِنَّ أَحْسَنَهُ إِلَى نَفْسِهِ إِحْسَانُهُ إِلَيْكَ إِذَا كَفَّ عَنْكَ أَذَاهُ. كَبِيرُهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْوَالِدِ وَ صَغِيرُهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْوَلَدِ وَ أَوْسَطُهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْأَخ. تحف العقول/ النص/ ص ۲۶۹ و أَمَّا حَقُّ أَهْلِ دِينَتِ بَطُورِ عَمُومٍ: حَسَنُ نَيْتٍ، مَهْرَبَانِي بِهِ هَمَّكَان، وَ مَدَارَا نَمُودَن بَا بَدْرِفْتَارِشَان، بَا آن‌ها الفت بگیری و صلاح آن‌ها را بخواهی (برایشان دلسوزی کنی) و از کسی که به خودش یا تو نیکی می‌کند شکر کنی. زیرا اگر او به تو خوبی کند، به خودش خوبی کرده است. وقتی انسان سالمی شود، دیگر به تو ضرری نمی‌زند. کهنسال آنان را بجای پدر، و خردسالشان را بجای فرزند، و افراد میان سالشان را بجای برادر گیر.
	شخصی به امام هفتم علیه السلام عرض می‌کند: الرَّجُلُ مِنْ إِخْوَانِي يَبْلُغُنِي عَنْهُ الشَّيْءُ الَّذِي أَكْرَهُهُ فَاسْأَلُهُ عَنْ ذَلِكَ فَيُنْكِرُ ذَلِكَ وَ قَدْ أَخْبَرَنِي عَنْهُ قَوْمٌ ثِقَاتٌ فَقَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ، كَذَبَ سَمْعَكَ وَ بَصَرَكَ عَيْنَ أَخِيكَ فَإِنْ شَهِدَ عِنْدَكَ خَمْسُونَ قَسَامَةً وَ قَالَ لَكَ قَوْلًا فَصَدَّقْهُ وَ كَذِبُهُمْ لَا تُذَيِّعَنَّ عَلَيْهِ شَيْئًا تَشِينُهُ بِهِ وَ تَهْدِمُ بِهِ مَرْوَةً تَهْتَكُونَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ (إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ). وسائل الشيعة/ ج ۱۲/ ص ۲۹۵ از یکی از برادران من چیزی برایم نقل می‌شود که بدم می‌آید. من از او می‌پرسم و او انکار می‌کند، در حالی که کسانی که از او نقل کرده‌اند افراد مورد اعتمادی هستند. امام ع فرمودند: ای محمد، گوش و چشمت را تکذیب کن (گویی گوش و چشت به تو دروغ می‌گویند!). اگر پنجاه نفر قسم خوردند و حرفی را به تو گفتند، کسی که می‌گویند چنین حرفی زده است را تصدیق کن و آن پنجاه نفر را تکذیب کن. اگر کسی اشتباهی کرد، او را مذمت نکن و جوانمردی و احترام او را از بین نبر. در این صورت، از کسانی خواهی بود که خداوند آنان را این‌گونه توصیف کرده است: کسی که دوست دارند بدی اهل ایمان منتشر شود، عذاب دردناکی در دنیا و آخرت برای آنان خواهد بود.

